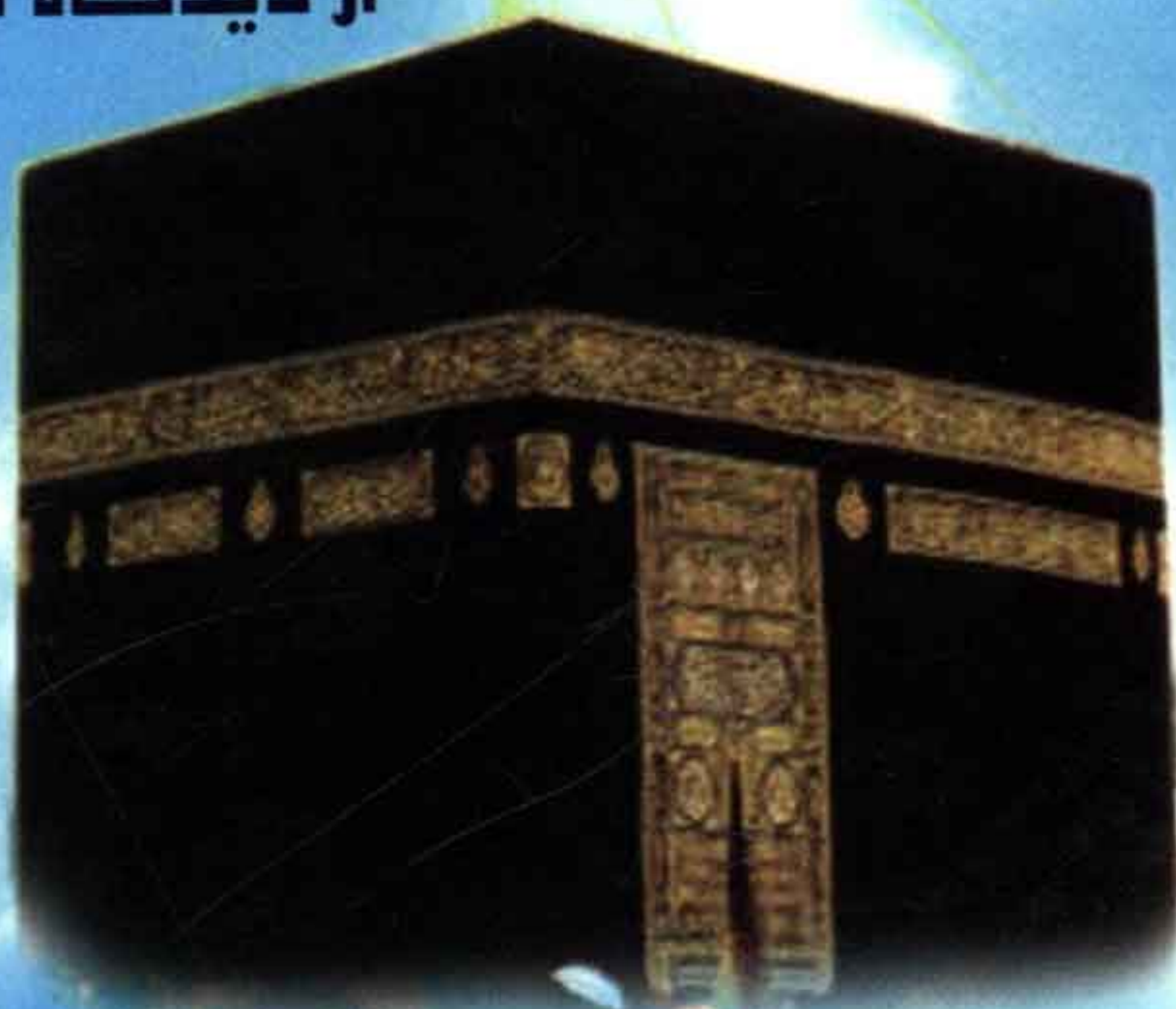


انتخاب امیر

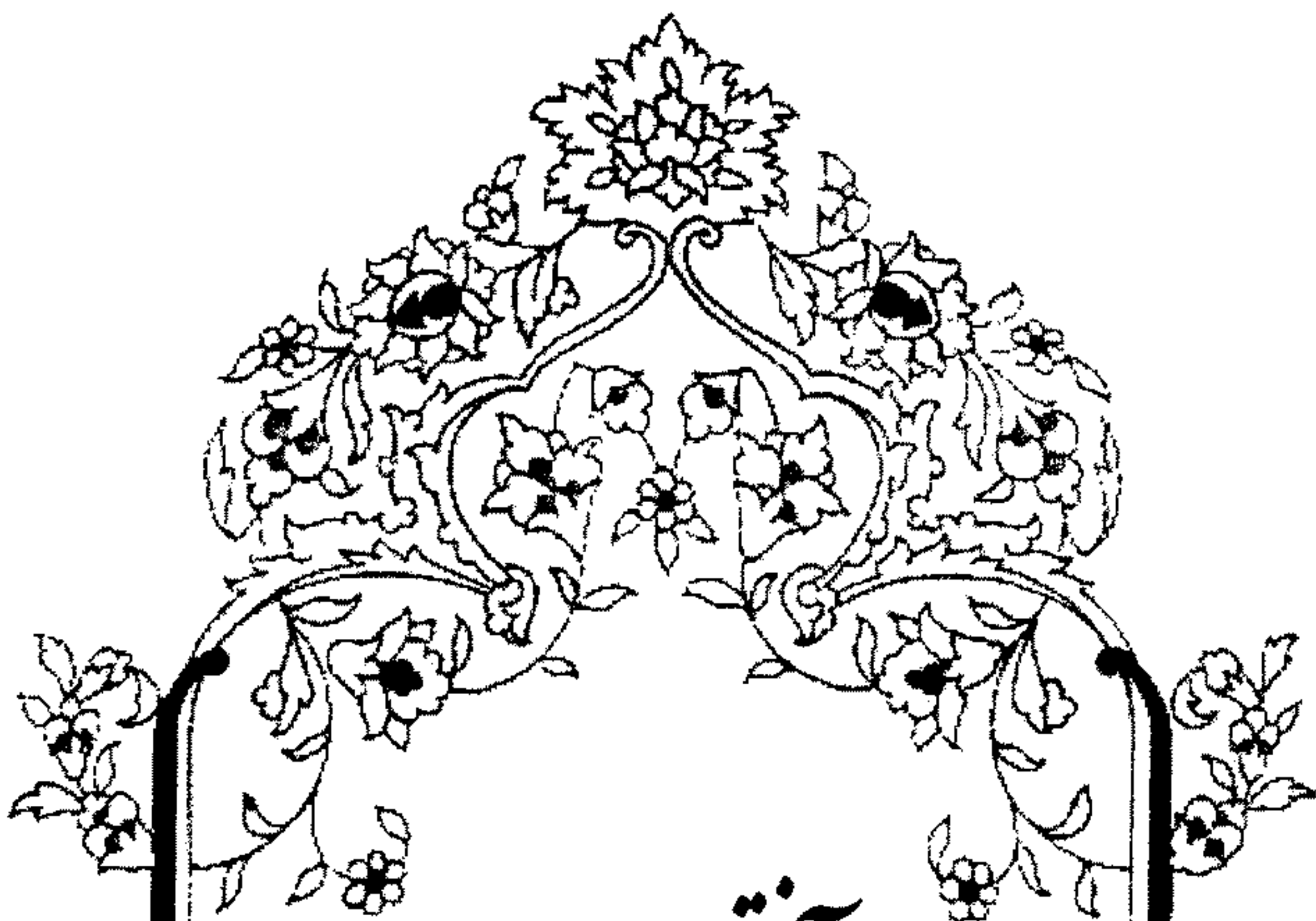
عالی السلام

حضرت مهدی

از دیدگاه ادیان و مذاهب



سید علی هاشمی

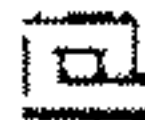


آفتاب امید

نگاهی به زندگی حضرت مهدی (علیه السلام)

از دیدگاه ادیان و فرق و مذاهب

سید علی هاشمی





قم صندوق پستی ۳۷۹۵ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۸۸۱۳۸۸۹ - ۰۲۵۱

همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۳۹۴۴

آفتاب امید

- مؤلف: سیدعلی هاشمی
- ناشر: انتشارات گل‌های بهشت
- لیتوگرافی: سعیدی
- نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۷
- چاپخانه: زیتون
- صحافی: حکیم
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۴۶-۲۴-۴

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الانبياء و

المرسلين.

اللهم صل و سلم و زد و بارك على صاحب الدعوة النبوية و الصولة

الحيدرية و العصمة الفاطمية و الحلم الحسنية و الشجاعة الحسينية و العبادة

السجادية و المآثر الباقرية و الآثار الجعفرية و العلوم الكاظمية و الحجج

الرضوية و الجود التقوية و النقاوة النقية و الهيبة العسكرية و الغيبة الالهية

القائم بالحق و الداعي الى صدق المطلق الكلمة الله و امان الله و حجة الله

القائم بأمر الله و المقسط لدين الله، الغائب بأمر الله و الذاب عن حرم الله،

امام السر و العلن، دافع الكرب و المحن، صاحب الجود و المنن، الامام

اب اشعياى نبى:

م م ح م د بن الحسن صاحب العصر و الزمان و خليفة الرحمن و مظهر

الايمان و قاطع البرهان و شريك القرآن و امام الانس و الجن صلوات الله

و سلامه عليه و عليهم.

فهرست مطالب

بخش اول

- ۳ حضرت مهدی (علیه السلام) از ولادت تا غیبت کبری
- ۵ مشخصات معصوم چهاردهم
- ۵ امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام)
- ۵ دوران زندگی درسه بخش:
- ۶ ولادت:
- ۷ پدر بزرگوارش:
- ۸ حضرت نرجس مادر امام زمان:
- ۱۰ نامها و القاب حضرت حجت علیه السلام
- ۱۰ نهی از بردن نام آن حضرت:
- ۱۱ مهدی موعود:
- ۱۲ امام عصر:
- ۱۲ خلف صالح:
- ۱۲ صاحب الزمان:
- ۱۲ منتظر:
- ۱۲ بقیه الله:
- ۱۳ صاحب الامر:
- ۱۳ حجت:
- ۱۳ قائم (به کسر همزه)
- ۱۴ منتقم:
- ۱۴ سرآغاز غیبت
- ۱۵ غیبت صغری و نواب اربعه:
- ۱۶ اعلامیهی ختم عصر غیبت صغری و آغاز غیبت کبری:
- ۱۷ حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن:
- ۱۹ حضرت مهدی و بیان امامان معصوم علیه السلام

- ۱۹..... حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)
- ۲۰..... ۲- امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام):
- ۲۰..... ۳- امام حسین (علیه السلام)
- ۲۱..... ۴- امام سجاد (علیه السلام)
- ۲۱..... ۵- امام محمد باقر (علیه السلام)
- ۲۲..... ۶- امام صادق (علیه السلام)
- ۲۳..... ۷- امام موسی کاظم (علیه السلام):
- ۲۴..... ۸- امام رضا (علیه السلام)
- ۲۴..... ۹- از حضرت جواد (علیه السلام) نوید دیگر:
- ۲۵..... ۱۰- امام هادی (علیه السلام)
- ۲۶..... ۱۱- امام حسن عسکری (علیه السلام)
- ۲۶..... شباهت حضرت حجت (علیه السلام)
- ۳۰..... زیارت شهدای کربلا از ناحیه مقدسه.....
- ۴۰..... انتظار چیست؟
- ۴۱..... آثار انتظار:
- ۴۱..... الف) خودسازی فردی:
- ۴۱..... ب) خودسازی اجتماعی:
- ۴۱..... ج) حل نشدن در فساد محیط:
- ۴۱..... د) پایداری در برابر رهبری‌های فاسد و مبارزه با فساد:
- ۴۲..... آثار دعای فرج:
- ۴۶..... دعای ندبه به قول امام صادق (علیه السلام)
- ۴۶..... اعتبار سند دعای ندبه.....
- ۵۲..... دعای فرج کدام است؟

بخش دوم

- ۵۵..... مهدویت در ادیان و مذهب دیگر
- ۶۱..... حضرت مهدی (علیه السلام) از دیدگاه اهل سنت:

- کتابهای که علمای اهل سنت در موضوع مهدویت تالیف کرده اند..... ۶۳
- حضرت مهدی علیه السلام به عقیده‌ی اهل سنت هم فرزند امام عسکری است:..... ۶۵
- مهدی موعود به روایت شیعه و سنی..... ۶۷
- دیگر ادیان و بحث از حکومت مهدویت..... ۷۶
- مهدی موعود علیه السلام و کتب مقدسه‌ی هندیان..... ۷۷
- الف) بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اوپانیشاد..... ۷۷
- ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک»..... ۷۸
- ج) بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب «پاتیکل»..... ۷۹
- د) بشارت ظهور حضرت بقیه‌الله علیه السلام در کتاب «وشن جوک»..... ۸۰
- ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در کتاب «دید»..... ۸۱
- و) بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب «دادتگ»..... ۸۴
- ح) بشارت ظهور آخرین حجت خدا علیه السلام در کتاب «شاکمونی»..... ۸۸
- الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در «زبور داود»..... ۹۰
- ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «اشعیای نبی»..... ۹۵
- بشارت دیگری از کتاب اشعیای نبی:..... ۱۰۰
- چند بشارت دیگر از کتاب اشعیای..... ۱۰۱
۱. تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی..... ۱۰۱
۲. تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان..... ۱۰۳
- ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب بوئیل نبی..... ۱۰۹
- د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی»..... ۱۱۰
۱. سرنوشت یهودیان مغرور..... ۱۱۱
۲. اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی..... ۱۱۱
۳. صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل..... ۱۱۲
- ه) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «حزقیال نبی»..... ۱۱۴
- و) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب حجی نبی..... ۱۱۵
- ز) بشارت حضرت مهدی علیه السلام در کتاب (صفینای نبی)..... ۱۱۷

- ۱۱۸..... (ح) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «دانیال نبی»
- ۱۱۹..... ۳. بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل»
- ۱۲۸..... ۴- بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در منابع «زرتشتیان»

بخش سوم

- ۱۳۵..... علایم ظهور، رجعت
- ۱۳۵..... و حکومت حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۴۲..... دجال و سفیانی کیست؟
- ۱۴۲..... پاسخ
- ۱۴۳..... سفیانی
- ۱۴۴..... نکته‌ای از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی
- ۱۴۴..... جواب:
- ۱۴۵..... خروج سید حسنی
- ۱۴۵..... شهادت نفس زکیه
- ۱۴۵..... آیا حضرت ولی عصر علیه السلام مسلحانه قیام می‌فرمایند؟
- ۱۴۶..... مدت حکومت حضرت حجت علیه السلام
- ۱۴۶..... جواب:
- ۱۴۶..... رحلت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟
- ۱۴۷..... مسئله‌ی رجعت چیست؟
- ۱۴۷..... جواب:
- ۱۴۹..... بحث در رابطه‌ی یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۶۱..... ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۶۲..... نخستین سخنرانی حضرت مهدی علیه السلام به روایت امام باقر علیه السلام
- ۱۶۴..... خطبه‌ی دیگر از امام مهدی علیه السلام:
- ۱۶۴..... خطبه‌ی دیگر از امام مهدی علیه السلام
- ۱۶۵..... روز ظهور عاشورا است
- ۱۶۶..... آخرین دولت

- قیام با شمشیر ۱۶۷
- بیعت با امام مهدی علیه السلام ۱۷۰
- امام مهدی علیه السلام و میراث پیامبران ۱۷۲
- یک پرسش و پاسخ آن ۱۷۲
- نقش میراث پیامبران ۱۷۳
- امام مهدی علیه السلام در مکه مکرمه ۱۷۷
- در مدینه منوره ۱۷۸
- یک سؤال و جواب ۱۷۸
- مرکز حکومت امام مهدی علیه السلام یا پایتخت جهانی او ۱۷۸
- امام مهدی علیه السلام در سرزمین قدس ۱۸۱
- فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان ۱۸۲
- چند سال حکومت خواهد کرد؟ ۱۸۸
- زندگی در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام ۱۸۹
- جهان معاصر ۱۸۹
- حیات فرهنگی در عصر امام مهدی علیه السلام ۱۹۰
- حسن ختام ۱۹۱
- منابع و ماخذ: ۱۹۲

سخنی با خواننده

الحمد لله و صلوة و السلام على رسول الله و على آله آل الله سيما مولانا و صاحبنا بقية الله؛

اللهم عجل فرجه، و ارزق رؤيته و جعلنا من اعوانه و انصاره و شيعته و محبيه.

آن چه پیش روی اهل فضل و کمال قرار دارد پژوهشی است هر چند اندک پیرامون وجود گرانمایه حجت الله فی ارضه حضرت ولی عصر علیه السلام گرچه این موضوع از دیر زمان در بین مسلمانان مطرح بوده است؛ اما پرداختن به مبحث مهدویت در هر زمان نیازمند تفکر و تأمل جدید است از این رو در این تحقیق با نگاه تاریخی و روایی به این موضوع پرداخته شده است.

پیروان ادیان آسمانی (اسلام، مسیحیت، یهود) عقیده مشترکی دارند که سرانجام وارثان زمین صالحان و خداپرستان است. و آن کسی که بشریت را به سوی فلاح و سعادت هدایت می کند و از خسران و ضلالت نجات می بخشد از ذریه ابراهیم است. مسیحیت او را عیسی می خوانند و می گویند در آخر الزمان برای نجات بشریت زنده می شود یهودیان معتقدند که او هنوز به دنیا نیامده است و مسلمانان او را از ذریه حضرت اسماعیل و از نوادگان حضرت محمد (P) و از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می دانند از میان مسلمانان مذهب شیعه به استناد روایات، او را از نوادگان امام حسین علیه السلام و فرزند امام عسکری علیه السلام می دانند. آن حضرت در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ یا ۲۵۸ متولد شده است و دارای دو غیبت است. غیبت صغری که حدوداً ۶۹ سال به طول انجامیده غیبت کبری که از سال ۳۲۹ شروع شده و هم اکنون در غیبت کبری آن حضرت به سر می بریم تا زمانی که خداوند سبحان انشاء الله زمینه فرجش را فراهم فرماید. و اندکی از اهل سنت نیز عقیده شیعه را همراهی می کنند و عده کثیری از اهل سنت عقیده دارند که او در آخر زمان متولد خواهد شد. به هر حال میان مسلمانان و مسیحیان و یهودیان در این که آینده جهان به دست یک هدایتگر اصلاح می شود اتفاق نظر است اما در خصوصیات آن اختلاف نظر وجود دارد.

لذا نوشتار حاضر را از باب یک تکلیف که طبق حدیث متواتر نبوی می فرماید: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» که هر کسی امام زمانش را نشناسد و بمیرد مرده است در مرگ جاهلیت (مرگ الحاد و کفر)) بنویسم و با استناد به منابع ادیان آسمانی نکاتی را مورد بررسی قرار دهم که در سه بخش جمع آوری شده است.

بخش اول: حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا غیبت کبری

بخش دوم: مهدویت در ادیان و مذاهب دیگر

و بخش سوم: علایم ظهور و حکومت آن حضرت

هر چند سخن گفتن راجع به وجود گرانبایه آن حضرت در حوصله این نوشتار نیست و بحث و بررسی در این موضوع نیازمند پژوهش عمیق و تالیفات زیاد دارد و ما این جزوه اندک را از باب وظیفه به محضر شریفش تقدیم داشته، امیدوارم نظر مرحمت آن حضرت شامل حالم گردد و این انجام وظیفه ناچیز مورد قبول حضرتش قرار گیرد. انشاء الله

در پایان لازم میدانم که تقدیر و تشکر نمایم از تشویقات و رهنمودهای مراجع بزرگوار شیعه برای جمع آوری این نوشتار و همینطور تقدیر و تشکر می نمایم از استاد بزرگوار حضرت مستطاب آیت ... حاج سید نور الدین مصباحی مؤسس محترم مدرسه علمیه سلمان فارسی که برای طبع این کتاب ما مورد الطاف بی شائبه ایشان قرار گرفتیم.

خداوند انشاء ... سایه بلند مرتبه همه‌ای علمای ربانی اخصاً ایشان را در ظل توجهات حضرت حجت علیه السلام مستدام بدارد از عزیزان اهل فضل و کمال و خوانندگان محترم انتظار می رود که چنانچه در این مجموعه به اغلاط چاپی برخوردند این جانب را از رهنمودهای شان بی نصیب نگذارند.

قم المقدسه ربیع الثانی ۱۴۲۸

هـق

العبد السید علی الهاشمی

بخش اول

حضرت مهدی (علیه السلام)

از ولادت تا غیبت کبری

مشخصات معصوم چهاردهم

امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام)

نام: (م-ح-م-د) همنام پیامبر ﷺ

القاب معروف: مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقیة الله، حجت، قائم و...

پدر و مادر: پدرش حضرت امام حضرت عسکری یازدهمین امام شیعیان و مادر مکرمه‌اش حضرت نرجس می‌باشد.

ولادت: روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا متولد شد و حدود پنج سال تحت کفالت پدر به طور مخفی بود.

دوران زندگی در سه بخش:

۱- دوران کودکی و غیبت صغری: حدود پنج سال تحت سرپرستی پدر و در خفا بود تا از گزند دشمنان محفوظ بماند تا اینکه در سال ۲۶۰ هجری بعد از شهادت پدر به مقام امامت رسید و مقتدای امت اسلام شد. و غیبت صغری از سال ۲۶۰ هـ ق از سرداب مقدس شروع شد و در سال ۳۲۹ که حدود ۷۰ سال می‌شود، پایان یافت (اقوال دیگری نیز گفته شده است).

۲- غیبت کبری: از سال ۳۲۹ شروع شد و تا وقتی که خدا بخواهد و ظهور کند ادامه خواهد یافت.

۳- دوران درخشان ظهور آن حضرت و حکومت جهانی او. تا خداوند متعال زمینه فرج

آن حضرت را فراهم نماید و برای اصلاح جهان ظهور کند.

ولادت:

حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا متولد شد. پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادرش نرجس خاتون است. حضرت مهدی علیه السلام در زمان خلافت معتمد عباسی متولد شدند و یکی از دلائل غیبت صغرای آن حضرت به واسطه‌ی این بود که خلفای بنی‌عباس در صدد قتلش بر آمده بودند.

به قول حکیمه بنت الجواد، دختر امام محمد تقی علیه السلام خواهر امام هادی علیه السلام و عمه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام که می‌فرماید:

روز پنجشنبه ۱۵ شعبان روزه دار وارد خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام شدم تا غروب ماندم نزدیک غروب به کنیزش گفتم: جامه‌های مرا آماده کن، می‌خواهم بروم خانه‌ی خودم. دیدم امام عسکری علیه السلام فرمودند: عمه امشب را اینجا بمانید، سحرگاه فردا پسر مهدی به دنیا می‌آید. گفتم: ای سید! من این مولود از که به هم می‌رسد؟ حضرت فرمود: از نرجس. برخاستم بر قامت نرجس نگاه کردم. اثری از حمل بر او ندیدم. در حیرت تعجب بودم. امام فرمود: عمه تعجب نکن. فردا وضع حملش معلوم می‌شود. نزدیک طلوع فجر صادق، دیدم نرجس در اضطراب است. او را در بغل گرفتم پرده‌ای میان من و نرجس حائل شد. صدای امام از حجره‌اش بلند شد: عمه برگردید. (چون من او را نمی‌دیدم) چون فریاد کنان خدمت امام رفته بودم، امام فرمود: حال که برگردی او را خواهی دید. برگشتم، نوری میان خود و نرجس دیدم. امام فرمود: عمه جان سوره‌ی قدر را بخوان. تا شروع کردم انا أنزلناه، دیدم در آن حال طفل هم با من همصدا شد. در حال حیرت بودم، امام فرمود: تعجب نکن. مثل مادر مهدی، مثل مادر موسی پیامبر است و خداوند انبیاء و اولیای خود را در رحم مادر قدرت تکلم می‌دهد. لذا حضرت به دنیا آمد. دیدم رو به قبله سجده کرد و حکم شهادتین را به جا آورد و شهادت به ائمه معصومین تا به خودش را خواند.

در دست آن مولود نوشته شده بود: «قل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً» و او را محضر پدر بزرگوارش امام عسکری آوردم؛ حضرت فرمود: «بخوان قرآن و انجیل و تورات و زبور را» و این آیه را تلاوت فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ

أُمَّةٌ وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱

از همان آغاز بشریت به وجود و ظهور مصلح کل و منجی عالم بشریت از لسان انبیاء بزرگ و در کتاب‌های آسمانی بشارت داده شده است، چنان که قرآن در سوره‌ی انبیاء آیه‌ی ۱۰۵ به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»: «در زبور بعد از ذکر تورات نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث حکومت سراسر زمین خواهند شد».

نبی مکرم اسلام و امامان معصوم صدها بار سخن در رابطه با حضرت مهدی به میان آورده‌اند و درباره‌ی حکومتش و نوید قیام و ظهورش را مژده داده‌اند. به عنوان نمونه این که پیامبر اسلام می‌فرماید: «لا تذهب الدنيا حتى يقوم رجل من ولد الحسين يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»: «دنیا به پایان نمی‌رسد مگر مردی از فرزندان حسین قیام کند و سراسر دنیا را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند».^۲

بدین ترتیب آفتاب نورانی وجود مهدی بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام در طلوعه‌ی فجر روز نیمه‌ی شعبان ۲۵۵ هـ ق از مشرق دامان نرجس خاتون ملکه رومی دختر یشوعا فرزند قیصر پادشاه روم که مادرش از فرزندان شمعون بن صفا وصی حضرت عیسی علیه السلام است طالع گردید.

پدر بزرگوارش:

حضرت امام عسکری علیه السلام ابو محمد حسن بن علی علیه السلام است که در سال ۲۳۱ متولد شدند و در سال ۲۶۰ مسموماً توسط معتمد عباسی به شهادت رسید.

پدر بزرگوارشان امام علی النقی علیه السلام و مادرشان حضرت سوسن یا سلیل یا حدیث است. آن حضرت در هشتم ربیع الثانی یا بیست و چهارم ربیع الاولی در سال ۲۳۱ هـ ق در مدینه‌ی طیبه متولد شدند و مرقد مطهر امام عسکری علیه السلام در سامرا می‌باشد. ایشان در سن ۲۸

۱. سوره قصص آیه ۶-۵

۲. عیون الاخبار ج ۲ ص ۱۳۰

یا ۲۹ سالگی به شهادت رسیدند، حضرت در ۲۲ سالگی به امامت رسیدند. آن حضرت همواره تحت نظر و در زندان طاغوت‌های عصر خود بود. طاغوت‌های عصر امامت او عبارتند: از مهتدی عباسی چهاردهمین خلیفه‌ی عباسی و معتمد عباسی پانزدهمین خلیفه‌ی عباسی و قبل از این که به امامت برسد در سال ۲۵۴ در عصر پدر با چهار خلیفه‌ی عباسی روبرو بود که عبارتند از:

۱- متوکل: دهمین خلیفه‌ی عباسی، حدود ۱۳ سال.

۲- منتصر: یازدهمین خلیفه‌ی عباسی، حدود ۶ ماه.

۳- مستعین: دوازدهمین خلیفه‌ی عباسی، حدود ۵ سال.

۴- معتز: سیزدهمین خلیفه‌ی عباسی، حدود دو سال.

امام عسکری علیه السلام در این عصر در جوار پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام حضور داشت و در برابر این چهار خلیفه جز منتصر همان موضع‌گیری پدر را دنبال می‌کردند. هرگز آن‌ها را قبول و تأیید نکرد، بلکه در هر صورت و فرصتی مخالفت خود را ابراز می‌نمود.

حضرت نرجس مادر امام زمان:

شیخ صدوق: در کتاب الغیبه از جماعت ایشان از ابی مفضل شیبانی او از محمد بن بحر بن سهل شیبانی روایت کرده است که بشر بن سلیمان نحاس که از اولاد ابو ایوب انصاری و یکی از دوستان امام علی النقی و امام عسکری و همسایه‌شان بود؛ نقل نمود که کافور نزد من آمد و گفت: امام علی النقی علیه السلام تو را می‌طلبد. پس به خدمت آن حضرت رفتم و نشستم. به من فرمود: یا بشر تو از اولاد انصاری، دوستی ما همیشه در دل‌های شما بوده که آن را خلف از سلف می‌برند. شما موثقین اهل بیت هستید. به درستی که تو را صاحب شرافت می‌کنم به فضیلتی که احدی از شیعه در مقام دوستی سبقت به آن نکرده و تو را مطلع به سری می‌گردانم و به جهت خریدن کنیزی می‌فرستم. پس آن حضرت مکتوبی در غایت لطافت به خط رومی تحریر فرمودند و مهر شریف خود را بر آن زدند و همیان زردی بیرون نمودند. دویست و بیست دینار در آن بود. پس فرمود: که این را بگیر، بغداد رو و در فلان صبح زود کنار فرات برو. پس زمانی که کشتی‌های اسیران به نزد تو می‌رسند و کنیزها را مشاهده می‌کنی به طوریکه اکثر خریداران کنیز از بنی عباس هستند و تعداد کمی هم از جوانان عرب برای خرید کنیز آمده‌اند. وقتی که این را دیدی در همه‌ی آن روز از جای دور مراقب کسی باش از اصحاب کشتی‌ها که عمر بن یزید

نحاس نام دارد تا وقتی که نشان می‌دهد به مشتری‌ها جاریه‌ای را که صفت او چنین و چنان است و در حریر پوشیده، از دیدن و دست مالیدن مشتری‌ها ابا می‌کند و می‌شنوی صدای بلند رومی از پس ستر نازکی، پس بدان که او چنین می‌گوید که وای بر هتک آبروی من. پس آن وقت بعضی از مشتری‌ها می‌گویند که عفت این کنیز رغبت مرا در خریدن وی زیاد کرد. این را به سیصد دینار بفروشید. پس آن کنیز می‌گوید که اگر تو در زی سلیمان بن داود و حشمت و دبدبه‌ی او ظاهر شوی، مرا در تو رغبتی نیست، پس بترس از تلف مال خود، آن وقت نحاس می‌گوید که حيله و چاره چیست؟ و حال آن که ناچارم تو را بفروشم. پس کنیز می‌گوید که این تعجیل چیست و حال آن که من باید مشتری را اختیار کنم که دلم به امانت و وفاداری او اطمینان داشته باشد، پس در آن وقت یا بشر برو نزد عمر بن یزید بن نحاس و بگو به او که در نزد من مکتوبی با خط رومی هست که بعضی اشرف نوشته و کرم و وفا و سخای خود را در آن وصف کرده. آن مکتوب را به کنیز ده، در او تأمل نماید و اخلاف صاحب او را ببیند، اگر به او میل کرد و به او راضی شد من وکیل اویم در خریدن آن کنیز. بشیر بن سلیمان گوید که هر چه مولای من فرموده بود به عمل آوردم، پس وقتی به صورت نامه آن حضرت نظر نمود گریه‌ی شدید، اختیار از وی ربود و به عمر بن یزید گفت که مرا به صاحب این مکتوب بفروش و سوگند یاد نمود که اگر او را به صاحب مکتوب نفروشد خود را هلاک نماید. پس من در تعیین قیمت با عمر بن یزید گفتگو می‌کردم تا رأی هر دو به دویست و بیست دینار که مولای من به من داده بود قرار گرفت. پس ثمن را به او تسلیم کرده جاریه را در حالتی که خندان و شادمان بود قبض نمودم و به حجره‌ی خود آوردم از کثرت بی‌قراری مکتوب امام علی النقی علیه السلام را از جیبش در آورده می‌بوسید و بر چشم و مژگان می‌گذاشت و بر رو و بدنش می‌مالید. پس گفتم که از تو تعجب دارم، زیرا که می‌بوسی مکتوبی را که صاحب آن ندیده و نمی‌شناسی. گفت: ای عاجز و ضعیف معرفه به مرتبه‌ی اولاد انبیاء دلت را از شکوک خالی گردان من ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم و مادرم اولاد حواریین است، نسبش به شمعون وصی حضرت عیسی می‌رسد. خبر دهم تو را قصه عجیبه‌ی خود را، به درستی که جد من قیصر اراده نمود که مرا به پسر برادرش تزویج کند و من در حد سیزده سالگی بودم. پس در قصر خود جمع نمود از قیس و راهبان سیصد نفر مرد و از اشرف هفتصد نفر و از امراء و نقباء لشکر مملوک عشایر چهار هزار نفر و تختی که به اصناف جواهر مکلل و دانه‌نشان بود در صحن قصر بالای چهل پله نصب نمود. پسر برادرش روی آن تحت نشانید و بت‌ها را دور آن جمع نمودند و علما نزاری با احترام تمام پیش وی ایستادند و اسفار انجیل را وا کردند. ناگاه بت‌ها همه پایین ریخته و پایه‌های تخت شکسته، پسر

برادرش با تخت بر زمین افتاد و غش کرد. پس اکابر و اعیان همه ترسان و لرزان و متغیر الالوان گردیدند. بزرگشان گفت: ای پادشاه! ما را از ملاقات این نحس‌ها معاف دار که این گونه احوال، دلالت بر زوال مذهب مسیحی دارد. پس جد من از این احوال متغیر شده، گفت: که ستون‌ها را اقامه نمایید و بت‌ها را بالای تخت بگذارید و این بد بخت پسر برادر مرا در نزد من بیاورید این دختر را به او تزویج کنم تا نحوست از شما رفع شود. زمانی که مجلس را دوباره آرایش دادند، باز حادثه‌ی اولی روی داد و مردم پراکنده گردیدند. جد من قیصر با هم و غم برخاست داخل حرم سرا شد. در شبی بعد از آن روز در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح با جمعی از حواریین در قصر قیصر در جایی که تخت نصب شده بودند منبری از نور نصب نموده‌اند. در آن حال، محمد ﷺ و وصی او و جمعی از اولاد امجد وی به قصر داخل شدند. پس مسیح پیش رفته با محمد ﷺ معانقه کرد. محمد فرمود: یا روح الله! آمده‌ام به خواستگاری ملکه دختر وصی تو شمعون برای پسر من؛ اشاره به امام حسن عسکری نمود. پس حضرت مسیح به شمعون نگاه کرد و فرمود که تو را عز و شرف رسید. رحم خود را به رحم آل محمد ﷺ وصل کند. شمعون گفت که کردم. پس همگی به بالای منبر آمدند. محمد خطبه ادا فرمود و مرا به پسرش عقد نمود. محمد و اولادش شاهد اجرا عقد شدند، وقتی که بیدار شدم ترسیدم و حکایت رؤیا را اظهار نکردم تا این که محبت امام حسن عسکری در دل من جای گرفت و مرا از طعام و شراب باز داشت.

آن وقت داستان خود که از اول تا آخر برای من بیان فرمودند من به پاکی و شخصیت معنوی و فکر بلند و عالی حضرت صیقل یا نرجس خاتون پی بردم؛ از آن پس بیشتر احترامش کردم تا رسیدم به سامرا و او را به حضور حضرت امام هادی علی‌السلام بردم.

نام‌ها و القاب حضرت حجت علی‌السلام

نام‌های مبارک حضرت مهدی علی‌السلام م-ح-م-د و کنیه‌شان همان کنیه‌ی نبی مکرم اسلام است. القاب معروفشان مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقیه الله، حجت، قائم و... (ارواحنا له الفداء) می‌باشد.

نهی از بردن نام آن حضرت:

دلیل اول برای نهی از بردن نام حضرت این است که یک حدیث دیده نشده است که نام

مبارک امام عصر علیه السلام را رسماً ذکر کرده باشد بلکه فقط به همین مقدار اکتفا کرده‌اند که حضرت همانام رسول اسلام صلی الله علیه و آله می باشند. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی من ولدی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی: مهدی از اولاد من است، اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من است»^۱.

دومین دلیل، خطاب امام عسکری علیه السلام به اسحاق می باشد. حضرت فرمودند: «این پسر من هم نام و هم کنیه رسول خدا است» در این خطاب حتی وجود مقدس امام عسکری نیز نام و کنیه امام عصر علیه السلام را به زبان جاری نکرده است. در وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸ بر همین اساس یکی از واسطه‌ها، از ناحیه مقدسه سؤال نمود. از طرف حضرت مهدی علیه السلام چنین پاسخ آمد: «إن ذللت علی الاسم أذاعوه و إن عرضوا المكان دلوا علیه»: «اگر آن‌ها را به نام حضرت مهدی آگاه سازید آن را ظاهر می‌سازد و اگر مکانش را بشناسند بر ضد او اقدام می‌کنند».

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از محمد بن ابراهیم بن اسحاق چنین روایت می‌کند؛ او گفته که شنیدم از محمد بن همام می‌گفت: «شنیدم از محمد بن عثمان عمروی که بیرون آمد توقیعی به خطی که من می‌شناختم که هر که در مجمع خلائق نام من را برد بر او لعنت خدا باد. شیخ صدوق در کتاب مذکور روایت را از پدرش، او از سعد، او از ابن یزید، او از ابن محبوب و او از ابن رئاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «صاحب الامر مردی است که نام او را نمی‌برد مگر کافر».

مهدی موعود:

مهدی (به فتح میم و کسر دال و تشدید یاء) در لغت به معنای هدایت شد کسی که خداوند او را به سوی حق هدایت نموده است، اما مراد از وصف حضرت در کلمه مهدی یعنی او به سوی حق و عدالت آشکار و نهان، هدایت می‌شود و خداوند او را به اسرار و زمینه‌های نهان رشد و صلاح ارشاد می‌نماید.

و او در هر وعده‌ای که داده است برای عدالت جهان وفا خواهد کرد و مردم را به سوی حقیقت هدایت می‌سازد.

امام عصر:

امام به معنای پیشوا و صدر نشین و امام عصر پیشوای زمان ما یعنی تمام ائمه معصومین یک عصر و دوره‌ی امامت و خلافت دارد لذا لقب حضرت مهدی به امام عصر طبق آیه‌ی مبارکه‌ی قرآن، که قسم به عصر، عصر خسارت یعنی زمان که جهل و نادانی اوج بگیرد و منتظم یا هدایت‌گر یا منجی برای ارشاد مردم از خسارت‌ها و جهالت‌ها ظهور کند.

خلف صالح:

یعنی او آقا است زیرا همان خط فکری امامان علیهم السلام و پیامبر اسلام ﷺ را پیگیری کرده و اجرا می‌نماید و این خط را به طور شایسته آشکار می‌کند و با عزت و آقای کامل در همه‌ی عرصه‌ها آشکار شده و می‌درخشد.

صاحب الزمان:

صاحب به معنی مالک، دولت، ملازم، معاشر است ولی صاحب زمان یا صاحب الامر یعنی او امام بر حقی است که اطاعتش به عنوان ولی امر مطابق آیه‌ی اولی الامر آیه‌ی ۵۹ نساء واجب است. و صاحب الزمان از القاب حضرت مهدی علیه السلام است.

منتظر:

یعنی مردم همواره در انتظار ظهورش هستند، تا برای پاکسازی سراسر زمین از هر گونه ظلم و جور قیام و انقلاب فرماید.

بقیه الله:

یعنی آن باقی مانده و عصاره‌ی ماندگار پیامبران و امامان و اولیای خلافت و ذخیره‌ی جاوید برای احیای قرآن و اسلام ناب، و مایه‌ی رهایی از آلودگی‌ها و زنجیرهای اسارت است و فرمان خدا را اجرا نموده و نام او در همه جا آشکار می‌سازد و برنامه‌ی شیطانی و شیطان‌ها را محو و

نابود می‌نماید.

صاحب الامر:

یعنی او امام بر حق است که اطاعتش به عنوان ولی امر مطابق آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نساء واجب است.

حجت:

از سنن جاریه‌ی الهی این است که از آغاز آفرینش، بشر را تحت سرپرستی یک راهنما و رهبری قرار داده است و برای هر قوم و ملتی رهبری فرستاده که آن رسول خلق خدا از عذاب الهی ترسانند و وصی و خلیفه و جانشین و امام پس از او مردم را هدایت و راهنمایی می‌کند و در لسان شرع، گفت زمین خالی از حجت نیست. طبق فرمایش امام صادق علیه السلام: ﴿والله ما ترک الله الارض قبض الله آدم إلا و فیها امام یهدی به الی و هو حجة الله علی عباده﴾ یعنی «به خدا سوگند که باقی نمی‌ماند زمین از آن لحظه‌ای که خداوند آدم را آفرید تا آن ساعت که او قبض روح کند مگر این که در میان آن‌ها امام و هادی موجود باشد و او حجت خدا بر خلق خواهد بود».

قائم: (به کسر همزه)

ایستاده، پا بر جا، استوار، پایدار، ثابت و برقرار.

اما در کتاب علل الشرایع از دقاق و او بالواسطه از ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که از حضرت سؤال کردم یابن رسول الله! آیا همه‌ی شما قائم به حق نیستید؟ گفت: بلی، گفتم: پس چرا قائم تنها به قائم نامیده شده؟ فرمود: زمانی که جدم امام حسین علیه السلام مقتول گردید ملائکه با گریه به پروردگار خود عرض کردند که آیا غافل باشیم از کسانی که صفی تو را کشتند؟ خدای تعالی وحی فرمود: ای ملائکه‌ی من! آرام بگیرید، قسم به عزت و جلال خودم یاد می‌کنم هر آینه البته از ایشان انتقام خواهم گرفت، هر چند که بعد از مدت زمانی باشد بعد از آن خدای تعالی برای ملائکه از ائمه که از ذریه‌ی امام حسین‌اند پرده برداشت. ملائکه مشاهده نمودند، مسرور شدند. ناگاه یکی از ائمه در آن جا نماز می‌خواند. خدای متعال فرمود: هر آینه با این قائم انتقام خواهم کشید. شیخ صدوق در معانی الاخبار ذکر کرده که قائم را قائم می‌گویند

بدین سبب که بعد از موت ذکرش قیام خواهد کرد.^۱

شیخ مفید در کتاب ارشاد از محمد بن عجلان از ابوعبدالله علیه السلام روایت کرده آن حضرت فرمود: زمانی که قائم قیام نمود مردم را مجدداً به اسلام دعوت می‌کند، و هدایت می‌کند ایشان را به امر کهنه یعنی اسلام که جمیع خلایق از او گمراه شده‌اند و او را بدین جهت که بر هر امر گمشده‌ای راه می‌یابد مهدی می‌گویند و از این جهت دیگر که به حق قیام می‌کند قائم می‌نامند.^۲

منتقم:

یعنی او انتقام خون امام حسین علیه السلام و مظلومان را از ستمگران خواهد گرفت و با توجه به این حدیث که امام باقر علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: «بذلک القائم انتقم منهم»: «خداوند فرموده: به وسیله‌ی همین قائم از کشته شدگان حسین انتقام می‌گیرم».^۳

سرآغاز غیبت

دانشمندان و محدثان در مورد آغاز غیبت صغری دیدگاه متفاوتی دارند، برخی مبدأ آن را ولادت حضرت مهدی علیه السلام و عصر پدر بزرگوارشان حضرت عسکری علیه السلام می‌دانند^۴ و برخی آغاز غیبت صغری را از شهادت حضرت عسکری علیه السلام به حساب می‌آورند.^۵

از آن جایی که توجه می‌شود زندگی حضرت مهدی علیه السلام از همان آغاز ولادت مبارکش با نوعی پرده‌پوشی و راز داری و نهان ماندن از چشم‌ها همراه بود بر این اساس می‌توان گفت که غیبت صغری از ولادت حضرت در عصر حضرت عسکری علیه السلام شروع شده و با این بیان پنج سال زندگی آن حضرت در کنار پدر بوده.

۱. بحار، ج ۱۳، ص ۲۵.

۲. بحار، ج ۱۳، ص ۲۵.

۳. بحار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۴. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۴۰.

۵. کشف الغمه علی ابن عسی اربلی، ج ۳، ص ۳۲۰.

غیبت صغری و نواب اربعه:

بعد از ایام شهادت امام عسکری علیه السلام برای دستگیری حضرت ولی عصر از طرف بنی عباس فعالیت شدیدی شروع شد و گروهی را برای این کار منصوب کردند؛ حتی منزل حضرت را تحت نظر گرفته به خانه‌اش ریختند تا شاید امام عصر را دستگیر کنند و شهید نمایند، هنگامی که به خانه حضرت هجوم آوردند همه سربازان دیدند خانه را آب فرو گرفته و امام که در سن ۵ سالگی بود در میان آب روی تختی نماز می‌خواند، باز هم او را تعقیب کردند تا اینکه در سرداب مبارکه که امروز زیارتگاه تمام شیعیان و مشتاقانش می‌باشد غیبت فرمودند. روز غیبت را برخی ۱۰ شوال ۲۶۲ و بعضی سال ۲۶۵^۲ در ایام خلافت معتمد و مدت غیبت صغری را ۷۴ سال نوشته‌اند. و در این مدت نواب اربعه واسطه فیض بودند که عبارتند از:

عثمان بن سعید عمری ملقب به ابو عمر که وکیل حضرت امام عسکری علیه السلام بود به نیابت حضرت مهدی علیه السلام منصوب شد. این مرد بزرگ در سال ۳۰۰ هـ وفات کرد و چهل سال نایب حضرت بود.

محمد بن عثمان بعد از رحلت پدرشان این منصب بافضیلت و سعادت را به عهده گرفت که پنج سال واسط معشوق و عاشقان و مشتاقان دل‌سوخته بود که در سال ۳۰۵ هـ در گذشت. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی که در شعبان ۳۲۶ وفات کرد و حدود ۲۱ سال عهده‌دار این مقام عظیم بود.

علی بن محمد سمري که در ۱۵ شعبان ۳۲۹ رحلت کردند و حدود ۳ سال نیابت نمود. به این ترتیب این چهار عالم عامل که هر کدام فقیهی ممتاز بودند، بین ولی نعمت عالم هستی و مشتاقانش وساطت کردند و امور ۷۰ ساله‌ی غیبت صغری را بر عهده گرفتند و مسئولیت خطیر و سعادت‌مند نیابت خاص را با سربلندی به پایان رساندند و مرقد شریف این نواب بزرگوار در مدائن نزدیک شهر بغداد در کنار قبر حضرت سلمان قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که چهار نایب خاص نامبرده هر کدامشان نمایندگانی داشتند که سؤالات و اموال سهم امام را از شیعیان می‌گرفتند و به نواب خاص تحویل می‌دادند که بعضی از آنها را در این جا ذکر می‌نمایم:

۱. جنات الخلود.

۲. اعلام الوردی، ص ۲۵۴.

۱. حاجز بن یزید و شاء.
۲. ابراهیم بن مهزیار.
۳. محمد بن ابراهیم بن مهزیار.
۴. احمد بن اسحاق اشعری قمی.
۵. محمد بن جعفر اسدی.
۶. قاسم بن علاء.
۷. حسن بن قاسم بن علاء.
۸. محمد بن شاذان.

اعلامیه‌ی ختم عصر غیبت صغری و آغاز غیبت کبری:

همان طوری که در صفحات قبل ذکر شد نایبان حضرت هر کدام به دستور خودش منصوب می‌شدند. هنگامی که علی بن محمد سمري نایب چهارم امام مهدی علیه السلام از دنیا رفت، سفارشات عصر غیبت صغری به پایان آمد. شش روز قبل از وفات علی بن محمد توقیعی از ناحیه‌ی مقدسه صادر شد و او آن را برای شیعیان خاص خواند که متن نامه‌ی حضرت چنین بود:

﴿بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي بن محمد سمري! أعظم الله أجر إخوانك فيك فإنك ميت ما بينك و بين ستة ايام فاجمع امرک و لا توصی إلى أحد فيقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور إلا بعد إذن الله تعالى ذكره - و ذلك بعد طول الأمد و قسوه القلوب و امتلاء الأرض جوراً﴾: «به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادران تو را در مورد فقدان تو بزرگ کند تو پس از شش روز از دنیا می‌روی. امور خود را سامان بده و آماده‌ی رحلت باش و به هیچ کس در مورد جانشینی وصیت نکن - غیبت کامل - غیبت دوم و کبری - واقع شد دیگر ظهوری نیست مگر بعد اذن خداوند متعال و این ظهور پس از مدت طولانی در آن هنگام است، دل‌ها سخت شده و زمین پر از ظلم و جور گشته است.»

حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن:

۱- ﴿فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾

از حضرت امام کاظم علیه السلام سؤال از مفهوم آیه کردند، فرمود: صراط، آن قائم و مهدی است و «من» کسانی هستند که به رهبری او هدایت می‌شوند و این آیه درباره‌ی ائمه و ولایت آن‌ها است.

۲- ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

می‌خواهند نور خدا را با طعن و مسخره خاموش کنند، البته خدا نور خود را (شرع مقدس و کتاب وحی و حکمت کامل خود) را هر چند کافران خوش ندارند، تمام و کامل نگاه خواهد داشت. محمد بن فضیل از ابی الحسن روایت می‌کند که فرمود: منظور از اتمام نور تکمیل امامت است تا قیام قائم که خداوند به نور وجود قائم نور ولایت را کامل می‌فرماید، اگر چه کافران مکروه دانند.

۳- ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَأَذْبَارَ السُّجُودِ وَاسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (ق، آیه‌ی ۴۰)

و (۴۱) و به ندای روزی که منادی (اسرافیل) از مکان نزدیک ندا کند گوش فرا دار که بشنوی روزی که خلق آن صیحه را به حق بشنود آن روز هنگام خروج از قبرها.

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود منادی با اسم قائم و پدر ندا می‌کند و صحیحه روز خروج مهدی است که از آسمان بگوش همه اهل زمین می‌رسد.

۴- ﴿وَقِيَ السَّمَاءَ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ (ذاریات، آیه‌ی ۲۲) و روزی شما به همه‌ی وعده‌ها

که به شما دارند در آسمان و به خدا مقرر است. و از ابن عباس روایت است که مراد از این رزق موعود خروج مهدی علیه السلام است.

۵- ﴿وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مُسْتَوْرٍ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ﴾ (طور، آیه‌ی ۱، ۲ و ۳). یعنی: قسم به طور سینا

و قسم به کتاب مستور در صحیفه گشوده که خدا بر محمد فرستاد.

از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام روایت است که فرمود مراد کتاب خط امیرالمؤمنین است که پیغمبر املاء کرده و علی وقایع زمان مهدی را تا روز قیامت.

۶- ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾ (جن، آیه‌ی ۲۴)، یعنی: ای رسول، کافران را رها کن «تا روزی که عذاب موعود خود را به چشم ببینند».

در تفسیر آیه مراد از «رأوا یوعدون» روز قیام قائم رجعت آل محمد است.

۷- ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ (انشقاق، آیه‌ی ۱۹)، یعنی: قسم به این امور که شما احوال و حوادث گوناگون در برزخ دوزخ خواهید دید. حضرت ابی‌عبدالله فرمود: مراد قائم ما می‌باشد که طول غیبت او زیاد است و طبق سنن مختلف غیبت آن حضرت.

۷- ﴿يُعَرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْأَقْدَامِ﴾: (الرحمن، آیه‌ی ۴۱). یعنی: آن‌روز بدکاران به سیمای‌شان شناخته شوند پس موی پیشانی آن‌ها با پاهایشان بگیرند افکنند. به نقل از حضرت صادق، مراد از این آیه عرفان به حال قائم آل محمد و اصحاب اوست.

۸- ﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعَكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَكَلِمَاتُ رِجَالٍ مُّؤْمِنُونَ وَرِسَاءُ مُؤْمِنَاتٍ لَّمْ يَعْلَمُوهُمُ أَن تَطَّوُّوهُمُ فَتُصَيِّبُكُمْ مِنْهُمُ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾: (فتح آیه‌ی ۲۵)، یعنی: اگر شما عناصر کفر و ایمان از یک‌دیگر جدا می‌شدید همانا کافران را به دردناک معذب می‌ساختیم. و حضرت صادق فرمود مراد از ودایع منین نزد کافرین است که برای گرفتن ودایع خود کفار را می‌کشتند و این واقعه در عصر ظهور مهدی رخ می‌دهد.

۹- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾. (بقره، آیه‌ی ۱) آیات زیادی هست در قرآن که تفسیر شده است بر وجود اقدس حضرت ولی عصر، یکی از این آیات همین آیه شریفه است. در سوره‌ی بقره «الذین یؤمنون بالغیب»، الذی متقین را به غیبت توصیف می‌کند، یعنی شک نیست که آن کتاب یعنی قرآن برای متقین هدایت است. پس اهل تقوا چه کسانی هستند که در اینجا الذین اوصاف اهل تقوا را بیان می‌کند نشانه متقین یکی ایمان به غیب است. مراد از این در روایات دارد الغیب هو الامام الغایب مراد از ایمان به غیب ایمان داشتن به امام غایب است که وجود مقدس حضرت ولی عصر علی‌الظاهر از دیدگان ما غایب هستند.

۱۰- ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾، (انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵)، یعنی: در کتاب زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین

خواهد شد.

لذا در تورات کتاب موسی در این رابطه بحث شده است که به زبان عبری نام مبارک پیامبر اسلام را ذکر کرده و نوشته است این پیامبر دوازده فرزند دارد و هر کدام پس از دیگری حجت روی زمین هستند و همچنین در انجیل لوقا در باب نوزدهم نام پیامبر اسلام را به زبان عبری ذکر کرده است که عیسی فرمود بعد از ما پیامبری می آید بنام فارقلیتا که هم در انجیل و احمد در قرآن به یک معنی است و فرزندان او دارد که حجت روی زمین است با این که انجیل هم تحریف شده است. لذا در موضوع رحلت پیامبر اسلام و خانه نشینی حضرت علی علیه السلام، آتش زدن در خانه علی، پهلو شکسته حضرت زهرا، قیام امام حسین در روز عاشورا، بحث کردن به خصوص به چیز اشاره کرده است دو دست جدا شده عباس، سربریده امام حسین علیه السلام، قنذاقه خونین علی اصغر که هر کدام بحث جدا دارد و ظهور امام زمان، حکومت جهانی حضرت ولی عصر، دولت آقا، رجعت ائمه را تماماً بحث کرده است.

حضرت مهدی و بیان امامان معصوم علیهم السلام

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین دروازه‌ی علم و دانش پیامبر و پدر گرانمایه‌ی امامان راستین و سالار خاندان پیامبر است و آن حضرت در مورد حضرت مهدی می‌فرماید: **«یظهر صاحب الراية المحمدية و الدولة الاحمدية القائم بالسيف و الحال الصادق فی المقال یمهد الارض و یحیی السنة و الفرض»**^۱.

یعنی هان ای مردم بهوش باشید که: پرچمدار محمدی و فرمانروای دولت احمدی و قائم به شمشیر عدالت و راست گفتار و شایسته کردار، خواهد آمد زمین و زمان را برای برقراری عدالت و شکوفایی ارزش‌های اسلامی آماده نموده و سنت‌های واجب و مستحب را زنده خواهد ساخت؛ و نیز آورده‌اند که فرمود: **«اذا نادى مناد من السماء: ان الحق فى آل محمد. فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس، يشربون ذكره فلا يكون لهم ذكر غيره»**^۲.

۱. تذکرة الخواص، ص ۱۲۸.

۲. معجم الاحادیث المهدی، ج ۳، ص ۳۵.

یعنی آن زمان که منادی از آسمان ندا دهد که حق با آل محمد است و در راه و رسم آنان، همان وقت نام مقدس مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها افتاده و نقل محافل و مجالس خواهد شد مردم جام مهر او را می‌نوشند و جز او دیگری را نمی‌جویند.

۲- امام حسن مجتبی علیه السلام:

با توجه که در شرایط عجیب و مشکلات سهمگین و رنج مصائب می‌فرستند با این وصف نوید از دوازدهمین امام نور حضرت مهدی را مطرح می‌فرمایند و بهروری از فرصت در رابط وی آن حضرت می‌فرمائید:... «أما علمتم انه ما منا احد الا و يقع في عنقه بيعة لطاغية لطاغية زمانه الا القائم الذي يصلي روح الله عيسى ابن مريم خلفه فان الله عزوجل يخفي ولادته و يغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج ذلك التاسع من ولد اخي الحسين ابن سيدة الاماء يطيل الله عمره في غيبه، ثم يظهره بقدره في صورة شاب ابن دون اربعين سنة، ذلك ليعلم ان الله الا كل شيء قدير»^۱.

یعنی مردم آیا نمی‌دانستید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت تحت سیطره و حاکمیت طاغوت زمانش زندگی می‌کند و به ناچار فشار ستم بر او تحمیل می‌گردد جز قائم ما که روح خدا و عیسی بن مریم به امامت او نماز می‌گذارد، چرا که خداوند ولادت او را مخفی و شخصیت او را نهان می‌دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند. بیعت قدرت مداری را به گردن نداشته و تحت حاکمیت ظالمی زندگی نکند. او نهمین امام معصوم از نسل برادرش حسین است و فرزند بهترین زنان. خداوند در پشت پرده غیبت عمر او را به طولانی یعنی بلندی آفتاب می‌سازد و آن‌گاه به قدرت خویش او در چهره‌ی جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می‌سازد تا همه‌گان بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است.

۳- امام حسین علیه السلام

سرور آزدگان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مثل برادرش امام حسن در سخت‌ترین زمان زیست و با دادن خون پاکش و جوانان رشیدش دین جدش را زنده نگه‌داشت و نوید حضرت

مهدی را با احادیث مفصل بیان نموده. آن حضرت که فرمود: ﴿لوقام المهدي لأنكره الناس لأنه يرجع اليهم شاباً و هم يحسبونه شيخاً و كبيراً﴾^۱ یعنی: اگر مهدی ظهور کند و برای اصلاح جهان به پاخیزد مردم او را انکار می کنند و نمی شناسند زیرا که می پندارند که او پیر و کهنسال است در صورتی که آن حضرت در اوج جوانی ظهور می کند.

۴- امام سجاد علیه السلام

حضرت امام سجاد علیه السلام سید الساجدین زین العابدین علی ابن الحسین علیه السلام نوید حضرت ولی عصر را چنین بیان می فرماید: سعید بن جبیر از آن حضرت آورده است که فرمود: ﴿فی القائم منا سنن من الانبياء سنه من ابنيا آدم و سنة من نوح و سنة من ابراهيم و سنه من موسى و سنة من عيسى و سنة من ايوب و سنة من محمد. فأما من آدم و نوح فطول العمر و أما من ابراهيم فخفاء الولاد واعتزال الناس^۲ و أما من موسى: فالخوف والتقية^۳ و أما من عيسى: فاختلاف الناس فيه^۴ و أما من ايوب: فالفرج بعد البلوى و أما من محمد: فالخروج بالسيف﴾.

یعنی در قائم ما سنت های از پدران بزرگ الهی است سنت و نشانی از پدرمان آدم، سنت و نشانی از نوح، سنت و نشانی از ابراهیم، سنت و نشانی از موسی، سنت و نشانی از عیسی، سنت و نشانی از ایوب، سنت و نشانی از محمد صلی الله علیه و آله و اما نشان او از آدم و نوح طول عمر اوست و نشان از ابراهیم ولادت نهانی و دوری گزیدن از مردم است. و نشانی از موسی خوف و تقیه از ستمکاران عنان گسیخته و نشان از اختلاف مردم در مورد اوست. و نشان از ایوب گشایش و نجات پس از بلا و گرفتاری است و نشان از محمد قیام با شمشیر عدالت است.

۵- امام محمد باقر علیه السلام

از محتوای کتاب های تاریخی چنین دریافت می گردد که عصر امام باقر علیه السلام نقطه ی تحول

۱. عقد الذر.

۲. سوره مریم، آیه ۴۹.

۳. سوره قصص، آیه ۲۱.

۴. سوره مائده، آیه ۱۷.

و دگرگونی در فرهنگ اسلامی است. در آن روزگار در جامعه، آگاهی و شوق به کسب دانش پدیدار شد و راه کسب فقه و تفسیر و حدیث نسبتاً باز بود. علم و معارف در ابعاد گوناگون از سوی امام باقر علیه السلام برای تشنگان دانش و کمال می‌جوشید و با وجود امام، همه‌ی علوم برای مردم آشکار می‌شد. و آن حضرت در رابط نوید حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید که ابوحمزه‌ی ثمالی آورده که در یکی از روزها در محضر درس امام باقر علیه السلام بودم. هنگامی که حاضران رفتند امام باقر علیه السلام فرمود: ﴿یا ابا حمزة! من المحتوم الذی حتمه الله قیام قائمنا فمن شک فیما اقول لقی الله و هو به کافر ثم قال: بأبی و أمی المسمی باسمی و المکنی بکنیتی السابع من بعدی بأبی من یملأ الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً، یا ابا حمزة! من ادرکه فیسلم له و سلم لمحمد و علی فقد وجبت له الجنة و من لم یسلم فقد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار و بشس مثنوی الظالمین﴾^۱ ای ابا حمزه! از رخدادهایی که خداوند وقوع آن را قطعی ساخته است، قیام قائم ما است. هر کس در آن چه می‌گویم تردید کند با حال کفر به خدا، او را ملاقات خواهد کرد. آن گاه افزود: پدر و مادرم فدای وجود گرانیهای او باد که هم‌نام و هم‌کنیه‌ی من است و هفتمین امام پس از من. پدرم فدای کسی باد که زمین را لبریز از عدل و داد می‌کند همان گونه که به هنگام ظهورش از ستم و بیداد لبریز است. اباحمزه هر کس سعادت دیدار او را داشت و همان گونه که به پیامبر و علی سلام و درود می‌گوید بر آن حضرت درود گفت و فرمانبردار او گردید بهشت بر او واجب می‌گردد و هر کس بر آن وجود گرانیهای درود نگفت خداوند بهشت را بر او حرام ساخته و او را در آتش سوزان جای خواهد داد. و چه بد جایی است جایگاه ستمکاران.

۶- امام صادق علیه السلام

سخن از حضرت صادق علیه السلام و نشر و شکوفایی دانش و فرهنگ در آن روزگار، نیاز به نوشتن کتاب جداگانه‌ای دارد چه بسا که انسان بخواهد در تمام ابعاد زندگی آن حضرت بحث کند.

از یک فرصت طلایی در عصر آن امام همام به وجود آمد و آن این که درست او وسط حیات امام صادق علیه السلام بود که حکومت بیداد اموی به سرعت رو به اضمحلال و نابودی می‌رفت و رژیم عباسی در حال تأسیس و تشکیل بود و قبل از پایه‌گذاری آن رژیم در شهرها به ویژه شهر

رسالت مدینه‌ی منوره، آن حضرت مجال رسیدن بسیار مساعد و گسترده‌ای برای نشر علوم آل محمد یافت و دانشگاه جعفری برای تربیت شاگرد اندکی آزادی بیان و قلم را به دست آورد.

و نکته‌ای از بیانات حضرت صادق علیه السلام را آورده‌اند که فرمود: ﴿من أقر بجميع الأئمة عليهم السلام و جحد المهدي كان كمن أقر بجميع الأنبياء و جحد محمداً نبوته، فليل له: يا بن رسول الله فمن المهدي من ولدك قال عليه السلام الخامس من ولد السابع، يغيب عنكم شخصه و لا يحل لكم تسميته: هر کس به همه‌ی امامان اهل بیت ایمان آورد و مهدی آنان را نپذیرد به سان کسی است که به همه‌ی پیامبران خدا ایمان آورده اما رسالت آخرین آنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کرده باشد. از او پرسیدم پسر رسول خدا! مهدی که فرزند شما خواهد بود کیست؟ فرمود: پنجمین امام از نسل پسر موسی است او از نظرها غایب می‌گردد و آوردن نام مقدسش صریح برای شما روا نیست﴾.

۷- امام موسی کاظم علیه السلام:

شرایط حاکم بر زمان حضرت کاظم علیه السلام با شرایط سیاسی و اجتماعی عصر پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام بسیار متفاوت بود، چرا که آن حضرت بخش مهمی از زندگی‌اش را در زندان استبداد و ارتجاع و به دور از مردم سپری کردند و با آن همه یونس بن عبدالرحمن آورده است که بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ﴿يا بن رسول الله! أنت القائم بالحق؟ فقال عليه السلام أنا القائم بالحق و لكن القائم الذي يطهر الارض من أعداء الله و يملأها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدي، له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه يرتد فيها أقوام و يثبت فيها آخرون... طوبى لشيعتنا المستمسكين بحبلنا - و فى نسخة: بحبنا- فى غيبة قائمنا، الثابتين على موالاتنا و البرائة من اعدائنا اولئك منا و نحن منهم قد رضوا بنا ائمة و رضينا بهم شيعة و طوبى لهم هم والله - معنا فى درجتنا يوم القيامة﴾^۱ یعنی ای سرورم! آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمود: آری من قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌سازد و آن را همان گونه که به هنگام ظهورش از ستم و بیداد لبریز است از عدل و داد سرشار و مالا مال می‌سازد او

۱. اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

پنجمین امام از نسل من است. او به فرمان خدا و برای حفظ جان خویش غیبی طولانی خواهد داشت، به گونه‌ای که گروه‌هایی راه ارتداد در پیش می‌گیرند و گروهی در دین خدا و اعتقاد به امامت ثابت قدم می‌مانند. آن گاه فرمود: خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در عصر غیبت قائم ما به ریسمان ولایت و محبت اهل بیت چنگ زده و بر دوستی ما پایداری نموده و به بیزاری از دشمنان ما استوارند. آنان از ما هستند و ما از آنان. آنان به امامت خوشنودند و ما به پیروی آنان از اهل بیت پیامبر خویش. راستی که خوشا به حال آنان. به خدای سوگند که آنان در روز رستاخیر با ما و در درجه‌ی ما خواهند بود.

۸- امام رضا علیه السلام

هشمتین اختر تابناک آسمان ولایت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در جواب به ابوالصلت هروی در رابه با حضرت مهدی می‌فرماید:

ابوالصلت هروی آورده است: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردیم: سرورم! نشانه‌ی قائم شما به هنگامه‌ی ظهور چیست؟ حضرت فرمودند: ﴿علامته أن یكون شیخ السن، شاب المنظر حتی ان الناظر الیه لیحسبه ابن اربعین سنة او دونها و ان من علاماته أن لا یهرم بمرور الايام و اللیالی حتی یأتیه أجله﴾؛ یعنی از نشانه‌هایش این است که با وجود عمر طولانی به صورت جوانی شاداب و پرشکوه ظاهر می‌گردد به گونه‌ای که هر کس بر او نظاره کند او را کمتر از چهل سال می‌نگرد و از دیگر نشانه‌هایش این است که گذشت روزگار تا آخرین لحظات زندگی او را پیر نمی‌سازد.

۹- از حضرت جواد علیه السلام نوید دیگر:

با توجه به این که دوران زندگی حضرت جواد علیه السلام با عصر ولادت حضرت مهدی ۵۰ سال بیش فاصله نداشت حکمت الهی اقتضا می‌کرد که نویدها و بشارت‌های آن بزرگوار از امام زمان حضرت مهدی فراوان باشد.

لذا عباسیان از هر سو و از هر راه بر علیه امام جواد علیه السلام می‌ایستادند و زندگی آن حضرت را در مخاطره قرار داده بودند و قدم به بد نام ساختن نام نیکو بلند آوازه‌ی آن حضرت به منظور

خاموش ساختن نور وجودش توطئه‌ها می‌چیدند و نقشه‌ها می‌کشیدند اما با وجود آن موانع و مشکلات که سر راه امام بود، باز هم کتاب‌های حدیثی و روایی آن حضرت الحمد لله وجود دارد. و برای نمونه حضرت عبدالعظیم حسنی آورده است که به محضر امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم و تصمیم گرفتم که از او بپرسم آیا او قائم آل محمد است یا دیگری اما پیش از آن که سخن آغاز نمایم او فرمود:

﴿يا ابا القاسم! إن القائم منا هو المهدي! الذي يجب ان ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من ولدي. والذي بعث محمداً صلوات الله عليه بالنبوة و خصنا بالامامة انه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله اليوم حتى يخرج فيه فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و ان الله تبارك و تعالى يصلح له امره في ليله كما اصلح امر كلیمه موسى اذ ذهب ليقتبس لاهله ناراً فرجع و هو رسول نبی﴾: یعنی قائم ما خاندان وحی و رسالت حضرت مهدی است. هموست که در دوران غیبت‌اش باید مردم انتظار ظهورش را برند و پس از ظهورش فرمان او را به جان بخرند و سومین فرزند از نسل من است. به خدایی که محمد صلوات الله علیه را به رسالت برانگیخت و ما را به امامت برگزید، اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی خواهد ساخت تا او ظهور نموده جهان را پر از عدل و داد سازد همان گونه که به هنگام ظهورش از ستم و بیداد لبریز است. خداوند ظهورش یعنی کار قیام او را در یک شب تاریخی و جاودانه فراهم خواهد ساخت، همان گونه که کار موسی یعنی کار رسالت و نبوت او را به هنگامی که به سوی آن آتش رفت تا برای خاندان خویش از آن برگیرد اصلاح فرمود و آن جناب در حالی بازگشت که به رسالت برانگیخته شده بود. آن گاه فرمود: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج: یعنی پرفضیلت‌ترین و برترین اعمال شیعیان و دوستداران ما انتظار فرج است.

۱۰ - امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام نوید فرزند عزیزش حضرت ولی عصر را بیان فرموده‌اند که مرحوم صدوق از ابی زلف آورده است که گفت: خود از حضرت هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

﴿إن الامام بعدی الحسن ابنی و بعد الحسن ابنه القائم الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما

ملئت جوراً و ظلماً^۱: یعنی امام پس از من فرزندم حسن است و پس از او پسرش قائم همو که زمین را از عدل و داد لبریز می‌سازد همان گونه که در آستانه‌ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است.

۱۱- امام حسن عسکری علیه السلام

یازدهمین امام معصوم حضرت حسن عسکری علیه السلام پدر گرانقدر حضرت ولی عصر علیه السلام است. و طبیعی است که بیشترین اطلاعات و نویدها را از آن حضرت به دست آورد و با توجه به احادیث فراوان از آن بزرگوار در مورد حضرت مهدی و ابعاد گوناگون زندگی آن حضرت ما در این جا فقط به حدیثی که احمد بن اسحاق نقل فرموده‌اند و گفته است: خودم از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم فرمود: ﴿الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی شبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله خلقاً خلقاً یحفظه الله تبارک و تعالی فی غیبه ثم ینظره فیملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً^۲: یعنی خدای را سپاس که مرا از این جهان بیرون نبرد تا جانشین و امام پس از مرا به من نشان داد. پسر من در چهره، خلق و خوی شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. خداوند او را در دوران غیبت‌اش حفظ خواهد کرد و آن گاه او را فرمان ظهور خواهد داد و آن گرانمایه زمین را لبریز از عدل و داد خواهد ساخت همان گونه که از ستم و بیداد لبریز است.

شباهت حضرت حجت علیه السلام

طبق روایات شباهت‌های حضرت مهدی به انبیاء و ائمه‌ی اطهار آمده است:

شباهت به حضرت آدم: خداوند آدم را در زمین خلیفه‌ی خود قرار داد.

شباهت به هابیل: نزدیکترین افراد به هابیل، هابیل را کشت و نزدیکترین افراد به حضرت

مهدی یعنی عمویش جعفر قصد جان را کرد.

۱. اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳.

شبهات به شیث: حضرت شیث اجازه نیافت علم خود را آشکار کند. حضرت نیز تا روز معین اجازه نیافته.

شبهات به نوح: عمر طولانی.

شبهات به ادریس: ادریس علیه السلام به آسمان بالا برده شد. و حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ولادتش روح القدس به بال گرفت و به آسمانها برد و ادریس علیه السلام نیز از قومش غایب شد.

شبهات به هود: حضرت نوح علیه السلام، ظهور هود را بشارت داده بود و خداوند، کافران را به وسیله او هلاک کرد.

شبهات به صالح: حضرت صالح علیه السلام مدتی از قومش غایب شد و وقتی بازگشت عده‌ای او را انکار کردند.

شبهات به ابراهیم: حضرت ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود و رشد او در یک هفته، به اندازه‌ی یک ماه بود و در یک ماه به اندازه‌ی یک سال بود و حضرت ابراهیم نیز دو غیبت داشت.

شبهات به اسماعیل: خداوند به ولادت اسماعیل بشارت داد. و چشمه‌ی زمزم برای حضرت اسماعیل علیه السلام از زمین جوشید.

شبهات به اسحاق: پس از آن که ساره از بچه دار شدن مأیوس شده بود، خداوند ولادت اسحاق علیه السلام را بشارت داد.

شبهات به لوط: فرشتگان برای یاری‌اش نازل شد.

شبهات به یعقوب: یعقوب علیه السلام منتظر فرج بود تا این که خداوند پس از مدتی طولانی، پریشانی‌اش را بر طرف کرد.

شبهات به یوسف: یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود و مدتی غایب و مدتی نیز در چاه زندانی شد.

شبهات به خضر: عمر طولانی و حضور هزار سال در مناسک حج.

شبهات به الیاس: عمر طولانی و حضور هزار سال در مناسک حج و غایب شدن او از قومش.
شبهات به ذوالقرنین: پیامبر نبود ولی بر مردم حجت بود و از قومش غایب شد و غیبت طولانی.

شبهات به شعیب: عمرش طولانی و استخوانش کوفته شد، از نظر قومش غایب شد و دوباره به صورت جوانی به آن‌ها بازگشت.

شبهات به موسی: دوران حمل و ولادتش مخفی بود و دو غیبت داشت. از ترس دشمنانش غایب شد و بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند، عصایی داشت که معجزه‌اش بود.
شبهات به هارون: خداوند هارون را به آسمان برد و هارون سخن موسی را از راه دور می‌شنید.

شبهات به یوشع: منافقان با او جنگ کردند و خورشید برای یوشع علیه السلام بازگشت.

شبهات به خرقیل علیه السلام: خداوند برایش مردگانی را زنده کرد.

شبهات به داود: خداوند او را خلیفه در زمین قرار داد و آهن را برایش نرم کرد.

شبهات به سلیمان: داود او را جانشین خود قرار داد در حالی که به سن بلوغ نرسیده بود. حکومت سلیمان بر جن و انس و پرندگان بود و مدتی از قومش غایب شد. خورشید برایش بازگشت.

شبهات به عزیر: وقتی به قومش بازگشت، تورات آن طوری که به موسی بن عمران نازل شده بود خواند.

شبهات به جرجیس: خداوند مردگانی را برایش زنده کرد.

شبهات به ایوب: بر بلا صبر کرد. چشمه‌ای برای او جوشید. خداوند مردگان را برایش زنده کرد.

شبهات به یونس: پس از غیبت، به قیافه‌ی جوانی به سوی قومش بازگشت.

شبهات به زکریا: فرشتگان او را ندا می‌کردند و در مصیبت ابا عبدالله الحسین سه روز گریه کرد.

- شبهات به یحیی: به ولادتش بشارت داده شده بود و در شکم مادر سخن می‌گفت.
- شبهات به عیسی: فرزند بهترین زنان زمانش بود و در شکم مادر تکلم می‌کرد و در گهواره سخن می‌گفت. خداوند او را به آسمان برد و مردم درباره‌اش اختلاف کردند و به اذن الله مرده را زنده می‌کرد.
- شبهات به حضرت محمد ﷺ: حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من و کنیه‌ی او کنیه‌ی من و از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است.
- شبهات به امام علی ﷺ: علم، زهد و شجاعت.
- شبهات به امام حسن ﷺ: حلم و بردباری.
- شبهات به امام حسین ﷺ: نبودن بیعت طاغوت زمان برایشان، بالا بردن به آسمان، آرزوی بودن در رکاب حضرت، ترس حضرت هنگام حرکت از مدینه، طلب یاری و ...
- شبهات به حضرت سجاد ﷺ: عبادت.
- شبهات به حضرت باقر ﷺ: شباهتش به رسول خدا ﷺ.
- شبهات به امام صادق ﷺ: کشف علوم و بیان احکام برای مردم.
- شبهات به امام کاظم ﷺ: تقیه و شدت ترس از دشمنان.
- شبهات به امام رضا ﷺ: تقیه و ترس در زمانش برداشته شد.
- شبهات به امام جواد ﷺ: در کودکی به امامت رسید.
- شبهات به امام هادی ﷺ: هیبت حضرت.
- شبهات به امام عسکری ﷺ: هیبت حضرت.^۱

زیارت شهدای کربلا از ناحیه مقدسه

«روینا باسنادنا الی جدی جعفر بن محمد بن الحسن الطوسی (ره) قال: حدثنا الشیخ ابو عبدالله محمد بن احمد بن عیاش قال حدثنی الشیخ الصالح ابو منصور بن عبدالمنعم بن النعمان البغدادی (ره) قال: خرج من الناحیه سنة اثنتین و خمسین و مأتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی حین وفاة ابی (ره) و کنت حدیث السنن و کتبت استأذن فی زیارة مولای ابی عبدالله و زیارة الشهداء رضوان الله علیهم فخرج الی منه».

ترجمه: به اسنادمان از جدم ابی جعفر محمد بن حسن طوسی (ره) روایت شدیم گفت: شیخ ابو عبدالله محمد بن احمد بن عیاش مرا را حدیث کرد گفت شیخ پریهزکار ابو منصور بن عبدالمنعم پسر نعمان بغدادی (ره) کرد گفت از ناحیه مقدسه در سال ۲۵۲ بدست شیخ محمد بن غالب اصفهانی در هنگام وفات پدرم (ره) خارج گردید در حالیکه من نوجوان بودم و نوشتم که به من در زیارت مولایم ابی عبدالله علیه السلام و زیارت شهداء اجازه فرما پس از حضور حضرتش خارج گردید. «بسم الله الرحمن الرحیم اذا اردت زیارة الشهداء رضوان الله علیهم فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین صلوات علیهما فاستقبل القبلة بوجهک فان هناك حومة الشهداء و اوم و أشر الی علی بن الحسین علی علیه السلام و قل: بنام خداوند بخشندهی بخشایشگر هرگاه خواستی شهداء رضوان الله را زیارت کنی نزد پائین پاهای امام حسین علیه السلام بایست و آنجا قبر علی بن الحسین می باشد پس روایت را بطرف قبله کن پس آن جا مکان و محدود و شهداء است و علی بن الحسین اشاره کن و بگو.

۱. السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل صلی الله علیک و علی ابیک اذقال فیک. قتل الله قوما قتلوک، یا بنی اجراهم علی الرحمن و علی انتهاک حرمة الرسول، علی الدنيا بعدک العفا. کأنی بک بین یدیه «مائلاً» مائلاً وللكافرین قائلاً: سلام بر تو ای اولین کشته از نسل بهترین فرزندان سلاله ابراهیم خلیل درود بر تو و بر پدرت با که درباره تو گفت: خدا بکشد قومی را که تو را کشت، ای پسر من چه چیز ایشان را بر «خدای» بخشنده و به بریدن حرمت رسول جری نمود. بر دنیا پس از تو نابودی باد گوی که من «می بینم» که تو در پیش روی او حسین علیه السلام جنگیدی و به دشمنان گفتی:

انا علی بن الحسین بن علی
 اطعنکم بالرمحی حتی نیشنی
 نحن و بیت الله اولی بالنبی
 اضربکم بالیف احمی عن اجی
 ضرب غلام هاشمی عربی
 و الله لایحکم فینا ابن الدعی

من علی فرزند حسین بن علی هستم، و ما به خانه خدا سوگند که به پیامبر شایسته‌تریم شما را با نیزه می‌زنم تا خم شود و بر شما شمشیر را فرود می‌آورم و از پدرم حمایت می‌کنم ضربتی فرود می‌آورم آن هم ضربت‌زدن جوان هاشمی عرب سیرت به خدا سوگند فرزند پدر ناشناخته، درباره‌ی ما نمی‌تواند فرمان براند.

﴿حتی قضیت نجبک و لقیت ربک اشهد انک ولی بالله و برسوله و انک ابن رسوله و ابن حجتیه و امینه، حکم الیه لک علی قاتلک «مرة بن منقذ بن النعمان العبدی» لعنة الله و اخزاه و من شرکه فی قتلک و کانوا علیک ظهراً و اصلاهم الله جهنم و ساءت مصیراً، و جعلنا الله و من ملائیک و مرافقیک و مرافقی جدک و ابیک و عمک و اخیک و امک المظلومة، ابراً الی الله من قاتلیک، اسئل الله مرا فقتک فی دار الخلود و ابراً الی الله من اعدائک اولی الجحود و السلام علیک و رحمة الله و برکاته﴾. تا اینکه مرگت فرا رسید و مالک وجودت را دیدار کردی. گواهی می‌دهم که بر تو خدا و رسولش شایسته‌تر می‌باشی و همانا تو فرزند رسولش و پسر حجت و امین او هستی خدا نسبت به تو درباره قاتلت مرة بن منقذ بن نعمان عبدی حکم نماید. خدا بر او نفرین فرستد و خوار نماید و تمام کسانی که در کشتن تو با او همراهی کردند و بر علیه تو او را یاری کردند (نفرین فرستد) و خدا ایشان را در جهنم افکند و چه بد جایگاهی است، و خدا ما را از کسانی قرار دهد که تو را دیدار می‌نمایند و با جدت و پدرت و عمویت و برادرت و مادر مظلومت (فاطمه زهرا) دوستی و همنشینی تو را در خانه‌ی جاودانگی درخواست می‌کنم و به سوی خدا از دشمنانت همان کافران تکذیب کننده بیزاری بیزاری می‌جوئیم، سلام و آسایش و رحمت و برکات‌های خدا بر تو باد.

۲. ﴿السلام علی «عبدالله بن الحسین» الطفل الرضيع المرمی الصریع المتشطح دما المصعد دمه فی السماء، المذبوح بالسهم فی حجر ابیه، لعن الله رامیه «حرملة بن کاهل الاسدی» و ذویه﴾. سلام بر عبدالله بن حسین علیه السلام کودک شیرخوار شیر خورده‌ی به زمین افتاده به خون غلطیده که خونس بسوی آسمان بالا رفته و در آغوش پدرش به وسیله‌ی تیر ذبح شده است. خدا تیر

انداز به او و پژمرده کننده‌اش حرمله پسر کاهل اسدی را لعنت کند.

۳. «السلام علی «عبدالله بن امیرالمؤمنین» مبلی البلاء و المنادی بالولاء فی عرصة کربلاء المضراب مقبلاً و مدبراً لعن الله قاتله «هانی بن ثبیت الحضرمی»». سلام بر عبدالله فرزند امیرالمؤمنان گرفتار به بلا و آزمایش، و نداگر به ولایت و حاکمیت (برادرش و خاندانش) در پهنه کربلا که از پیش‌رو و پشت‌سر به وسیله‌ی دشمنان بر او زخم وارد شده (بود) خدا قاتل او هانی خضرمی را لعنت کند.

۴. «السلام علی «العباس بن امیرالمؤمنین» المواسی أخاه بنفسه الاخذ لغده من أمسه، القادی له الواقی الساعی الیه بمائه المقطوعة یداه لعن الله قاتله «یزید بن الوقاد الحیتی» قاتلیه «یزید بن وقاد» و «حکیم بن الطفیل الطائی»». سلام بر عباس فرزند امیرالمؤمنان که به جانش برادرش را همیاری و کمک کننده بود و از آبرویش برای فردایش بهره‌ها برد (آن) فدا کننده خود برای امامش و نگهبان شتابگر به سوی او با (مشک) آبش (که) دو دستش بریده شده خدا قاتلانیش یزید بن وقاد و حکیم بن طیفل طائی را لعنت کند.

۵. السلام علی «جعفر بن امیرالمؤمنین» الصابر(نفسه) بنفسه محتسباً و النائی عن الاوطان مغترباً مضرباً، الستسلم للقتال المستقدم للنزال، المكثور بالرجال لعن الله قاتله «هانی بن ثبیت خضرمی»؛ سلام بر جعفر فرزند امیرالمؤمنان شکیبای بر نفس‌اش و حسابگر (کردارهایش) و به تنهایی از زادگاه‌های (خویش) دور شده تسلیم جنگ شده‌ی پیشتازی در ستیز گرفته که به خاطر زیادی دشمنای و مردمان حمله‌ور بر او شکست خورده است. خدا قاتلش هانی پسر ثبیت خضرمی را لعنت کند.

۶ «السلام علی «عثمان بن امیرالمؤمنین» سمی «عثمان بن مظعون» لعن الله رامیه بالسهم «خولی بن یزید الاصبیحی الایادی» و «الابانی الدارمی»؛ سلام بر عثمان پسر امیرالمؤمنین همنام عثمان بن مظعون. خدا تیر زندگانش خولی بن یزید ابیحی ایادی و ابانی دارمی را لعنت کند.

۷- «السلام علی «محمد بن امیرالمؤمنین» قتیل «الابانی الابدادی الدارمی» لعنة الله و ضاعف علیه العذاب الالیم و صلی الله علیک یا محمد و علی اهل بیتک الصابرین»؛ سلام بر محمد

فرزند امیر المؤمنان کشته شده به وسیله ابانی دارمی که خدا او را لعنت کند و عذاب دردناک را بر او بیفزاید و درود و توجه خدا به تو ای محمد و بر اهل بیت شکیبایت.

۸- «السلام علی ابی بکر بن الحسن الزکی الولی المرمی بالسهم الردی، لعن الله قاتله عبدالله بن عقبه الغنوی»: سلام بر ابی بکر فرزند حسن «پاکیزه دوستدار خدا» که به وسیله تی سه شعبه که از کمان رها شده باشد، تیر خورده است، خداوند قاتلش عبدالله بن عقبه غنوی را لعنت کند.

۹- «السلام علی «عبدالله بن الحسن بن علی الزکی» لعن الله قاتله و رامیه «حرمله بن کاهل الاسدی»»: سلام بر عبدالله فرزند حسن بن علی پاکیزه. خدا لعنت کند قاتلش و تیرانداز به او حرمله بن کاهل اسدی را.

۱۰- «السلام علی «قاسم بن الحسن» بن علی المضروب هامته، المسلوب لامته حین نادی الحسین عمه فجلی علیه عمه کالصقر و هو یفحص برجله (برجلیه) التراب و الحسین یقول بعداً لقوم قتلوک و من خصمهم یوم القیامة جدک و ابوک»: سلام بر قاسم فرزند حسن بن علی، آن که جثه‌اش ضربت خورده و ابزار جنگی‌اش به تاراج رفته، آن گاه که عمویش حسین را فراخواند، عمویش به سان عقاب تیز پرواز به سوی او شتافت، و مردم را از کنار او دور کرد و خود را به او رسانید، در حالی که او (قاسم) پاهایش را از شدت زخم به زمین می‌کشید و حسین می‌فرمود که تو را کشتند همانانی که در روز قیامت نیایت و پدرت با ایشان دشمنی می‌کنند و خدا از رحمت خویش دورشان کند.

«ثم قال: عز و الله عمک أن تدعوه فلا یجیبک أو أن یجیبک و انت قتیل جدیل ینفعلک هذا و الله یوم کثر واتره، و قل ناصره جعلنی الله معکم جمعکم و بوأنی مبرأکم و لعن الله قاتلک «عمر» و عمر بن سعد بن «عروة بن نفیل الأزدی» و اصلاه جحیماً و أعد له عذاباً ألیماً»: سپس فرمود: بر عمویت که تو او را بخوانی ولی او تو را جواب نگوید، یا به سوی تو آید و به تو رو کند، در حالی که تو کشته شده و مورد حمله قرار گرفته باشی، پس این شتافتن عمویت به سوی تو در روزی که ستم‌کنندگان به او زیاد شده و یاری‌کننده‌اش اندک می‌باشد، تو را سود نمی‌بخشد.

۱۱- «السلام علی عون بن عبدالله بن جعفر الطیار فی الجنان، حلیف الایمان و منازل

الأقران، الناصح للرحمن، التالي للمثاني و القرآن، لعن الله قاتله «عبدالله بن قطبة النبهاني»؛ سلام بر عون فرزند عبدالله بن جعفر پرواز کننده در بهشتها همراه و همگام ایمان، همسفر با خویشان، نصیحت گر برای (خدای) بخشنده، همتای مثالی و قرآن، خدا قاتلش عبدالله بن قطبه نبهانی را لعنت کند.

۱۲- ﴿السلام علی «محمد بن عبدالله بن جعفر» الشاهد مكان ابيه التالي لأخيه و واقیه ببدنه

لعن الله «عامر بن نهشل التميمي»؛ سلام بر محمد فرزند عبدالله جعفر مشهودگر جایگاه پدرش، دنباله‌رو برادرش و نگاهدارش به وسیله‌ی بدنش، خدا قاتلش عامر بن نهشل تمیمی را لعنت کند.

۱۳- ﴿السلام علی «جعفر بن عقيل»، لعن الله قاتله و رامیه «بشير بن خوط الهمداني»؛

سلام بر جعفر فرزند عقیل، خدا قاتلش و تیر انداز به او بشر بن خوط همدانی را لعنت کند.

۱۴- ﴿السلام علی «عبدالرحمن بن عقيل»، لعن الله قاتله و رامیه «عمر بن خالد بن اسد

الجهني»؛ سلام بر عبدالرحمن بن عقیل، خدا قاتلش و تیر انداز به او، عمر بن خالد اسد جهنی را لعنت کند.

۱۵- ﴿السلام علی القتيل بن القتيل «عبدالله بن مسلم بن عقيل» و لعن الله قاتله «عامر بن

صعصعة» و قيل «اسد بن مالك»؛ سلام بر کشته شده‌ی فرزند کشته شده، عبدالله فرزند مسلم بن عقیل و خدا قاتلش عامر بن صعصعه را لعنت کند و گفته شده: اسد بن مالک.

۱۶- ﴿السلام علی «ابی عبدالله (عبدالله) بن مسلم بن عقيل»، لعن الله قاتله و رامیه «عمرو

بن صبيح الصيداوي»؛ سلام بر ابی عبدالله پسر مسلم بن عقیل و خدا قاتلش و تیر انداز به او عمر بن صبیح صیداوی را لعنت کند.

۱۷- ﴿السلام علی «محمد بن ابی سعید بن عقيل» و لعن الله قاتله «لقيط بن ناشر الجهني»؛

سلام بر محمد فرزند ابی سعید بن عقیل، خدا لعنت کند قاتلش لقیط بن ناشر جهنی را.

۱۸- ﴿السلام علی «سليمان» مولى الحسين بن على و لعن الله قاتله «سليمان بن عوف

الحضرمي»؛ سلام بر سلمان غلام امام حسین بن امیر المؤمنین و خدا لعنت کند قاتلش سلیمان بن عوف حضرمی را.

۱۹- ﴿السلام علی «قارب» مولی الحسین بن علی﴾ علیه السلام: سلام بر قارب غلام امام حسین علیه السلام.

۲۰- ﴿السلام علی «منجیح» مولی الحسین بن علی﴾ علیه السلام: سلام بر منجیح غلام حسین بن علی علیه السلام.

۲۱- ﴿السلام علی «مسلم بن عوسجة الاسدی» القائل للحسن و قد أذن له فی الانصراف انحن نخلی عنک و بم نعتذر الی الله من اداء حقک (و) لا والله حتی اکثر فی صدورهم رمحی هذا و أضربهم بسیفی ما ثبت قائمه فی یدی و لا أفارقک و لو لم یکن معی سلاح اقاتلهم به، لقدفتهم بالحجارة و لم افارقک حتی اموت معک و کنت اول من شری نفسه و کنت اول شهید من شهداء الله قضی نحبه، ففزت برب الکعبة شکر الله (لک) استقدامک و مواساتک إمامک اذ مشی إلیک و انت صریح فقال: یرحمک الله یا مسلم بن عوسجة و قرأ: «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلو تبديلاً، لعن الله مشترکین فی قتلک «عبدالله الضبابی» و عبدالله بن خشکاره البجلی»﴾: سلام بر مسلم بن عوسجة اسدی، همان گوینده به حسین علیه السلام، آن گاه که حضرتش به او اجازه‌ی بازگشت داد: آیا از تو روی برتابیم و برای خدا در به جا نیاوردن حق تو چه بهانه‌ای بیاوریم؟ نه به خدا سوگند (روی بر نتابیم) تا این که نیزه‌ام را در سینه‌شان خرد کنم و تا آن گاه که این شمشیر در دستم باشد، آن را برایشان می‌کوبم، و از تو جدا نمی‌شوم و اگر اسلحه‌ای نداشته باشم تا به وسیله‌ی آن با ایشان کارزار کنم، به آن‌ها سنگ پرتاب می‌کنم و از تو جدا نمی‌شوم تا این که همراه تو بمیرم.

و تو اول کسی هستی که جانش را بفروخت و اولین شهید از شهیدان خدا هستی که پیمان خویش را به انجام رسانید، پس به خدای کعبه که رستگار شدی. خدا به پایداریت و کمکت بر امام خود پاداش فراوان دهد، هنگامی که (حضرتش) به سوی تو آمد و تو به زمین افتاده بودی. پس فرمود خدا تو را ای مسلم بن عوسجة و این آیه را قرائت کرد: «و از ایشان کسانی هستند که پیمان خویش را به انجام رسانیدند و از ایشان گروهی هستند که چشم انتظارند، و چیزی را به جای آن دگرگون نمی‌کنند» (احزاب/۲۳)، خدا شرکت کنندگان در کشتنت عبدالله ضبابی و عبدالله بن خشکاره بجلی را لعنت کند.

۲۲- ﴿السلام علی سعد بن «عبدالله بن الحنفی» القائل للحسین علیه السلام و قد أذن له فی

الانصراف: لا والله لا نخلیک حتی یعلم الله أنا قد حفظنا غیبة رسول الله ﷺ فیک، والله لو أعلم
 أنى أقتل ثم أحيى ثم أحرق ثم أذرى و يفعل (ذلک بی) بی ذلک سبعین مرة ما فارقتك حتى القى
 حمامى دونک و کیف لا أفعل ذلک و إنما هی موة واحدة أو قتلة، ثم هی (بعدها) الکرامة التی
 لا إنقضاء لها أبداً، فقد لقیتم حمامک و واسیت امامک و لقیتم من الله الکرامة فی دار المقامة
 حشرنا الله معکم فی المستشهدین رقنا مرافقتکم فی أعلى علیین: سلام بر سعد بن عبدالله حنفی
 گویندهی به امام حسین علیه السلام در هنگامی که به او در بازگشتن اجازه داده: تو را رها نمی‌کنیم تا
 خدا بداند که همانا ما پنهانی رسول خدا ﷺ را در حق تو پاس داشته‌ایم، به خدا سوگند اگر بدانم
 کشته می‌شوم سپس زنده می‌شوم، سپس به آتش سوزانیده می‌شوم سپس در هوا پراکنده
 می‌شوم و این کار را هفتاد مرتبه با من انجام می‌دهند، از تو دست نمی‌کشم تا این که مرگم در
 پیش روی تو فرا رسد و چرا این کار را انجام ندهم در حالی که این یک بار مردن یا کشته شدن
 است. و سپس (بعد از آن) کرامتی است که برای آن کرامتی نیست.

پس مرگت را دیدار کردی و امامت را یاری کردی و در خانه‌ی همیشگی از سوی خدا
 کرامت (بیکران) را ملاقات کردی. خدا ما را در زمره‌ی شهادت خواهان با شما برانگیزد، و دوستی
 و همراهی شما در اعلی علیین روزی مان فرماید.

۲۳- «السلام علی «بشر بن عمر الحضرمی» شکر الله لک قولک للحسین علیه السلام و قد اذن
 لک فی الانصراف: اکلنتی اذن السباع حياً إن (إذا) فارقتك و اسئل عنک الרכبان و اخذ لک مع
 قلة الاعوان؟ لا یكون هذا ابدأ»: سلام بر بشر بن عمر حضرمی، خدا به خاطر سختی که بر
 حسین علیه السلام گفتی پاداش فراوان ارزانی فرماید: در حالی که در بازگشتن به تو اجازه داده بود: اگر
 از تو روی برتابم، حیوانات درنده مرا زنده زنده بخورند و (من) از تو اجازه‌ی سواری برای برگشتن
 بگیرم و تو را با کمی یاوران خوارت نمایم؟! این کار ابدأ نخواهد شد.

۲۴- «السلام علی «یزید بن حصین الهمدانی المشرقی» القاری المجدل»: سلام بر یزید بن
 حصین همدانی شرقی قارن قرآن و (دشمن را) بر زمین زنده.

۲۵- «السلام علی «عمران (عمر) بن کعب الانصاری»»: سلام بر عمران بن کعب انصاری.

۲۶- «السلام علی «نعیم بن عجلان (العجلان) الانصاری»»: سلام بر نعیم بن عجلان

انصاری.

۲۷- ﴿السلام علی «زهیر بن القین الجبلی» القائل للحسین علیه السلام و قد اذن له فی الانصراف: لا والله لا یكون ذلك ابدًا، أ ترک بن رسول الله صلی الله علیه و آله اسیراً فی ید الاعداء و أنجو أنا؟! لا ارانی الله ذلك الیوم﴾: سلام بر زهیر بن قین بجلی گوینده به امام حسین علیه السلام در حالی که در بازگشتن به او اجازه فرموده بود: نه به خدا سوگند این کار نخواهد شد. آیا فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفتار و اسیر در دست دشمنان رها کنم و من رهایی یابم؟ خدا این روز را بر من نیاورد.

۲۸- ﴿السلام علی «عمر (عمرو) بن قرطه (قرظة) الانصاری»﴾: سلام بر عمر بن قرطه انصاری.

۲۹- ﴿السلام علی «حبيب بن مظاهر الاسدی»﴾: سلام بر حبيب بن مظاهر اسدی.

۳۰- ﴿السلام علی «الحر بن یزید الریاحی»﴾: سلام بر حر بن یزید ریاحی.

۳۱- ﴿السلام علی «عبدالله بن عمیر الکلبی»﴾: سلام بر عبدالله بن عمیر کلبی.

۳۲- ﴿السلام علی «نافع بن هلال البجلی المرادی»﴾: سلام بر نافع بن هلال بجلی مرادی.

۳۳- ﴿السلام علی «انس بن کاهل الاسدی»﴾: سلام بر انس بن کاهل اسدی.

۳۴- ﴿السلام علی «قیس بن مسهر الصیداوی»﴾: سلام بر قیس بن مسهر صیداوی.

۳۵- ﴿السلام علی «عبدالله و عبدالرحمن ابنی عروة بن حراق الغفاریین»﴾: سلام بر عبدالله و عبدالرحمن فرزندان عروه بن حراق غفاری.

۳۶- ﴿السلام علی جو (عون) بن حرى مولی ابی ذر الغفاری﴾: سلام بر جون غلام ابی ذر غفاری.

۳۷- ﴿السلام علی: شیب بن عبدالله النهشلی﴾: سلام بر شیب بن عبدالله نهشلی.

۳۸- ﴿السلام علی «الحجاج بن یزید السعدی»﴾: سلام بر حجاج بن یزید سعدی.

۳۹- ﴿السلام علی «قاسط»﴾: سلام بر قاسط.

- ۴۰- ﴿و «كرش» ابني زهير بن التغلبين﴾: و كرش فرزندان زهير تغلبي.
- ۴۱- ﴿السلام على «كنانة بن عتيق»﴾: سلام بر كنانه بن عتيق.
- ۴۲- ﴿السلام على «ضرغامه بن مالك»﴾: سلام بر ضرغامه بن مالك.
- ۴۳- ﴿السلام على «جوين (حوى) بن مالك الضبعي»﴾: سلام بر جوين بن مالك ضبعي.
- ۴۴- ﴿السلام على «عمرو (عمر) بن ضبيعة الضبعي»﴾: سلام بر عمرو بن ضبيعه ضبعي.
- ۴۵- ﴿السلام على «زيد بن ثبيت القيسي»﴾: سلام بر زيد بن ثبيت قيسي.
- ۴۶- ﴿السلام على «عبدالله و عبيدالله (الله) ابني يزيد بن ثبيت (ثَبَيْط) القيسي»﴾: سلام بر عبدالله و عبيدالله فرزندان يزيد بن ثبيت قيسي.
- ۴۷- ﴿السلام على «عامر بن مسلم»﴾: سلام بر عامر بن مسلم.
- ۴۸- ﴿السلام على «قعب بن عمرو النمرى»﴾: سلام بر قعب بن عمرو نمرى.
- ۴۹- ﴿السلام على «سالم مولى عامر بن مسلم»﴾: سلام بر غلام عامر بن مسلم.
- ۵۰- ﴿السلام على «سيف بن مالك»﴾: سلام بر سيف بن مالك.
- ۵۱- ﴿السلام على «زهير بن بشر الخثعمي»﴾: سلام بر زهير بن بشر خثعمي.
- ۵۲- ﴿السلام على «زيد (بدر) بن معقل الجعفي»﴾: سلام بر زيد بن معقل جعفي.
- ۵۳- ﴿السلام على «علي الحجاج بن مسروق الجعفي»﴾: سلام بر حجاج بن مسروق الجعفي.
- ۵۴- ﴿السلام على «مسعود بن الحجاج و ابنه»﴾: سلام بر مسعود بن حجاج و فرزندش.
- ۵۵- ﴿السلام على «مجمع بن عبدالله العائدي»﴾: سلام بر مجمع بن عبدالله بن عائدي.
- ۵۶- ﴿السلام على «عمار بن حسان بن شريح الطائي»﴾: سلام بر عمار بن حسان بن شريح طائي.
- ۵۷- ﴿السلام على «حيان بن الحارث (الحارث) السلماني الازدي»﴾: سلام بر حيان بن حارث

سلمانی ازدی.

۵۸- «السلام علی «جندب بن حجر الخولانی»»: سلام بر جندب بن حجر خولانی.

۵۹- «السلام علی «عمر بن خالد الصیداوی»»: سلام بر عمر بن خالد صیداوی.

۶۰- «السلام علی «سعید» موله»: سلام بر سعید غلام او (عمر بن خالد صیداوی).

۶۱- «السلام علی «یزید بن زیاد بن المظاهر الکندی»»: سلام بر یزید بن زیاد بن مظاهر

کندی.

۶۲- «السلام علی «زاهر مولی عمرو بن الحمق الخزاعی»»: سلام بر زاهر غلام عمرو بن

حمق خزاعی.

۶۳- «السلام علی «جبله بن علی الشیبانی»»: سلام بر جبله بن علی شیبانی.

۶۴- «السلام علی «سالم مولی بنی المدینه الکلبی»»: سلام بر سالم غلام بنی مدینه کلبی.

۶۵- «السلام علی «اسلم بن کثیر الازدی»»: سلام بر اسلم بن کثیر ازدی.

۶۶- «السلام علی «قاسم بن حبیب الازدی»»: سلام بر قاسم بن حبیب ازدی.

۶۷- «السلام علی «عمر بن جندب (الاحدوث) الحضرمی»»: سلام بر عمر بن جندب

حضرمی.

۶۸- «السلام علی ابی تمامه (ثمامه) عمر بن عبدالله الصائدی»»: سلام بر ابی تمامه عمر بن

عبدالله صائدی.

۶۹- «السلام علی «حنظله بن اسعد الشیبانی (الشبامی)»»: سلام بر حنظله بن اسعد شیبانی.

۷۰- «السلام علی «عبدالرحمن بن عبدالله بن اکدر الرحبی»»: سلام بر عبدالرحمن بن

عبدالله بن کدر ارحبی.

۷۱- «السلام علی «عمار بن ابی سلامة الهمدانی»»: سلام بر عمار بن ابی سلامة همدانی.

۷۲- «السلام علی «عابس بن شیبب الشاکری»»: سلام بر عابس بن شیبب شاکری.

۷۳- ﴿السلام علی «شوذب» مولی شاکر﴾: سلام بر شوذب غلام شاکر.

۷۴- ﴿السلام علی «شیبب بن الحارث بن سریع»﴾: سلام بر شیبب بن حارث بن سریع.

۷۵- ﴿السلام علی «مالک بن عبدالله بن سریع»﴾: سلام بر مالک بن عبدالله بن سریع.

۷۶- ﴿السلام علی الجریح المأسور «سوار (سوار) بن ابی حمیر الفهمی الهمدانی»﴾: سلام بر

جریح (زخمی) اسیر و گرفتار سوار بن ابی حمیر فهمی همدانی.

۷۷- ﴿السلام علی المرتث (المرتب) معه «عمر بن عبدالله الجندعی»﴾: سلام بر زخمی همراه

او عمر بن عبدالله جندعی.

﴿السلام علیکم یا خیر انصار، السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار، بوأکم الله مبوء

الابرار، اشهد لقد كشف الله لكم الغطاء، و مهد لكم الوطاء و أجزل لكم الغطاء و كنتم عن الحق

غير بطاء و انتم لما فرط (فرطاء) و نحن لكم خلطاء فی دار البقاء و السلام علیکم و رحمة الله و

برکاته﴾: سلام بر شما ای بهترین یاران، سلام بر شما به خاطر آن چه شکیبایی ورزیدند، پس

چه نیکو جایگاه و خانه‌ی آینده دارید، خدا شما را در جایگاه نیکان سکنی دهد و شهادت می‌دهم

که خدا پرده را از (برابر دیدگان) شما برداشته و برایتان فرش و بستر گسترده است و برای شما

عطا و بخشش فراوان داده شده است و شما از حق درنگ نکرده‌اید و شما بر ما پیش افتاده‌اید و

ما می‌خواهیم با شما در خانه‌ی همیشگی همنشین و همراه باشیم و سلام و رحمت و برکات خدا

بر شما باد.

انتظار چیست؟

انتظار، در لغت به معنای چشم‌داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است و

اما انتظار در اسلام به ویژه مذهب تشیع عبارت از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی

عصر علیه السلام و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی، و آغاز حکومت صالحان است. انتظار

فرج در اسلام در واقع نوعی آمادگی است؛ آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن، آمادگی برای

حرکتی مستمر و دائم، توأم با خودسازی و دگر سازی و زمینه‌سازی و سرانجام آمادگی برای

تهیه‌ی قوا برای شرکت در نهضت عظیم حضرت ولی عصر، امام مهدی علیه السلام که آغاز آن،

ظهور حضرت و پایان آن شکست تاریکی‌ها و ظلم‌ها و نتیجه‌ی آن، برپایی حکومت عدل الهی و

نهضت سبز مهدوی است.

آثار انتظار:

کسی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد، در واقع انتظار انقلاب و تحولی را دارد که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است؛ انقلابی که همه‌ی شئون زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. انتظار همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می‌شود، یعنی ناراحتی از وضع موجود و عشق و علاقه به وضعیت بهتر. پس کسانی که در انتظارند اگر در ادعای خود صادق باشند، باید این آثار را در آن‌ها آشکار شود:

الف) خودسازی فردی:

منتظر، همیشه باید خود ساخته و آماده باشد، برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب عظیم.

ب) خودسازی اجتماعی:

منتظر، علاوه بر خودسازی خویش باید مراقب حال دیگران نیز باشد.

ج) حل نشدن در فساد محیط:

یکی از آثار انتظار، عدم تسلیم در برابر آلودگی‌های جامعه است، هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و بیشتر مردم را به آلودگی می‌کشاند. استقامت و مقاومت در این محیط برای رسیدن به اهداف عالی و پاک و مهذب ماندن از فساد.

د) پایداری در برابر رهبری‌های فاسد و مبارزه با فساد:

در سرگذشت‌ها دیده می‌شود از حکومت حاکمان غاصب از صدر اسلام، دستگاه‌های جبار بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و ... دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام مسلط شدند، فهمیده می‌شود که چه وضعیت ناامید کننده‌ای پیش آمد که هدف‌های واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً در حالی که مطرح نبود تنها چیزی که مسلمانان در برابر این‌ها نگاه داشت وعده‌های قرآن و پیامبر بود که این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است. البته انتظار منحصر به این چهار اثر نیست. برای مطالعه‌ی بیشتر می‌توانید به کتب دیگر مانند: «انقلاب جهانی مهدی»، اثر آیت الله مکارم شیرازی بحث انتظار مراجعه نمایید.

آثار دعای فرج:

- روایات مختلفی به بیان آثار، فوائد و ویژگی‌هایی که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است پرداخته است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم انشاء الله:
۱. فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام: بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است.
 ۲. این دعا سبب زیاد شدن نعمت‌ها است.
 ۳. اظهار محبت قلبی است.
 ۴. نشانه‌ی انتظار است.
 ۵. زنده کردن امر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است.
 ۶. مایه‌ی ناراحتی شیطان لعین است.
 ۷. نجات یافتن از فتنه‌های آخر الزمان است.
 ۸. ادای قسمتی از حقوق آن حضرت است که ادای حق هر صاحب حقی، واجب‌ترین امور است.
 ۹. تعظیم خداوند و دین خداوند است.
 ۱۰. حضرت صاحب الزمان در حق او دعا می‌کند.
 ۱۱. شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می‌گردد.
 ۱۲. شفاعت پیامبر انشاء الله شامل حالش می‌گردد.
 ۱۳. این دعا امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او است.
 ۱۴. مایه‌ی استجاب دعا می‌شود.
 ۱۵. ادای اجر رسالت است.
 ۱۶. مایه‌ی دفع بلا است.
 ۱۷. سبب وسعت روزی است انشاء الله.
 ۱۸. باعث آمرزش گناهان می‌شود.
 ۱۹. سبب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می‌شود انشاء الله.

۲۰. سبب رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت می‌شود انشاءالله.
۲۱. از برادران پیغمبر خواهد بود.
۲۲. فرج مولای ما حضرت حجت زودتر واقع می‌شود.
۲۳. پیروی از پیامبر و امامان خواهد بود.
۲۴. وفای به عهد و پیمان خداوندی است.
۲۵. آثار نیکی به والدین دعا کننده حاصل می‌گردد.
۲۶. فضیلت رعایت و ادای امانت برایش حاصل می‌شود.
۲۷. زیاد شدن اشرف نور امام در دل او است.
۲۸. سبب طولانی شدن عمر است انشاءالله.
۲۹. تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوی است.
۳۰. رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند است.
۳۱. سبب هدایت به نور قرآن مجید است.
۳۲. نزد اصحاب اعراف معروف می‌گردد.
۳۳. به ثواب طلب علم نائل می‌شود انشاءالله.
۳۴. از عقوبت‌های اخروی انشاءالله در امان می‌ماند.
۳۵. هنگام مرگ به مژده می‌رسد و با او به نرمی رفتار می‌شود.
۳۶. این دعا اجابت دعوت خدا و رسول ﷺ است.
۳۷. با امیرالمؤمنین علیؑ و در درجه‌ی آن حضرت خواهد بود.
۳۸. محبوب‌ترین افراد نزد خداوند خواهد بود.
۳۹. عزیزترین و گرامی‌ترین افراد نزد پیامبر ﷺ خواهد بود.
۴۰. انشاءالله از اهل بهشت خواهد شد.
۴۱. دعای پیامبر ﷺ شامل حالش می‌گردد.
۴۲. کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می‌گردد.
۴۳. خداوند متعال در عبادت او را تأیید می‌فرماید.

۴۴. انشاء الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می‌شود.
۴۵. ثواب کمک به مظلوم را دارد.
۴۶. ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد.
۴۷. پاداش خونخواهی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را دارد.
۴۸. شایستگی دریافت احادیث ائمه‌ی اطهار را می‌یابد.
۴۹. نور او برای دیگران نیز - روز قیامت - درخشان می‌گردد.
۵۰. هفتاد هزار از گناهکاران را شفاعت می‌کند.
۵۱. دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز قیامت شاملش می‌گردد.
۵۲. بی حساب داخل بهشت می‌شود.
۵۳. از تشنگی روز قیامت در امان می‌ماند.
۵۴. در بهشت جاودان است.
۵۵. مایه‌ی خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او است.
۵۶. روز قیامت، هدیه‌های ویژه‌ای دریافت می‌دارد.
۵۷. خداوند متعال از خدمتگزاران بهشت نصیبش می‌فرماید.
۵۸. در سایه‌ی گسترده‌ی خداوند قرار گرفته و رحمت بر او نازل می‌شود، مادامی که مشغول آن دعا باشد.
۵۹. پاداش نصیحت مؤمن را دارد.
۶۰. مجلسی که در آن برای حضرت حجت علیه السلام دعا شود محل حضور فرشتگان می‌گردد.
۶۱. دعا کننده مورد مباحات خداوند می‌شود.
۶۲. فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند.
۶۳. از نیکان مردم، پس از ائمه‌ی اطهار می‌شود.
۶۴. این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعتشان را واجب ساخته است.
۶۵. مایه‌ی خرسندی خداوند متعال می‌شود.
۶۶. مایه‌ی خوشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گردد.

- ۶۷ این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.
- ۶۸ از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت می‌دهد انشاء الله.
- ۶۹ حساب او آسان می‌شود.
- ۷۰ این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود.
- ۷۱ این عمل بهترین اعمال است.
- ۷۲ باعث دوری غصه‌ها می‌شود.
- ۷۳ دعا هنگام غیبت بهتر از دعا هنگام ظهور امام علی‌علیه السلام است.
- ۷۴ فرشتگان درباره‌اش دعا می‌کنند.
- ۷۵ دعای حضرت سید الساجدین علی‌علیه السلام که نکات و فواید متعددی دارد شامل حالش می‌شود.
- ۷۶ این دعا تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
- ۷۷ چنگ زدن به ریسمان الهی است.
- ۷۸ سبب کامل شدن ایمان است.
- ۷۹ مانند ثواب همه‌ی بندگان به او می‌رسد.
- ۸۰ تعظیم شعائر خداوند است.
- ۸۱ این دعا ثواب کسی که با پیامبر ﷺ شهید شده را دارد.
- ۸۲ ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم علی‌علیه السلام شهید شده را دارد.
- ۸۳ در این دعا، ثواب گرمی داشتن عالم هست.
- ۸۴ پاداش گرمی داشتن شخص کریم را دارد.
- ۸۵ در میان گروه ائمه‌ی اطهار محشور می‌شود.
- ۸۶ درجات او در بهشت بالا می‌رود.
- ۸۷ از بدی حساب در روز قیامت در امان می‌ماند.
- ۸۸ به بالاترین درجات شهدای روز قیامت نائل می‌شود.
- ۸۹ رستگاری به سبب شفاعت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در پی دارد.

۹۰. ثواب احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دارد.^۱

دعای ندبه به قول امام صادق علیه السلام

دعای ندبه دعایی است جامع و پر سوز از دیر زمان مورد توجه شیعیان و منتظران حقیقی حضرت ولی عصر بوده است. این دعا در حقیقت بیانگر تاریخ فشرده‌ای از حضور حجت‌ها و اولیای الهی بر پهنه‌ی خاک است.

سلسله‌ای که از حضرت آدم علیه السلام آغاز و تا آخرین حجت خدا حضرت مهدی علیه السلام ادامه می‌یابد. دعای ندبه را حضرت امام صادق علیه السلام به دوستان و شیعیانش تعلیم داده و به آن‌ها امر فرموده که این دعا را در اعیاد (فطر، قربان، غدیر، جمعه) بخوانند و به ما امر فرموده که در عصر غیبت، با این دعا با پیشوای خود راز دل بگوییم و تجدید میثاق کنیم.

برخی متعرضان به دعای ندبه می‌گویند: هنگامی که امام صادق علیه السلام دعای ندبه را انشا فرموده، بیش از یک قرن به تولد حضرت ولی عصر مانده بود، پس چگونه ممکن است، انسان نسبت به انسانی که بعد از یک قرن به دنیا می‌آید، گریه و زاری کند و در فراقش اشک بریزد؟ پاسخ این است که: این معنا در افراد معمولی متصور است، اما اگر فرد مورد نظر گل سرسبد جهان هستی باشد (بوجوده ثبتت الارض و السماء) و همه‌ی پیامبران الهی نوید او را به پیروان خود داده باشند منطقی است که اشخاص درآشنا در انتظار آمدنش لحظه شماری کنند و از طول غیبتش گریه‌ها سر دهند.^۲

گروهی از اصحاب به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و حضرتش را دیدند که روی خاک‌ها نشسته، همانند مادر داغ‌دیده سیل اشک، روان کرده و ناله‌های جانسوز سر می‌دهد. هنگامی که از علت آن جويا شده بودند، فرمودند که برای طولانی شدن غیبت حضرت قائم علیه السلام و پریشانی مؤمنان در دوران غیبت اشک می‌ریزند.

اعتبار سند دعای ندبه

در باب حجیت خبر واحد، بالاخره در علم اصول، اطمینان به صدور، میزان اعتبار شناخته شده

۱. مکال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۱ (ترجمه‌های سید مهدی حایری قزوینی)

۲. با دعای ندبه در یگانه جمعه (علی اکبر مهدی پور)، ص ۳۰.

و روش عرف و عقلا نیز بر همین نحو قرار دارد، بلکه به اخبار تاریخی، و نقلهائی که بسا از نظر محدث مورد اعتماد نیست اعتماد می کنند، و همین قدر که تاریخ معتبر یا مشهوری واقع ای از نقل کرده باشد، آن را قبول می نمایند. ولی علمای اسلام در اخبار و احادیث، به خصوص راجع به احکام شرع، تعیین هدفها، تعالیم دین و تفسر قرآن و فقه، از این روش عرف، پا را فراتر نهاده و تحقیق و دقت و رسیدگی بیشتری می کنند و در رجال سند احادیث، و عدالت و ثقه بودن راوی و سوابق اخلاقی، و عقیده و مسلک سیاسی او، کاملاً کنجکاوی می نمایند، و تا اطمینان پیدا نکنند به حدیث عمل نمی نمایند، و اصولی که در این موضوع مراعات می شود حاکی از نهایت دقت و تفحص و اعتنای شیعه به واقع جوئی و حقیقت پژوهی است.

این جهت هم هست که این فحص و رسیدگی، و تحصیل اطمینان به صدور حدیث، در مورد احادیثی که راجع به حکم الزامی شرعی، مثل واجب و حرام، یا معاملات و امور مالی و حقوقی و سیاسی باشد بیشتر انجام می شود، و معمولاً در احادیث دیگر، مانند اخبار مربوط به اصول عقائد^۱ و مستحبات، به این مقدار رسیدگی و دقت نیاز پیدا نمی شود.

راجع به دعا هم، در صورتی که مضامین آن مقبول و شرع پسند باشد، اگر سند آن معتبر نباشد، و ورود آن بالخصوص ثابت نشود، چون به نحو عموم، دعا وارد و راجح و از عبادات موکده است، خواندن آن بر حسب عمومات قرآن مجید و روایات دعا، راجح و مستحب است، و در مقام عمل حاجت زیادی به معرفت سند دعا نیست، و به همین قصد خوانده می شود، و برای درک فیض و ثواب مخصوص آن نیز بر حسب اخبار «من بلغ» رجاء هم که بخوانند به آن نایل می شوند.

قوت متن و الفاظ و مضامین هم، بر اعتبار دعا می افزاید و سخن شناسان و کسانی که با اخبار و سخنان اهل بیت علیهم السلام و دعاهائی که از ایشان رسیده مانوس هستند، آن را می شناسند. چنانچه از جمله بندی های سست، و مضامین کوتاه بعضی از دعاهای فیهامی فهمند که از اهل بیت علیهم السلام نیست.

پس از این مقدمه فشرده و مختصر، راجع به اعتبار دعای شریف ندبه می گوئیم: این دعا از حیث سند، اگر چه مسند نباشد، مع ذلک اطمینان بخش و معتبر است و برای اینکه آن را بخوانیم، و مانند یکی از دعاهای مشهور و متداول مواظبت به آن داشته باشیم، به اعتبار بیشتر

^۱ در قسمتهائی که عقلی خالص باشد فقط متن حدیث ملاحظه می شود ولی در قسمت هائی که دلیل اثبات آن نقل باشد، سند حدیث را هم باید ملاحظه کرد.

نیازی نیست زیرا:

۱. این دعا سید جلیل، صاحب مناقب و مفاخر، «سید رضی الدین علی بن طاووس» که از اعلام قرن هفتم هجری، و از رجال بزرگ شیعه، و در علم و ورع و زهد و عبادت معروف، و با اطلاع از کتب و تصنیفات بوده، در کتاب مستطاب اقبال (ص ۲۹۵-۲۹۹) و در کتاب مصباح الزائر فصل هشتم، و شیخ جلیل «محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری» از اعلام قرن ششم، در کتاب مزار معروف به «مزار محمد بن المشهدی» که علامه مجلسی آن را «مزار کبیر» نامیده (دعاء صد و هفتم) نقل کرده اند و همچنین در مزار قدیم، که ظاهراً از تالیفات «قطب راوندی» است نیز نقل شده، و نقل دعا در مثل هر یک از این سه کتاب، دلیل این است که این شخصیت های بزرگ، و متبحر و حدیث شناس، این دعا را معتبر شناخته اند.

اگر کسی بگوید: مدرکی بر این دعا جز کتاب سید بن طاووس نیست و سید هم این دعا را از بعضی شیعیان مجهول الحال نقل کرده است، زیرا عبارت او این است:

« ذکر بعض اصحابنا: قال: قال محمد بن علی بن ابی قره: نقلت من کتاب محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری دعاء النذبة و ذکر انه لصاحب الزمان صلوات الله علیه، و يستحب ان يدعى به فی الاعیاد الاربعة».

جواب این است که:

اولاً، چنانچه گفته شد و پس از این هم خواهیم گفت، در کتاب هائی که پیش از عصر سید تالیف شده، این دعا ذکر شده است.

ثانیاً، فردی چون سید ابن طاووس، از مجهول الحال، به این لفظ «بعض اصحابنا» که مشعر بر تعظیم و احترام است، نقل نمی کند.

ثالثاً، هر کس اهل فن باشد، ملتفت می شود که مراد ایشان هم از «بعض اصحابنا» همان «شیخ محمد بن المشهدی» صاحب مزار کبیر است و عبارت او در مزار کبیر که دعای صد و هفتم آن است که:

«الدعاء النذبة، قال محمد بن ابی قره نقلت من کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری هذا الدعاء، و ذکر فيه انه لصاحب الزمان- صلوات الله علیه و عجل فرجه و فرجنا به- و يستحب ان يدعى به فی الاعیاد الاربعة».

این عبارت را با عبارت سید ابن طاووس پیش هم بگذارید، و خودتان داوری کنید.

۲. پیش از این سه بزرگوار، شیخ جلیل ثقه «ابوالفرج محمد بنعلی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنانی» معاصر نجاشی از شیوخ و بزرگان قرن پنجم، در کتاب دعائی که شیخ محمد بن المشهدی در کتاب مزار، و سید ابن طاووس در مصابح الزائر و اقبال، از آن بسیار نقل کرده و بر آن اعتماد فرموده اند، و همچنین از مأخذ کتاب مزار قدیم می باشد، این دعا را روایت کرده است، و چنانچه گفته شد ایشان نیز از رجال شیعه می باشد و علاوه بر کتاب دعای مذکور، بر کتاب دیگری به نام «التهجد» دارد، و در کتبی مثل رجال نجاشی و علامه، توثیق شده است، و نقل ایشان نیز دلیل این است که این دعا را معتبر شناخته، و بلکه استحباب خواندن آن را در اعیاد اربعه تایید کرده است، چنانچه ظاهر این است که سید بن طاووس، و شیخ محمد بن المشهدی - علیهما الرحمه - نیز آن را بخصوص مستحب می دانسته اند.

۳. شیخ جلیل ثقه، ابوجعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری^۱ در کتاب دعای خود، دعای ندبه را روایت کرده است، و ایشان از مشایخ شیخ مفید - رضوان الله علیهما - است، که بر حسب اسانید روایات کتاب امالی شیخ ابی علی طوسی، شیخ مفید از او بسیار روایت کرده و برای او طلب رحمت نموده است، و محدث نوری، در خاتمه «مستدرک» او را چهل و دومین شیخ از مشایخ شیخ مفید شمرده، و وثاقت و جلالت قدر او را گواهی فرموده است، و این شیخ جلیل نیز صریحا به استحباب خواندن این دعا فتوی داده است.

اگر گفته شود: صاحب کتب رجال محمد بن حسین بزوفری را، مجهول الحال دانسته اند. جواب این است که: چنانچه تحقیق آن شد، ایشان معلوم الحال و از مشایخ شیخ مفید بوده، و آن مرد بزرگ از او بسیار روایت کرده^۲ و برای او طلب رحمت نموده است، چنانچه محمد بن المشهدی و «سید» در حق او «رضی الله عنه» فرموده اند.

اگر کسی بگوید: «محمد بن الحسین بزوفری در عصر ائمه نبوده تا از امام این دعا را اخذ کرده باشد، و معلوم نیست از چه کسی و از کجا این دعا را گرفته است».

^۱. بزوفر بفتحین و سکون واو، و فتح فاء، ده بزرگی است از توابع قوسان در نزدیکی واسط و بغداد، در کنار نهر موقی در غربی دجله (معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۶۶).

^۲. مرحوم استاد اعظم، زعیم اکبر، آیت الله بروجردی که در علم رجال و حدیث، و معرفت طبقات، و تمیز مشترکات، مانند سایر علوم اسلامی یگانه و بی نظیر بود، می فرمود: یکی از طرق معرفت رجال شخصیت تلامذه و شاگردان آنها است که وقتی شخصیتی مثل مفید از کسی الروایه باشد و قدحی هم در او نشده باشد، اماره است بر آنکه او مورد وثوق و اعتماد بوده است.

جواب می دهیم: مگر کسی گفته است محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری، بدون واسطه این دعا را از امام روایت کرده است، و مگر لازم است که هر کس روایتی را از امام روایت می کند معاصر با ائمه باشد؛ مگر نمی شود حدیثی را با سند در کتاب خود روایت کرده باشد، یا روایت معتبر و مسلمی را با حذف سند، بطور ارسال نقل نماید، بلکه چون در آن اعصار که نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام بوده، رسم بر این نبوده است که در کتاب ها روایتی بدون سند بیاورند، و اگر هم بدون سند می آوردند، عین متن را ذکر می کردند. اطمینان حاصل است که یا این دعا در کتاب بزوفری با سند بوده و پس از اینکه از کتاب او نقل شده، مسامحه سند آن را نقل نکرده اند، و یا اینکه آنقدر معروف و مشهور بوده که بزوفری هم خود را از ذکر سند آن بی نیاز می شمرده است.

بنابراین می توان حدس زد که خواندن این دعا، در اعصار نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام و غیبت صغری هم، مثل عصر ما، بین شیعه متداول و مرسوم بوده، و این شعاری است که دست به دست رسیده و اخلاف از اسلاف، و بازماندگان از گذشتگان، آن را گرفته، و در محضر و منظر محدثین و شیخ آن اعصار که همه متبحر در علم حدیث، و در محضر و منظر محدثین و شیوخ آن اعصار که همه متبحر در علم حدیث، و استاد فن بوده، و از خواندن دعاهای بی ماخذ، و پیروی از روشهای بی مدرک، به شدت ممانعت می فرمودند خوانده می شده، و کسی بر اعتبار آن ایرادی نداشته است.

۴. علامه مجلسی، با دقت و تتبع و احاطه و اطلاع وسیع و فوق العاده ای که در اخبار و احادیث، و رجال و روایات، و معرفت اسانید دارد، علاوه بر آنکه این دعا را در کتاب هایی مثل بحار، و تحفه الزائر - که در مقدمه به اعتبار سند دعای ندبه را که منتهی به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می شود، تصدیق فرموده است، و عبارت این افتخار عالم اسلام و نابغه جهان علم، در کتاب مستطاب «زاد المعاد» این است:

«و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه، و تاسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام به سند معتبر، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است، که مستحب است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند یعنی جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر».

محقق است که چنین کلام صریح و شهادت محکمی را ایشان بدون ماخذ و مصدر معتبر، نفرموده است.

علاوه بر ایشان، سید جلیل علامه «صدر الدین محمد طباطبائی یزدی» (متوفای ۱۱۵۴ هجری) نیز در ابتدای شرحی که به دعای ندبه مرقوم فرموده، استناد به روایت مرویه از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام نموده است.

با توجه به مجموع مطالبی که عرض شد، اعتبار این دعا، به خصوص با ملاحظه متن آن، محرز، و صدور آن از امام علی‌السلام مورد اطمینان است، و استحباب خواندن آن نیز بالخصوص، و حداقل از جهت ادله عامه مسلم و ثابت است و محل هیچگونه اشکالی نمی باشد، و محتاج به تمسک به اخبار «من بلغ» نیست.

اخبار «من بلغ» و تسامح در ادله سنن

بعضی گمان کرده اند، مستند کسانی که این دعا را در کتاب های خود نقل کرده و فتوی به استحباب خواندن آن داده اند. اخبار «من بلغ» و تسامح در ادله سنن است. لذا اشکال کرده اند که تسامح در ادله سنن درجائی است که با سند ضعیفی به معصوم برسد، و برای دعای ندبه سندی که منتهی به معصوم بشود ذکر نکرده اند.

جواب از این اشکال این است که:

اولا، ورود و صدور این دعا از معصوم علیه السلام مورد اطمینان است، و آن چیزی که ملاک حجیت خبر واحد است، اطمینان به صدور است و لذا به اخبار موقوفه هم گاهی در فقه اعتماد می شود.

ثانیا، بنفس اطلاق ادله عامه دعا، استحباب این دعا هم ثابت است.

ثالثا، در باب تسامح در ادله سنن و اخبار «من بلغ» ذکر نشده است که باید بلوغ با سند متصل به معصوم باشد، بلکه بلوغ و رسیدن به هر نحو باشد - مسندا یا مرسلا - کفایت می کند. شما چرا به قاعده و احادیث، بی دلیل حاشیه می زنید، و اطلاق آن را مقید می سازید. حتی فتوای فقیه به رجحان عمل، اگر استناد او به روایتی محتمل باشد نیز در بلوغ کافی است، چنانچه شیخ اعظم، شیخ مرتضی انصاری رحمه الله هم در تنبیه پنجم از تنبیهات رساله ای که در جواز تسامح در ادله سنن مرقوم فرموده، تصریح کرده است. و اولی به اعتبار، فتوای فقهای است که در کتب فتوایی نیز متون روایت را ذکر می کرده اند. جائی که قدما به رساله «علی بن بابویه قمی» در موارد فقدان نص یا به زبان علمی «عند اعواز النصوص» عمل می کردند، در مورد

مستحبات با وجود اخبار «من بلغ» ورود مطلق خبر، و فتوای فقیه به طریق اولی کافی است.^۱

دعای فرج کدام است؟

۱. دعاهایی که برای فرج حضرت مهدی علیه السلام خوانده می شود چندین دعا به دعای فرج معروف است، اول: دعای «یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح، یا من لم یؤاخذ بالجریره و لم یهتک الستر، یا عظیم المن! یا کریم الصفح! یا حسن التجاوز! یا واسع المغفرة! یا باسط الیدین بالرحمة! یا منتهی کل نجوی! و یا غایة کل شکوی! یا عون کل مستعین! یا مبتداء بالنعم قبل استحقاقها! یا رباه! (ده مرتبه) یا غایة رباه! (ده مرتبه) اسئلك بحق هذه الاسماء و بحق محمد و آله الطاهرين إلا ما کشفتم کربی و نفست همی و خرجت غمی و اصلحت حالی»^۲.

۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای حاجتی نزد رسول شکایت کرد و پیامبر به ایشان، این دعا را توصیه کرد: «یا عماد من لا عماد! یا سند من لا سند له! یا ذخیر من لا ذخیر له! و یا حرز من لا حرز له! یا فخر من لا فخر له! و یا رکن من لا رکن له! یا عظیم الرجاء! یا عز الضعفاء! یا منقذ الفرقی! یا منجی الهلکی! یا محسن! یا مجمل! یا منعم! یا مفضل! اسئل الله الذی لا اله الا انت الذی سجد لک سواد اللیل و ضوء النهار و شعاع الشمس و نور القمر و دوی الماء و خفیف الشجر، یا الله! یا رحمن! یا ذا الجلال و الاکرام!» و امیرالمؤمنین این دعا را دعای فرج نامید.

۳. مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از گرفتاری های خویش شکایت کرد. آن حضرت برای فرج او خواندن این دعا را سفارش کرد: «الهی طموح الامال قد خابت الا لیدیک و معاکف الهمم و قد تعطلت الا الیک و مذاهب العقول...»

^۱ . راجع به مسطالب این فصل رجوع شود به رجال نجاشی، ص ۲۸۳. رجال علامه، ص ۱۶۴. هدیه الزائرین، ص ۵۰۷. الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۴۰۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸. الذریعه، ج ۸، ص ۱۸۴ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ج ۴، ص ۵۰۳. مصباح الزائر فصل ۷ (نسخه خطی) مزار محمد بن المشهدی دعای ۱۰۷ (نسخه خطی) هر دو نسخه از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، اقبال، ص ۲۵۵-۲۹۹. مستدرک، ج ۳، ص ۵۲۱. زاد المعاد. و تحفه الزائر علامه مجلسی. رساله جواز تسامح در ادله سنن شیخ. معجم البلدان. شرح دعای ندبه شریف صدرالدین محمد طباطبائی.

^۲ . امامت و مهدویت حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.

^۳ . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۳.

۴. ﴿اللهم يا ودود يا ودود يا ذا العرش المجيد يا فعالاً لما يريد! اسئلك بنور وجهك الذي ملاً أركان عرشك و بقدرتك التي قدرت بها على جميع خلقك و برحمتك التي وسعت كل شيء. لا اله الا انت يا مبدئ! يا معيد! لا اله الا انت يا اله البشر! يا عظيم الخطر منك الطلب و اليك الهرب وقع بالفرج يا مغيث! اغثنى.﴾

۵. ﴿اللهم انى اسئلك يا الله يا الله يا الله يا على فقهر يا من بطن فخير...﴾^۱

۶. مرحوم کفعمی در بلد الامین فرموده: این دعای حضرت مهدی است که آن را به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود، و آن فرد خلاص شد: ﴿الهی عظم البلاء و برح الخفاء...﴾^۲

۷. برخی دعای ﴿اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه...﴾ را دعای فرج نامیده‌اند.^۳

۱. نجم الثاقب، باب هفتم حکایت سیم.

۲. مفاتیح الجنان.

۳. مصباح التهجد، ص ۶۳۰ و بلد الدین ص ۲۰۳.

بخش دوم

مهدویت در ادیان و مذاهب دیگر

هل اليك يا بن احمد سبيل فتلقى، هل يتصل يومنا منك بعدة فنحظي

آره:

خواهد آمد آنروز که در دستان ملکوتی‌ات برای سرکوبی نامردان
شمشیر بخروشد و برای هدایت، قرآن بدرخشد. ای کوه استوار ولایت
کی خواهی آمد؟ و کی از پرده غیب سربرآر؟ و شب یلدای مشتاقان
ستم دیده‌ات را سحر کنی و بانور ولایت، جهان تاریک بشریت را
منور سازی و به کوری چشم دشمنان و منکرانت نور وجودت را هویدا
فرمائی.

او خواهد آمد و به اسم رب کتاب قطور رحمت را خواهد خواند و
برر زحمات انبیاء و اولیاء وصول و حصول خواهد بخشید.

(مولف)

نام‌های حضرت در کتب ادیان:

واقیذ: به معنای غایب شونده به مدت طولانی و از القاب حضرت است، در کتب سماویه در تاریخ «عالم آراء» آمده است که اسم آن حضرت در تورات، «واقیذما» است.^۱

میزان الحق: اسم آن حضرت است در کتاب «اژی پیغمبر».^۲

مهمید آخر: نام مبارک آن حضرت در کتاب ذخیره و تذکره.^۳

منجی اعظم: در کتب مقدس که در میان زردشتیان و هندیان به عنوان کتاب‌های آسمانی شناخته شده و آوردگان آن‌ها از نظرشان به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند تصریحات بسیاری به منجی اعظم شده است که او کسی جز حضرت مهدی نیست.^۴

مسیح الزمان: نام آن حضرت است در کتاب فرنگیان.^۵

ماشع: نام مبارک آن بزرگوار است در تورات عبریه.^۶

۱. نجم الثاقب، باب دوم

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. آخرین امید، ص ۱۹۵، (داودی الهامی)

۵. نجم الثاقب، باب دوم.

۶. همان مدرک.

لندیطارا: در کتاب هزارنامه‌ی هند و لواء اعظم در هدایه از القاب آن حضرت شمرده شده است.^۱

کیقاد دوم: در ذخیره و تذکره نام حضرت است در نزد مجوس و گبران عجم است.^۲

فیذموا: در تورات کعب و فیروز در نزد آنان در کتاب فرنگان ماچارالامان نام حضرت است.

فرخنده: در کتاب اشعیای پیامبر نام حضرت مهدی است.^۳

شماطیل: اسم آن حضرت در کتاب ارماتش آمده است.^۴

صاحب: نام حضرت در صحف ابراهیم نیز نقل شده است.

اسم حضرت در کتاب زمزم زردشت **سروش ایزد** آمده.

در کتاب ماریاقین اسم حضرت به **زند افریس** آمده که منسوب کتاب زردشت‌ها یا فصلی از صحف ابراهیم است.

راهنما اسم حضرت در کتاب باتیکل که صاحب آن را از عظمای کفره است که در آن کتاب به این اسم از حضرت بشارت داده‌اند در عصر ظهور.^۵

در کتاب خسرو و مجوس نام حضرت **خسرو** آمده.

خجسته نام حضرت در کتاب «کندر» آل فرنگیان آمده است.

حمد و حامد در کتاب هدایه از القاب حضرت شمرده شده است.

حاشر نام حضرت در صحف ابراهیم.

اسم حضرت مهدی در کتاب انکلیون برهان الله آمده است.

و دیگر اسامی حضرت با الفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهبی اهل ادیان و ملل مختلف

۱. همان مدرک.

۲. همان مدرک.

۳. همان مدرک.

۴. همان مدرک.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳۵.

جهان آمده که برخی از آن‌ها چنین است: صاحب در صحف ابراهیم؛ قائم در زبور سیزدهم؛ قیدمو در تورات به لغت ترکوم ماشیع؛ مهدی بزرگ در تورات عبرانی؛ مهمید آخر در انجیل؛ سروش ایزد در زمزم زردشت؛ بهرام در ابستاق زند و یازند بنده‌ی یزدان در درزند و یازند؛ لندبطاوا در هزارنامه؛ هندویان شماخیل در ارماتس خوراند در جاویدان خجسته در کندال فرنگیان خسرو در کتاب مجوس؛ میزان الحق در کتاب اثری پیامبر پرویز در کتاب برزین آذر فارسیان فردوس اکبر در کتاب قبروس رومیان کلمه‌ی الحق در صحیفه‌ی آسمان لسان الصدق در صحیفه‌ی آسمانی صمصام الاکبر در کتاب کندوال بقیه‌الله در کتاب دو هر قاطع در کتاب قنطره منصور در کتاب دید براهمه ایستاده در کتاب شاکمونی ویشنو در کتاب کتاب ریگ وراء فرخنده در کتاب وشن جوک راهنما در کتاب پاتیکل پسر انسان در کتاب عهد جدید اناجیل و ملحقات آن سوشیانس در کتاب زند فیروز در کتاب اشعیای پیامبر.^۱

حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت:

عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی از مختصات شیعه و منحصر به شیعه نیست و بسیاری از فرقه‌های اسلامی در این عقیده و مرام اتفاق نظر دارند و آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می‌دانند. در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر»: هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.^۲

گروهی از علمای اهل سنت به مضمون این حدیث فتوا داده‌اند و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی (کندوزی) حنفی در کتاب ینابیع الموده از کتاب فرائد السمطین از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که پیامبر فرمود: «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله»: هر که ظهور مهدی را انکار کند، به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کفر ورزیده است.^۳

علمای اهل سنت فقط به نقل روایات راجع به حضرت ولی عصر علیه السلام در صحاح خود و دیگر کتب معتبرشان اکتفا نکرده‌اند، بلکه گروه زیادی از شخصیت‌های علمی و برجسته‌ی ایشان

۱. نجم الثاقب، باب دوم.

۲. عقد الدر، ص ۱۵۷.

۳. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۸۰.

اعتراف کرده‌اند که این احادیث مشهور یا متواتر است.

که به طور نمونه برخی از دانشمندان اعتراف کرده‌اند که ذیلاً ذکر خواهیم کرد:

۱- **محمد شبلنجی**، دانشمند معروف مصری در کتاب «نور الابصار» چنین می‌نویسد:

«تواترت الاخبار عن النبی ﷺ علی ان المهدي من اهل بيته و انه يملأ الارض عدلاً»: ^۱ اخبار

متواتری از پیامبر رسیده است که مهدی از خاندان او است و زمین را از عدل پر می‌کند.

۲- **شیخ محمد صبان**، در کتاب اسعاف الراغبین چنین می‌گوید: «و قد تواترت

الاخبار عن النبی ﷺ بخروجه و انه من اهل بيته و انه يملأ الارض عدلاً و انه يساعد

عیسی عليه السلام علی قتل الدجال بباب لد بأرض فلسطين و انه يؤم هذه الامة و یصلی عیسی

خلفه»: ^۲ اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مهدی عليه السلام قیام خواهد کرد و این

که او از خاندان پیغمبر است و زمین را پر از عدل می‌کند و حضرت عیسی را بر کشتن دجال در

سرزمین فلسطین دم دروازه‌ی «لد» یاری می‌دهد و بر این امت امامت می‌کند و حضرت

عیسی عليه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد.

۳- **ابن حجر عسقلانی** در کتاب فتح الباری می‌گوید: اخباری به تواتر رسیده است

که مهدی از این امت است و عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او نماز

می‌گزارد. ^۳

۴- **ابن حجر هیثمی مکی** در کتاب الصواعق المحرقة از ابوالحسن ابری چنین نقل

می‌کند: «قد تواترت الاخبار و استفاضت بکثرة دواتها عن المصطفى ﷺ بخروجه و انه من اهل

بيته و انه يملأ الارض عدلاً»: ^۴ اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مهدی ظهور

خواهد کرد و این که او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود.

۱. نور ابصار، ص ۱۸۹.

۲. اسعاف اراغبین، ص ۱۵۲.

۳. فتح الباری، ص ۱۶۹، ج ۷.

۴. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰.

۵- احمد زینی دحلان، دانشمندان معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه در کتاب «الفتوحات الاسلامیه» چنین می‌نویسد: «احادیثی که در آن از مهدی سخن رفته است بسیار زیاد است و متواتر است و البته در میان آن همه احادیث صحیح، روایات ضعیف هم زیاد است، ولی به واسطه‌ی کثرت این احادیث و فزونی راویان آنها و محدثان فراوانی که این روایات را در کتب خود آورده‌اند جمعاً مفید و قطع یقین است»^۱.

۶- وهابیت، با توجه به اینکه وهابیت از مذاهب اسلامی به حساب نمی‌آید و مثل بهائیت یک مسلک سیاسی است و از تندروترین گروه‌های اسلامی اهل تسنن به شمار می‌روند، مسئله‌ی مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی را پذیرفته و با سایر فرق اسلامی اتفاق نظر دارند و به طور جدی از آن دفاع می‌کنند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.

کتابهای که علمای اهل سنت در موضوع مهدویت تالیف کرده اند.

- ۱- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تالیف عالم شهید ملا علی متقی (متوفای سنه ۹۷۵).
- ۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان، تالیف علامه گنجی شافعی (متوفای سنه ۶۵۸).
- ۳- عقد الدور فی اخبار الامام المنتظر، تالیف شیخ جمال الدین یوسف الدمشقی یکی از اعلام قرن هفتم.
- ۴- مناقب المهدی تالیف حافظ ابی نعیم اصفهانی (متوفای قرن پنجم هجری).
- ۵- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر تالیف ابن حجر (متوفای سنه ۹۷۴).
- ۶- العرف الوردی فی اخبار المهدی، تالیف عالم شهیر سیوطی (متوفای ۹۱۱).
- ۷- مهدی الی الرسول تالیف علی بن سلطان محمد الهروی الحنفی نزیل مکه معظمه.
- ۸- فوائد الفکر فی ظهور المهدی المنتظر تالیف شیخ مرعی.
- ۹- المشرب الوردی فی مذهب المهدی، تالیف علی القاری العالم الشهیر.
- ۱۰- فوائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر تالیف المقدسی.

- ۱۱- منظومه القطر الشهدي في اوصاف المهدي، نظم شهاب الدين احمد خليجي حلواني شافعي.
- ۱۲- العطر الوردی بشرح قطر الشهدي، تالیف بلیسی.
- ۱۳- ارشاد المستهدی فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الوارد، فی شان الامام المهدي، تالیف محمد علی حسین البکری المدني.
- ۱۴- احادیث المهدي و اخبار المهدي، تالیف ابی بکر بن خثیمه.
- ۱۵- الاحادیث القاضیه بخروج المهدي تالیف محمد بن اسماعیل الیمانی (متوفای سنه ۷۵۱).
- ۱۶- الهدیه النديه فيما جاء فی فضل الذات المهديه تالیف ابی المعارف قطب الدین مصطفی بن کمال الدین.
- ۱۷- علی ابن عبد القادر البکری الدمشقی الحنفی (متوفای سنه ۱۱۶۲) ۳.
- ۱۸- الجواب المقنع المحرر فی الرد علی من طغی و تبخر بدعوی انه عیسی او المهدي المنتظر، تالیف شیخ محمد حبیب الله ابن مایابی الجکنی الشنقیطی المدني .
- ۱۹- النظم الواضح المبين، تالیف شیخ عبدالقادر بن محمد سالم.
- ۲۰- احوال صاحب الزمان، تالیف شیخ سعد الدین حموی.
- ۲۱- اربعین حدیث فی المهدي، تالیف ابی العلاء همدانی (بنقل ذخائر العقبی، ص ۱۳۶).
- ۲۲- تحدیق النظر فی اخبار المهدي المنتظر، تالیف محمد بن عبد العزیز بن مانع (مقدمه نیابیع الموده)
- ۲۳- تلخیص البیان فی اخبار الهدی آخر الزمان تالیف، علی متقی (متوفای ۹۷۵).
- ۲۴- الرد علی من حکم و قضی ان المهدي جاء و مضی، تالیف ملا علی قاری (متوفای ۱۰۱۴).
- ۲۵- رساله فی المهدي در ضمن مجموعه ای تحت شماره ۳۷۵۸ در کتاب خانه اسعد افندی سلیمانیه ترکیه.
- ۲۶- علامات المهدي تالیف سیوطی.
- ۲۷- کتاب للمهدي تالیف ابی داود (این کتاب از سنن ابی داود بوده مکرر چاپ شده است).
- ۲۸- المهدي تالیف شمس الدین ابن القیم الجوزیه (متوفای سنه ۷۵۱).
- ۲۹- المهدي الی ماورد المهدي تالیف، شمس الدین محد این طولون.
- ۳۰- انجم الثاقب فی بیان ان المهدي من اولاد علی بن ابیطالب.
- ۳۱- الهدیه المهدویه تالیف ابو الرجاء محمد هندی.

۳۲- الفواصم عن الفتن القواصم این کتاب را مولف آن مخصوص شرح حال محمد علی سید تالیف کرده است (السیره الحلبیه ص ۲۲۷، ج ۱).

حضرت مهدی علیه السلام به عقیده‌ی اهل سنت هم فرزند امام عسکری

است:

۱- **بخاری** (معروف به خواجه پارسای) می‌گوید:

«و مناقب المهدي رضي الله عنه صاحب الزمان، الخائف عن الاعيان، الموجود في كل زمان، كثيرة و قد تظاهرت الاخبار عن ظهوره و اشراق نوره يجدد الشريعة المحمدية و يجاهد في الله حق جهاده و يطهر من الادناس اقطار بلاده، زمانه زمان المتقين و اصحابه خلصوا من الريب و سلموا من العيب و أخذوا بهدية و طريقه و اهدوا من الحق الى تحقيقه، به ختمت الخلافة و الامامة و هو الامام من لدن مات ابوه الى يوم القيامة، و عيسى يصلى خلفه و يصدقه على دعواه و يدعوا الى صلته التي هو عليها، و النبي صلی الله علیه و آله صاحب الملة»: مناقب حضرت مهدی صاحب الزمان که از دیده‌ها پنهان و در هر زمانی حاضر است، فراوان است. احادیث بسیار زیادی رسیده که حضرت مهدی ظاهر می‌شود و نور وجودش همه جا را روشن می‌کند و دین اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله را تجدید می‌نماید و آن گونه که باید در راه خدا جهاد می‌کند و سراسر مملکت اسلامی را در زمان خود از آلودگی‌ها پاک می‌سازد و روزگار او روزگار پرهیزکاران است. کسانی که به امامت او معتقدند از هر نکوهش و سرزنشی پیراسته‌اند که راه حق را پیموده‌اند و به روش او گام برداشته‌اند و به راهنمایی او به شاهراه هدایت رسیده‌اند، امامت و پیشوایی امت اسلامی به وسیله‌ی او به پایان می‌رسد او از روز وفات پدر بزرگوارش تا روز رستاخیز امام است، حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد و او را در امامتش تصدیق می‌نماید و مردمان را به دین و شریعت او که همان شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله است دعوت می‌کند.

۲- **محي الدين عربی** می‌گوید:

«واعلموا انه لا بد من خروج المهدي لكن لا يخرج حتى تمتلئ الارض جوراً و ظلماً فيملأها قسطاً و عدلاً... و هو من عترة رسول الله من ولد فاطمة رضی الله تعالی عنها جده الحسين ابن علی بن ابیطالب و والده الامام حسن العسكري»^۱ بدانید و آگاه باشید که مهدی موعود قطعاً ظهور خواهد کرد، ولی او ظاهر نمی‌شود مگر این که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد که آن گاه او بیاید و آن را پر از عدل و داد کند، او از عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نسل حضرت فاطمه است. جدش امام حسین علیه السلام و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام است.

۳- فخر الدین رازی (متوفای سال ۶۰۶ هجری)

دانشمند متفکر، فیلسوف، مفسر و محقق عالی مقام اهل سنت، در کتاب «الفرق» ضمن شمارش فرقه‌های شیعه چنین می‌نویسد:

سیزدهم منتظران اند، اینان چنین عقیده دارند که امامت بعد از امام حسن عسکری علیه السلام ویژه‌ی فرزندان او است که از نظرها غایب است و روزی ظهور کند و غایب شود، امامیه‌ی زمان ما بر این مذهب‌اند و هم ایشان در دعا می‌گویند: «اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی و خدیجة الكبرى و فاطمة الزهرا و الحسن الزکی و الحسين الشهيد بکربلا و علی بن الحسين زین العابدین و محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن الجعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی و علی بن محمد النقی و الحسن بن علی و محمد بن الحسن العسكري الامام القائم المنتظر...»^۲

۴- کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفای سال ۶۵۰ هجری) که از

اجله‌ی علما و فقهای معروف و مشهور اهل سنت به شمار می‌آید در کتاب (مطالب السئول فی مناقب آل الرسول) باب دوازدهم درباره‌ی حضرت حجت علیه السلام می‌نویسد: «ابو محمد حسن عسکری علیه السلام متولد در سال ۲۳۱... منقبت و مزیت بسیار بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده ... این است که مهدی از نسل او و فرزند او است»^۳.

۱. البواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲.

۲. این کتاب توسط آقای سید محمد باقر سبزواری ترجمه و چاپ شده است.

۳. مطالب السئول، ص ۳۰۹.

۵- **خیر الدین زرکلی معاصر:** در کتاب «الاعلام» که آن را در ده جلد نوشته و از تمام رجال تاریخ نام برده تحت عنوان «مهدی منتظر» چنین می‌نویسد:

محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی، ابوالقاسم و صاحب الزمان و منتظر و حجت و صاحب سرداب است در سامرا متولد شد. هنگامی که پدرش وفات یافت او پنج سال داشت. وقتی به سن ۹، ۱۰ و یا ۱۹ سالگی رسید وارد سردابی در خانه‌ی پدرش در سامرا گردید و دیگر از آن بیرون نیامد.

مهدی موعود به روایت شیعه و سنی

۱- مهدی موعود از عرب است.

بر اساس روایات متواتر، مهدی علیه السلام از عرب است.

مردی محضر مبارک حضرت امیر مؤمنان شرفیاب گردید و عرضه داشت یا امیرالمؤمنین ما را از مهدی خودتان آگاه کنید. حضرت فرمود: «هنگامی که رفتنی‌ها رفتند و منقرض شدند و مؤمنین اندک گردیدند و طرفداران حق از میان رفتند، پس آن وقت است آن وقت».

عرضه داشت یا امیرالمؤمنین! مهدی علیه السلام از چه طایفه‌ای است؟ فرمود: «مهدی علیه السلام از بنی‌هاشم قله‌ی شامخ نژاد عرب است»^۱.

۲- مهدی علیه السلام از اولاد کنانه است.

مقدس شافعی در کتاب عقد الدرر نقل کرده که قتاده گوید:

﴿قلت لسعيد بن المسيب: المهدي حق؟ قال: حق. قلت: ممن؟ قال: من كنانه. قلت: ثم ممن؟ قال: من قريش. قلت: ثم ممن؟ قال: من بني هاشم. قلت: ثم ممن؟ قال: من ولد فاطمه عليها سلام﴾: از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی بر حق است؟ گفت: آری. گفتم: مهدی از چه طایفه‌ای است؟ گفت: از کنانه. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از قریش. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از بنی‌هاشم. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از فرزندان فاطمه است.^۲

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. عقد الدرر، ص ۴۲.

۳- مهدی از قریش است.

ابن حجر هیثمی کلی در کتاب «الصواعق المحرقة» از دو تن از دانشمندان بزرگ اهل سنت (احمد و ماوردی) روایت کرده است که پیامبر گرامی اسلام در باره‌ی بشارت ظهور حضرت مهدی فرمود: ﴿ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی، یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال فیملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً و یرضی عنه ساکن الارض و السماء و یقسم المال صحاحاً بالسویة﴾^۱ بشارت باد شما را به مهدی. او مردی از قریش و از عترت من است که پس از اختلاف زیاد و عدم امنیت ظهور خواهد نمود. زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می‌گردند و اموال را به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کند.

۴- مهدی از بنی‌هاشم است.

قتاده گوید: ﴿قلت لسعید بن المسیب: أ حق المهدی؟ قال: نعم، هو حق. قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من ای قریش؟ قال: من بنی‌هاشم: از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی بر حق است؟ گفت: آری او حق است. گفتم: مهدی از چه طایفه‌ای است؟ گفت: از قریش است. گفتم: از کدام تیره‌ی قریش؟ گفت: از بنی‌هاشم.

۵- مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است.

مقدسی در کتاب عقد الدرر از جماعتی از اهل حدیث مانند ابن ماجه در کتاب سنن، حافظ طبرانی در کتاب معجم، و ابونعیم اصفهانی از انس بن مالک از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: ﴿نحن سبعية بنو عبدالمطلب سادات اهل الجنة: أنا و أخي علی و عمی حمزه و جعفر و الحسن و الحسين و المهدی﴾: ما هفت تن فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم، من، برادرم علی، عمویم حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی.^۲

۶- مهدی از فرزندان ابوطالب است.

در کتاب عقد الدرر، روضه‌ی کافی، ارشاد مفید و بحار الانوار، از سیف بن عمیره روایت کرده‌اند که گفت: نزد ابوجعفر دومین خلیفه‌ی عباسی بودم که خود آغاز به سخن کرد و گفت:

۱. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۳۷، باب السند احمد بن حنبل.

۲. عقد الدرر، ص ۱۹۴.

ای سیف! به ناچار ندا کننده‌ای از آسمان به نام مردی از فرزندان ابوطالب ندا خواهد کرد. گفتم: ای امیر!... شما هم این مطلب را روایت می‌کنی؟ گفت: آری، به خدایی که جان من در دست قدرت اوست! من این موضوع را با دو گوش خود شنیدم... این ندا متوجه مردی از عموزادگان ماست. گفتم: مردی از فرزندان فاطمه است؟ گفت: آری ای یوسف!

۷- مهدی از عترت پیامبر است.

در کتاب عقد الدرر از ابو سعید خدری روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: ﴿لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض ظلماً و عدواناً ثم يخرج من عترتي او اهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً﴾^۱ رستاخیز به پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و دشمنی گردد. در آن هنگام مردی از عترت یا اهل بیت من قیام می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و دشمنی شده است.

۸- مهدی از اهل بیت پیامبر است.

در سنن ترمذی از قول عبدالله بن مسعود آمده است که رسول خدا فرمود: ﴿لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً مني او من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً﴾^۲ اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را به حدی طولانی می‌سازد تا این که در آن روز مردی را از فرزندان من یا از اهل بیت من و هم نام من است برانگیزاند که زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.

۹- مهدی هم نام پیامبر است.

در سنن ترمذی و سنن ابوداود و بسیاری از منابع دیگر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: ﴿لا تذهب الدنيا، حتى يملك العرب العرب رجل من اهل بيتي يوطئ اسمها اسمي﴾^۳ دنیا به آخر نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیت من، زمام امور عرب را به دست گیرد. او هم نام من است.

۱. عقد الدرر، ص ۱۴۹.

۲. عقد الدرر، ص ۳۶.

۳. التاج، ج ۵ ص ۳۴۳.

۴. صحیحہ سلم کتاب فضایل با فضایل علی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۱۰- مهدی از فرزندان پیامبر است.

در کتاب عقد الدرر و تذکرة الخواص از قول عبدالله بن عمر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: ﴿يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي، اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ﴾^۱ در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می نماید. نام او هم نام و کنیه‌ی من همانند کنیه‌ی من است. او زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد و او همان مهدی است.

۱۱- مهدی از فرزندان حضرت علی است.

در کتاب ینابیع المودة از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمود: ﴿ان عَلِيًا وَصِيٌّ وَ مِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا انَّ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ الْقَوْلُ بِهٖ اِمَامَتُهُ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَا عِزَّ مِنَ الْكِبْرِيَّةِ الْحَمْرِ﴾^۲ علی وصی من است و از فرزندان اوست قائم منتظر مهدی که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. قسم به پروردگاری که مرا به حق بشارت دهنده و بیم دهنده مبعوث نمود. کسانی که در زمان غیبت او ثابت قدم بمانند، از کبریت احمر کیمیاترند.

۱۲- مهدی از فرزندان فاطمه است.

در سنن ابوداود از قول ام سلمه آمده است که گفت: شنیدم که رسول خدا می فرمود: ﴿المهدي من عترتي من ولد فاطمه﴾^۳ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است.

۱۳- مهدی از فرزندان حسنین است.

در کتاب ذخایر العقبی از قول ابو ایوب انصاری آمده است که رسول خدا فرمود: ﴿يُولَدُ مِنْهُمَا (الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ) مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ﴾^۴ مهدی این امت از این دو تن (حسن و حسین) به دنیا

۱. تذکرة الخواص، ص ۳۶۳.

۲. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۱۰۹.

۳. سنن ابو داود، ج ۴، ص ۸۷.

۴. عقد الدرر، ص ۴۶.

خواهد آمد.

۱۴- مهدی از فرزندان امام حسین است.

حذیفه بن یمان روایت کرده است که گفت: روزی رسول خدا برای ما خطبه خواند و آن چه تا روز قیامت اتفاق افتاد برای ما بیان نمود، بعد از آن فرمود: اگر از عمر دنیا بیشتر از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من را برانگیزد که نام او نام من است. سلمان برخاست و گفت: یا رسول الله! از کدام فرزند تو به دنیا خواهد آمد؟ فرمود: از این فرزندم، و دست خود به امام حسین زد.

۱۵- مهدی نهمین فرزند امام حسین است.

از حضرت سجاد علیه السلام مروی است که او از پدر بزرگوارش امام حسین بن علی روایت کرده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به وی فرمود: «التاسع من ولدک یا حسین! هو القائم بالحق و المظهر للدين و الباسط للعدل»: ای حسین! نهمین فرزند تو قائم به حق است. او آشکار کننده دین و گستراننده عدل است...

۱۶- مهدی از فرزندان حضرت امام سجاد است.

جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که جندل بن جناده بن جبیر یهودی محضر مبارک حضرت رسول وارد شد و گفت: یا محمد! ... شب گذشته حضرت موسی را در خواب دیدم که فرمود: ای جندل! به دست محمد خاتم انبیاء اسلام بیاور و به اوصیایی که بعد از او خواهند بود چنگ بزن. گفتم: اسلام می آورم. حمد خدای را که اسلام آوردم و خداوند مرا به وسیله تو هدایت کرد. سپس گفت: یا رسول الله! مرا از اوصیای خود خبر ده تا به آنها تمسک جویم. رسول خدا فرمود: اوصیای من دوازده نفرند. گفت: ما نیز در کتاب تورات چنین یافته ایم یا رسول الله! آنها را برایم نام ببرید. حضرت فرمود: «اولهم سید الاوصیاء ابوالائمة علی ثم ابناه الحسن و الحسین فتمسک بهم و لا یغرنک جهل الجاهلین، فاذا ولد علی بن الحسین زین العابدین یقضى الله علیک و یكون آخر زادک من الدنيا شربة لبن تشربه»: اول آنها سید الاوصیاء و پدر امامان علی است. سپس دو پسر او حسن و حسین اند. به آنها تمسک جوی و جهالت جاهلان تو را فریب ندهد. هنگامی که فرزند حسین، علی زینب عابدان به دنیا آمد پایان عمر تو است و آخرین

توشه‌ی تو از دنیا شیری خواهد بود که می‌نوشی.

جندل گفت: ما در تورات و در کتب انبیاء یافته‌ایم که «ایلیا و شبر و شبیر» اسامی علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است. نام امامان پس از حسین علیه السلام چیست؟ حضرت فرمود: «إذا انقضت مدة الحسين فالامام ابنه علی، و یلقب بزین العابدین فبعده ابنه محمد یلقب بالباقر فبعده ابنه جعفر یدعی بالصادق فبعده ابنه موسی یدعی بالكاظم فبعده ابنه علی یدعی بالرضا فبعده ابنه محمد یدعی بالتقی و الزکی فبعده ابنه علی یدعی بالنقی الهادی فبعده ابنه الحسن یدعی بالعسکری فبعده ابنه محمد یدعی بالمهدی و قائم و الحجة فیغیب ثم یرج فاذا خرج یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً...»: وقتی که مدت حسین به سر رسید، امام فرزندش علی خواهد بود که ملقب به زین العابدین است، بعد از او فرزندش محمد است که ملقب به باقر است، بعد از او فرزندش جعفر است که صادق خوانده می‌شود، بعد از او فرزندش موسی است که کاظم خوانده می‌شود، بعد از او فرزندش علی که رضا خوانده می‌شود و بعد از او فرزندش محمد که تقی و زکی خوانده می‌شود، بعد از او فرزندش علی که نقی و هادی خوانده می‌شود، بعد از او فرزندش حسن که عسکری خوانده می‌شود، بعد از او فرزندش محمد است که به مهدی، قائم و حجت خوانده می‌شود. او از دیده‌ها پنهان می‌شود و سپس ظاهر می‌گردد. هنگامی که ظهور کند زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

سپس فرمودند: خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او صبر کنند و خوشا به حال کسانی که بر محبت آنها ثابت و پا بر جا بمانند.^۱

۱۷- مهدی از فرزندان امام محمد باقر است.

از جابر بن یزید جعفی نقل شده است که گفت: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می‌گفت: رسول خدا به من فرمود: ای جابر! اوصیای من و امامان مسلمین بعد از من، اول آنها علی بن ابیطالب است. بعد از او حسن و بعد از او حسین سپس علی بن الحسین و بعد از او محمد بن علی است که معروف به باقر است، ای جابر! تو او را درک خواهی کرد و چون او را دیدی، سلام مرا به او برسان. بعد از او جعفر بن محمد، بعد از او موسی بن جعفر، بعد از او علی بن موسی و بعد از او محمد بن علی و بعد از او حسن بن علی بو بعد از او

قائم است که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه‌ی من است. او همان کسی است که خدا به دست او، شرق و غرب جهان را می‌گشاید. او همان کسی است که از دوستان خود غایب می‌شود.^۱

۱۸- مهدی از فرزندان حضرت امام صادق علیه السلام است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «خلف صالح از فرزندان من است و او همان مهدی است.»^۲

حبان سراج گوید: از سید اسماعیل بن محمد حمیری شنیدم که می‌گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! برای ما اخباری از پدرانیت درباره‌ی غیبت رسیده و به صحت پیوسته است، بفرمایید کدام غایب می‌شود؟ حضرت فرمود: «ششمین فرزند من که دوازدهمین امام هدایتگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، غایب می‌شود.»

البته احادیث زیادی بیانگر این موضوع است و ما در این جا مختصراً بیان کردیم.

۱۹- مهدی از فرزندان موسی بن جعفر امام کاظم علیه السلام است.

حدیثی از امام صادق علیه السلام است که نمایانگر این واقعیت است که حضرت مهدی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پنجمین فرزند آن حضرت است: «صاحب ما ظهور می‌نماید و او از صلب این است (و با دست خود اشاره به امام موسی کاظم نمود)» آن گاه فرمود: «زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد و دنیا برای او هموار می‌گردد.»^۳

۲۰- مهدی از فرزندان امام رضا علیه السلام است.

در کتاب فرائد السمطين نقل شده که از امام رضا علیه السلام سؤال شد که کدام یک از شما اهل بیت قائم است؟ آن حضرت فرمود: «قائم، چهارمین فرزند من است. او پسر بانوی کنیزان است و خداوند به دست او، زمین را از هر گونه ظلم و ستم پاک می‌گرداند...»^۴

۲۱- مهدی از فرزندان امام جواد است.

حضرت جواد الائمه علیه السلام به عبدالعظیم حسنی (مدفن در ملک ری) فرمود: «ای ابوالقاسم! قائم ما اهل بیت، همان مهدی موعودی است که همه در زمان غیبت او منتظرش باشند و زمان

۱. ینایع المودة، ج ۳، ص ۳۹۸، آخرین باب ۹۴.

۲. ینایع المودة، ج ۳، ص ۳۹۸.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۸.

۴. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۷.

ظهورش، از او فرمانبرداری نمایند، او فرزند سومی من است...»^۱.

۲۲- مهدی از فرزندان امام علی الهادی است.

در کتاب کمال الدین از حقر بن ابی دلف روایت کرده است که گفت: از حضرت ابوجعفر محمد بن علی (امام جواد) شنیدم که می‌فرمود: «امام بعد از من پسر م علی است، فرمان او فرمان من و گفتار او گفتار من و اطاعت او اطاعت من است سپس خاموش شد». من عرض کردم: ای پسر رسول خدا ﷺ! امام بعد از علی علیه السلام کیست؟ فرمود: «امام بعد از او فرزندش حسن علیه السلام است». عرض کردم: ای پسر پیامبر! امام بعد از حسن کیست؟ آن حضرت به سختی گریست و فرمود: «بعد از حسن، پسرش قائم به حق و منتظر، امام است...»^۲.

البته این حدیث شریف فوق الذکر ادامه دارد و ما در این جا به همین اکتفا کردیم.

۲۳- مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است.

موفق بن احمد خوارزمی حنفی که اهل سنت او را صدر الائمه خوانده‌اند در کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» از ابی سلمی (شتربان رسول خدا ﷺ) روایت کرده است که گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «شبی که مرا به آسمان‌ها سیر دادند، خداوند عزیز جل ثنائه فرمود: پیامبر به آن چه از جانب پروردگارش به او فرو فرستاده شد، ایمان آورد. و من گفتم: مؤمنان نیز ایمان آوردند. خدای متعال فرمود: راست گفתי ای محمد! چه کسی را به جانشینی خود در میان امت گذاشتی؟ گفتم: بهترین آن‌ها را. خطاب رسید: علی بن ابیطالب را؟ گفتم: آری پروردگارا! فرمود: ای محمد! من نظر به زمین افکندم و از میان اهل زمین تو را برگزیدم و نامی از نام‌های خود برای برگفتم، پس من در جایی یاد نمی‌شوم مگر تو هم با من یاد شوی، من محمودم و تو محمد؛ باری دیگر به زمین نظر افکندم و علی را برگزیدم و نامی از نام‌های خود برای او برگرفتم، پس من اعلی هستم و او علی است. ای محمد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین را از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر آسمان‌ها و زمین‌ها عرضه داشتم، هر که آن را پذیرفت در نزد من از مؤمنان است و هر که نپذیرفت در نزد من از کافران است. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من، مرا آن قدر عبادت کند تا از پای درافتد و یا بدنش مانند مشکی خشکیده گردد، سپس در حالی که منکر ولایت شما است نزد من آید، او

۱. کمال الدین، ص ۳۷۷.

۲. کمال الدین عربی، ج ۳، ص ۳۷۸.

را نمی‌آمزم مگر آن که اقرار به ولایت شما نماید. ای محمد! آیا دوست داری که آن‌ها را ببینی؟ گفتم: آری پروردگارا! فرمود: به طرف راست عرش توجه نما! چون به طرف راست عرش خدا نگریستم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و مهدی علیهم السلام را دیدم که هاله‌ای از نور آن‌ها را احاطه کرده است و آن‌ها ایستاده نماز می‌خوانند و او (یعنی حضرت مهدی) در وسط آن‌ها مانند ستاره‌ای درخشان بود. سپس خداوند فرمود: ای محمد! این‌ها حجت‌های من هستند و مهدی انتقام گیرنده‌ی عترت تو است. به عزت و جلال سوگند! او حجتی است که ولایتش بر اولیای من واجب است و اوست که از دشمنان من انتقام خواهد گرفت»^۱.

۲۴- مهدی از ذوی القربی است.

در کتاب ینابیع المودة از بخاری و مسلم روایت کرده که ابن عباس در باره‌ی تفسیر این آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۲ از سعید بن جبیر سؤال شد. سعید گفت: منظور از ذوی القربی آل محمد صلی الله علیه و آله است.

و همچنین در همان کتاب از احمد حنبل در کتاب مسندش از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که گفت: موقعی که آیه‌ی ذوی القربی نازل شد گفتند: یا رسول الله! آنان که خداوند ما را به دوست داشتن ایشان مأمور کرده کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.^۳

از آن جایی که حضرت مهدی از فرزندان پیامبر، علی و فاطمه است، این آیه آن حضرت را شامل می‌شود.

۲۵- مهدی از ذریه‌ی پیامبر است.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: ﴿ان الله عز و جل جعل ذریة کل نبی فی صلبه و جعل ذریة فی صلب علی بن ابیطالب﴾^۴ خداوند ذریه‌ی هر پیغمبری را در صلب خودش

۱. مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۹۵.

۲. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. همان مدرک.

۴. صواعق المحرقة، ص ۱۵۶.

خودش قرار داد ولی ذریه‌ی مرا در صلب علی بن ابیطالب قرار داده است.

دیگر ادیان و بحث از حکومت مهدویت

بحثی که راجع به این موضوع مطرح است، گرفته شده از کتاب حضرت مهدی در ملل و مذاهب است که در این جا فهرستوار در خدمت خوانندگان عزیز قرار می‌دهیم انشاءالله.

مسئله‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان و پایان دادن به ظلم و ستم‌ها از مسائل اساسی ادیان و اسلام است و تمامی ادیان و محلل نحل که در این کره‌ی زمین حکومت می‌کنند، وقوع حتمی و قطعی آن را خبر داده‌اند.

بر اساس تعالیم انبیاء و نویدهای کتب آسمانی، ظلم و طغیان و ستم‌ها که نسبت به آینده‌ی بشر در جهان دیده می‌شود اوضاع کنونی جهان قابل دوام نخواهد بود و دیر یا زود گردونه‌ی زمان به نفع محرومان خواهد چرخید و چهره‌ی جهان دگرگون خواهد شد و مفسد اجتماعی و کشمکش‌های فعلی جهان به آرامش و امنیت مبدل خواهد شد.

نگاه کوتاه در کتاب‌های مذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می‌دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب شد، ظلم و جور فرا رسید، جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانگر مردمان را به ستوه آورد و زمامداران جهان از اداره‌ی امور مملکت‌ها ناتوان شد و برای خاموش ساختن ناچار گردیدند در چنین موقعیت حساس و بحرانی یک مصلح بزرگ جهانی با اتکا به قدرت لا یزال الهی قیام خواهد کرد.

خوشبختانه هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می‌کنیم کتب آسمانی را سراسر مملو از امید و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده‌های ظهور آن مصلح جهانی می‌بینیم.

آری! با توجه به بررسی و تحقیق محققین، نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر علاوه بر قرآن مجید در تمام کتب مذهبی اهل ادیان مانند: کتاب زند، کتاب جامالیک، کتاب شاکمونی، کتاب جوک، کتاب وید براهمه و ... در همه‌ی این کتاب‌ها نویدها و بشارت‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عبارات و مضامینی که همه‌ی اصالت و حقیقت «مهدویت» را تأیید می‌کنند و آن را یک عقیده‌ی عمومی مشترک بین همه‌ی امت‌ها و ملت‌ها می‌دانند به روشنی بیان شده است.^۱

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی.

اگر چه غیر از قرآن مجید، همه‌ی کتاب‌های دیگر آسمانی مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته است ولی باز هم مطالبی در آن دیده می‌شود که از دستبرد دیگران مصون مانده و در آن‌ها عبارات و جملات از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می‌خورد.

مهدی موعود علیه السلام و کتب مقدسه‌ی هندیان

در کتاب‌های مقدس در میان هندیان به عنوان کتاب‌های آسمانی، و آدرگان آن‌ها به نام پیامبر شناخته شده است، تصریحات زیادی برای وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام و مسئله‌ی ظهور مبارک آن حضرت آمده که قسمتی از آن را در اختیار خوانندگان محترم می‌گذاریم.

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اوپانیشاد

در این کتاب با توجه که یکی از کتب معتبر؟؟ هندوها به شمار می‌رود، می‌خوانیم:

«این مظهر و شینو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی به صورت ستاره‌ی دنباله‌دار در دست ظاهر می‌شود، و شیران را تماماً هلاک می‌سازد، و خلقت از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد»^۱.

مقصود از مظهر و شینو، وجود مقدس حضرت حجت است و این اوصاف طبق روایات وارده شامل آن حضرت است که مختصراً بیان خواهد شد.

۱. مهدی در آخر الزمان ظاهر می‌شود:

ابو سعید خدری از حضرت رسول خدا نقل کرده است که آن حضرت فرمود: در آخر الزمان مردی جوان، با چهره‌ای زیبا و بینی کشیده که از عترت من است قیام می‌کند زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.^۲

۲. مهدی بر اسب دست و پا سفیدی سوار است:

عنوان دوم که در کتاب «اوپانیشاد» آمده در اخبار معصومین علیهم السلام نیز بدان اشاره شده که برای نمونه حدیثی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که در مورد ظهور مبارک

۱. اوپانیشاد: ترجمه محمد اوراشکوی از متن سانسکریت، ج ۲، ص ۶۴۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۱۱۱.

حضرت علیه السلام و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف اشرف به سوی مسجد سهله فرموده است: ﴿کانی به قد عبر من وادی السلام الی مسجد السهله علی فرس محجل له شمراخ بزهر و هو یدعو و یقول فی دعائه...﴾^۱ گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشنده ای دارد و همه ی درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بیند و او در آن حال دعا می خواند...

۳. مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند.

در کتاب کفایة الاثر از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین نقل کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود: ﴿یا علی! ان قائمنا اذا خرج یجتمع الیه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا عدد رجال بدر، فاذا کان وقت خروجه یكون له سیف مغمور؟؟ ناداه السیف: قم یا ولی الله! فاقتل اعداء الله﴾^۲ ای علی! هنگامی که قائم ما خروج کند، ۳۱۳ نفر به تعداد مردان جنگ بدر در اطراف او گرد آیند. چون زمان ظهور او فرا رسد شمشیرش که در غلاف است او را صدا می زند: ای ولی خدا! برخیز و دشمنان خدا را طعمه ی شمشیر کن.

و برای استشهاد برای این دلائل کتاب اوپانیشاد روایت متعددی داریم که حقیر در این جا به همین چند حدیث به عنوان نمونه اکتفا نمودم.

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «باسک»

در کتاب «باسک» که از کتب مقدسه ی آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«دور دنیا تمام می شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آن چه در دریا و زمین ها و کشورها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان ها و زمین و آن چه باشد خبر دهد، و از او بزرگ تر به دنیا نیاید»^۳.

۱. دلائل اللعامة، ص ۲۴۴.

۲. الزامه الناصب، ج ۱، ص ۴۰۴.

۳. علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

ناگفته پیدا است که منظور از آن پادشاه عادل، موعود همه‌ی ملت‌ها، وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن العسکری است که در رابط این بیان کتاب «باسک» احادیث زیادی را قبلاً ذکر نمودیم.

که پادشاه عادل که زمین را پر از عدل و داد می‌کند و در پایان همه‌ی دولت‌ها می‌آید و حق و راستی همراه اوست و تمامی گنج‌های عالم در اختیار اوست آن جر حضرت مهدی کس دیگری نیست.

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب «پاتیکل»

این هم از کتب معتبر هندوها است. در این کتاب می‌خوانیم:

«چون مدت روز تمام شود، دنیا کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر». یعنی وصی بزرگ‌تر وی که «پشن» نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه «راهنما» است، به حق پادشاه شود، و خلیفه‌ی «رام» باشد و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ‌روی باشد در نزد «رام» و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاد باشد، و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم علیه السلام و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بت‌خانه‌ی «سومنات» را خراب کند و «جگرنات» به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد. پس آن را بکشند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند»^۱.

۱- مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

۲- پشن، نام هندی حضرت علی بن ابیطالب است.

۳- صاحب ملک تازه آخرین حجت خداوند حضرت ولی عصر است و راهنما نیز نام مبارک حضرت مهدی است که بزرگ‌ترین نماینده‌ی راهنمایان الهی و نام مقدس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.

۴- کلمه‌ی «رام» به لغت سانسکریتی نام اقدس حضرت احدیت (خداوند) است.

۵- جمله‌ای که «هر که به او پناه برد، و دین پدران او را اختیار کند در نزد «رام» سرخ‌روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش اسلام دعوت می‌کند.

۶- سومنات، بنا به نوشته‌ی علامه دهخدا در کتاب لغت‌نامه، نام بت‌خانه‌ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد و «منات» را که بت‌های مشهور است و در آن بت‌خانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفرس شده و آن نام بتی بوده و معنی ترکیبی آن (سوم، نات) است: نمونه‌ی قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر ر گویند، و نات تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت‌نامه‌ی دهخدا، ماده‌ی «سومنات» مراجعه فرمایید.

(د) بشارت ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام در کتاب «وشن جوک»

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می‌دانند، درباره‌ی بشارت ظهور حضرت «بقیة الله» علیه السلام و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت دوست دار آن حضرت، چنین آمده است:

«آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست و از بندگان خاص او باشد نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین‌ها اخراج کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه ر زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت است از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند»^۱.

دو کلمه‌ی «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمد و محمود) ترجمه می‌شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، و شاید هم اشاره به «محمد» و «احمد» باشد؛ زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی علیه السلام دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمد» می‌باشد.

در این زمینه، در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که بر فرزند منبر فرمود: «مردی از دودمان من در آخرالزمان ظهور می‌کند که رنگش سفید مایل به سرخی-

گندمگون - و شکمش کمی چاق و بر آمده؛ ران‌هایش پهن، استخوان شانه‌هایش درشت، و در پشت وی دو خال است؛ یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. و نیز دو نام دارد: یکی مخفی و دیگری ظاهر، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمد» می‌باشد. چون پرچم خود را به اهتزاز در آورد، شرق و غرب جهان را روشن سازد و دست بر سر مردم گذارد، پس دل مؤمنان از آهن قوی تر گردد، خداوند، نیروی چهل مرد به آنان عطا فرماید، مرده‌ای نیست که (با ظهور او) شادی به دل و قبرش راه نیابد، ارواح آنها در قبور به دیدار یکدیگر می‌روند و قیام حضرت قائم علیه السلام را به همدیگر مژده می‌دهند.^۱

اما تعیین مدت دولت مهدی علیه السلام و همچنین تفسیر «کرور» به چهار هزار سال با روایات اسلامی و اصطلاحات ریاضی توافق ندارد؛ زیرا در روایات اسلامی در مورد مدت حکومت حقّه به اختلاف سخن رفته و به طور قطع مدت حکومت آن حضرت مشخص نیست، و کرور نیز طبق اصطلاحات ریاضی در زمان گذشته عبارت از پانصد هزار است که با تفسیر مذکور موافقت ندارد.

ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در کتاب «دید»

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه‌ی هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد برآید».^۲

در برخی از روایات اسلامی، ائمه‌ی معصومین علیهم السلام «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی علیه السلام خوانده، و آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسِفُ فِي الْقَتْلِ اِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۳ را به آن حضرت تفسیر نموده‌اند که آن یگانه باز مانده‌ی حجج الهی، ولی خون مظلومان و منصور و مؤید من عند الله است.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵، ح ۴.

۲ - بشارت عهدین، ص ۲۴۵؛ او خواهد آمد، ص ۶۶، علائم ظهور کرمانی، ص ۱۸.

۳ - سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب المحجّة ص ۱۲۷-۱۲۹ مراجعه فرمایید.

و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

﴿اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم و كلمت به

احلامهم﴾^۱

« هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و خرده‌های آنها را گرد می

آورد و اخلاقشان را کامل می‌گرداند، و به وسیله‌ی او به رشد و کمال می‌رسند».

و در ضمن حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

﴿... وَ تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْأَةَ لِتَقْضَىٰ فِي بَيْتِهَا بَكْتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ﴾^۲

«در زمان او آن قدر به شما دانش و فرهنگ داده می‌شود که زن خانه دار در خانه‌ی خود با

کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دآوری می‌کند».

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام فرمود:

﴿إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَائِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، حَتَّىٰ لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ

بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ﴾^۳

«هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آنچنان گوشها و چشمهای شیعیان ما را تقویت می-

کند که میان آنها و حضرت قائم علیه السلام واسطه‌ای نخواهد بود، او با آنها سخن می‌گوید و آنان

سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خودش می‌باشد [و آنها در نقاط

دیگر]».

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

﴿إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرَىٰ أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَ كَذَا الَّذِي

فِي الْمَغْرِبِ يَرَىٰ أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ﴾^۴

۱. اکمال الدین، ص ۶۷۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۴۰.

۴. حق الیقین، ج ۱، ص ۲۹۹.

«در زمان حضرت قائم علیه السلام یک انسان مؤمن در حالی که در مشرق است برادر دینی - خود را که در مغرب است می بینید، همچنین کسی که در غرب عالم است برادرش را که در شرق زمین است، می بیند».

و در یک حدیث دیگر آمده است که فرمود:

«العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جئت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قائم قائماً أخرج الخمسة و العشرين حرفاً، فبثها في الناس و ضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة و عشرين حرفاً»^۱.

«علم و دانش ۲۷ حرف [شاخه] است؛ تمام آنچه پیامبران برای مردم آوردند و آشکار ساختند تنها دو حرف بیش نبوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند. ولی هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را نیز آشکار ساختند و آنها را در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف دی گرا به آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف علم کامل شود».

و در آن یک حدیث جالب دیگر که از آن حضرت ر مورد فرمانروایی فرمانروایان حضرت حجت بن الحسن علیه السلام وارد شده، چنین آمده است:

«القائمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»^۲.

«قائم ما به وسیله ی رعب (در دل دشمنان) یاری میشود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و گنجهای زمین برای او ظاهر می شود، و دولت او به شرق و غرب عالم می رسد».

ناگفته نماند که مضمون این بشارت و همچنین بشارت های دیگری که در کتب مقدسه ی اهل ادیان آمده است در بسیاری از روایات اسلامی به صورت گسترده ای وارد شده، و ما در فرصتهای مناسب برخی از آنها را ذکر خواهیم نمود، و آنچه در اینجا آوردیم فقط محض اطلاع است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲. بحار النوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح؛ بشارة السلام، ص ۹۹؛ و منتخب الثر، ص ۲۹۲.

و) بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب «دادتگ»:

که از کتب مقدسه‌ی برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت «قائم علیه السلام» چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی‌امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، پادشاهان، ظالم و بی‌رحم شوند، و رعیت بی‌انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتاطا»^۱

ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه‌ی جهان را) و بسیار کسان را بکشد. و خلائق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند.»^۲

آنچه در این بشارت و بشارتهای قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است؛ برخی تصور کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتی در دو حدیث بسیار مفصل و طولانی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سخن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می‌نماییم، و علاقه مندان می‌توانند به منابعی که در پاورقی آورده‌ایم، مراجعه فرمایند.^۳

ز) بشارت ظهور حضرت حجة الله علیه السلام در کتاب «ریگ ودا»

در کتاب «ریگ ودا» که یکی از کتب مقدسه هند است، بشارت ظهور حضرت حجة الله علیه السلام چنین آمده است:

۱- ممتاطا: در زبان هندی به معنی «محمّد» است.

۲- علایم الظهور کرمانی، ص ۱۸- او خواهد آمد، ص ۸۰.

۳- بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ج ۵۲، ص ۲۵۴ از امام صادق (ع) - کافی، ج ۸، ص ۳۶، ۴۲ -

مهدی موعود، ص ۱۰۴۵، ۱۰۳۶ و بسیاری از منابع دیگر از تفسیر و حدیث.

«ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره‌ی دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید»^۱

در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برخی از نشانه‌های ظهور وی سخن رفته است که در وقت ظهور با شمشیر آتشبار که بسان ستاره‌ی دنباله دار است، قیام می کند. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشیر) تعبیر دقیق و لطیفی است که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در احادیث اسلامی نیز آمده است.

زیرا بر اساس نصوص وارده و روایات متواتره‌ی اسلامی، ظهور مبارک آن یگانه منجی بشریت و مظهر قدرت خداوندی که برای نجات انسان‌ها از شرک، کفر، بت پرستی، ظلم و بیدادگری، و انحراف از جاده‌ی حق و حقیقت قیام خواهد کرد، با شمشیر خواهد بود.

در این زمینه، در حدیثی از اما صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه شریفه‌ی:

(و لنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر)^۲

فرمود:

«الأدنى: القحط و الجذب، و الأكبر: خروج القائم المهدي علیه السلام بالسيف في آخر الزمان»^۳

«عذاب پست تر، قحطی و خشکسالی است، و عذاب بزرگتر، قیام مهدی علیه السلام در آخر الزمان است».

بنابر این، شکی نیست که منظور از ظهور آن انسان ممتاز در بشارت مذکور، همان وجود مقدس قائم آل محمد علیه السلام است که با شمشیر قیام می کند.

و اما این که چگونه یک فرد می تواند بر سر تاس گیتی غلبه پیدا کند و تمام کشورها را فتح نماید و همه‌ی ملت‌ها را تحت فرمان خود در آورد بدون این که به سلاح روز مجهز بوده و ابزار و آلات جنگی مدرن در اختیار داشته باشد، سوالی است که پاسخ آن در روایات اسلامی آمده

۱- او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.

۲- سوره سجده آیه ۲۱.

۳- المحجة، ص ۱۷۳.

است، و ما در اینجا برای آن که خوانندگان گرامی را در انتظار نگذاریم جهت تقریب اذهان فقط به نکاتی چند در این مورد اشاره می‌کنیم که پیش از جواب قطعی باید به دقت مورد مطالعه قرار گیرد.

۱- باید توجه داشت که نبرد حضرت مهدی علیه السلام با کفار و ظلمه و طرفداران ظلم و بی‌عدلیت، نبرد حق و عقیده است، و کسانی که در هنگام ظهور گرد شمع وجودش جمع می‌شوند یاران فداکار و از جان گذشته‌ای هستند که با تمام وجود از روی ایمان و عقیده می‌جنگند، و با اراده‌ای آهنین و عقیده‌ای استوار در راه پیروزی حق پیکار می‌کنند، و بی‌باکانه به پیش می‌روند تا به یکی از دو هدف (با پیروزی و یا شهادت) نایل گردند.

۲- در هنگام ظهور در مکه‌ی مکرّمه پیش از خروج، بیش از ۹۰۰۰ نفر با آن حضرت بیعت می‌نمایند و حضرتش با لشکری مجهّز و مسلح به انواع سلاح‌های مدرن که بر تمام سلاح‌های روز برتری خواهد داشت مکه را به قصد مدینه ترک می‌کند، و در مدت دو ماه بین مکه، مدینه، بیت المقدّس، شام و کوفه را طی می‌کند، و مهی خاور میانه یک دل و یک جهت صف واحدی را تشکیل می‌هند و سپاه نیرومندی به وجود می‌آورند که تا آن زمان بی سابقه بوده است.

۳- در آستانه‌ی ظهور مبارکش، فتنه‌ها، شورش‌ها، جنگ‌ها و انقلاب‌های نظامی در همه جا مردم را خسته می‌کند، و زمینه برای ظهور یک مصلح الهی کاملاً هموار می‌شود، و مردمی که در زیر فشار جنگ و خفقان و اختناق و تبعیض و ستم به ستوه آمده‌اند با دمیدن آمدی فرج، سیل آسا به سوی آن مصلح الهی می‌شتابند و دست بیعت به دست با کفایت وی می‌هند که برای آنها خیر دنیا و آخرت فراهم آورد، و آنها را از بلاها و تشویشها و نگرانیها و گرفتاریها نجات دهد، و زور شمشیر و قدرت شکست ناپذیر الهی‌اش به جای خود بنشانند، و محرومان و مستضعفان و ستم‌دیدگان را از زیر یوغ زورمندان و سیطره‌ی جنایتکاران رهایی بخشد.

۴- آن حضرت برای اثبات حقانیت خود میراث‌های همه‌ی پیامبران الهی را از عهد یهود، مسیح و اسلام به همراه دارد. این میراث‌های گرانبها ربطی به آلات و ابزار جنگی ندارد و دلیل قاطعی بر الهی بودن انقلاب جهانی مهدی علیه السلام است که ناگهان یک انقلاب فکری و عقیتی در مغز مردم به وجود می‌آورد و استیلای معنوی را در بر دارد.

۵- سلاح‌های مدرن توأم با سلاح ایمان و همراه با تابوت آرامش و تأیید و نصرت الهی، در برابر بمب‌های اتمی و نیدروژنی و نیتروژنی می‌ایستد، و بر همه‌ی سلاح‌ها فایق می‌آید، و بدین سان، لشکر حق پیروز و سپاه باطل نابود می‌گردد، و ستمگران با شمشیر عدالت الهی که در کف

با کفایت ید الهی حضرت و لی عصر علیه السلام قرار گرفته به دیار نیستی فرستاده می‌شوند، و توده‌های مظلوم و ستم کشیده نفس راحتی می‌کشند، و پرچم توحید و یکتا پرستی و عدالت و آزادی واقعی در سرتاسر جهان به اهتزاز در می‌آید و ریاست و دولت حقه‌ی الهیه و زمامداری جهان بشریت، به امر خالق یکتا ویژه‌ی آخرین خورشید ولایت و امامت قائم آل محمد حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام خواهد بود.

آری! طبق روایات وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام قیم آخرین حجت خداوند با شمشیر است، شمشیر آتشیاری که به امر حضرت حق از غلاف به در آمده و در کف با کفایت ولی مطلق حق قرار گرفته و بی مهابا و بیداد را می‌شکافد، و طاغوتیان را رهسپار دیار عدم یم‌پگرداند، و ستمدیدگان را از سلطه‌ی ستم پیشگان رهایی می‌بخشد، و هیچ کس را هر چند قوی نیرومند باشد یارای مقابله‌ی با آن نیست.

«برای دفع برخی از توهمات که: چگونه در عصر اتم و بمب ئیدروژن و ترقی روز افزون سلاح‌های اتمی می‌توان پذیرفت که یک فرد آدمی بتواند جهان را با شمشیر مسخر گرداند؟ باید گفت:

اولاً، استعمال این گونه سلاح‌هایی که نابود کننده‌ی نسل انسانی است و دوست و دشمن از هم نمی‌شناسد، در خور بزرگترین پرچمدار عدل جهانی که هدفش تنها بر افکندن ستم و ستمکاران است، نمی‌باشد.

و ثانیاً، چنان قیامی هر چند زمینه‌ی مساعد داشته باشد خالی از خرق عادت و نصرت خاصه‌ی الهی نیست ...

و ثالثاً، پیشرفت حیرت انگیز و مهیب سلاح‌های جنگی بالاخره برای یک روزی بشریت را وادار خواهد کرد که برای حفظ خود از نابودی آنی و همگان، سلاح‌های اتمی آتشین را قدغن و بر ترک استعمال آنها اجماع و پیمان عمومی گیرد.

و رابعاً، اکثریت ملل عالم در آن قیام به منظور نجات یافتن از شر و فساد و زندگی جهنمی غیر قابل تحمل، با آن زمامدار بزرگ هماهنگ خواهد شد. و تنها گروهی اندک به جنگ و مبارزه علیه آن حضرت خواهد پرداخت. و چنان که عموم مسیحیان جهان به پیروی از حضرت مسیح علیه السلام که به نماز حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند، با آن حضرت بیعت و موافقت خواهند کرد.

آری! این مطلب مسلم است که [حضرت] مسیح علیه السلام در آن قیام جهانی از همکاران و

پیروان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود، چنان که روایات متواتره‌ی اسلام و همچنین آیاتی از انجیل که به نزول [حضرت] مسیح علیه السلام در زمان آخرین بشارت می‌دهد بر این دعوا گواه است. خواننده‌ی گرامی! آنچه تا به اینجا گفته شد توضیح فرازی از بشارت کتاب «ریگ ودا» از کتب مقدس هند در مورد قیام منجی بشر حضرت ولی عصر علیه السلام بود که با استفاده از آیات و روایات اسلامی به صورت مختصر بیان گردید.

و اما سایر فرازهای بشارت مزبور، در ضمن روایاتی که در آینده از زبان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام بازگو خواهیم نمود کم و بیش به تفصیل خواهد آمد، و از این رو، چیزی در اینجا به آن اضافه نمی‌کنیم و تفسیر آن را به دست روایاتی که بعداً خواهیم آورد، می‌سپاریم.

ح) بشارت ظهور آخرین حجت خدا علیه السلام در کتاب «شاکمونی»:

در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقدسه‌ی هندیان می‌باشد و به اعتقاد کفره‌ی هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می‌گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجت خدا حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده، گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد.»

«گشتن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام علیه السلام است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خداشناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم علیه السلام» و حضرت مهدی علیه السلام می‌خوانند.

و اما موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود مسعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرراً در بشارتهای انجیل از آن سخن رفته است؛ بلکه در روایات متواتره‌ی اسلامی نیز به صورت یک امر جدی و خارق العاده مطرح گردیده است، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در مواردی که از ظهور

مبارک آن ولی مطلق الهی سخن رانده‌اند، سیر و حرکت آن مصلح بزرگ جهانی را در ایام ظهور خارق العاده العاده دانسته، و به پیروان خود مژده داده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام با قدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسمان سوار است، ظهور خواهد فرمود.

اینک برای اثبات این مدعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگانه منجی عالم، به چند نمونه از احادیث وارده اشاره می‌کنیم:

علامه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:
خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود:...

«... و لاظهرن الأرض بأخرهم من أعدائي، و لأملكنه مشارق الأرض و مغاربها، و لأسخرن له الرياح، و لأدللن له السحاب الصعاب، و لأرقينه في الأسباب، و لأنصرنه بجندی، و لأنصرنه بجندی، و لأمدنه بملائكتي، حتى يعلن دعوتي، و يجمع الخلق على توحيدى، ثم لأدبمن ملكه، و لأد اولن الأيام بين أوليائي إلى يوم القيامة».

«...و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم؛ شرق و غرب جهان را به او تملیک می‌نمایم؛ بادهای را تسخیر او در می‌آورم؛ ابرهای سخت و ناآرام را برای او رام می‌گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می‌گذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم را مدد و تقویت می‌نمایم؛ تا دعوت مرا آشکار سازد و همه‌ی مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آنگاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می‌سازد».

۱- در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«اما ان ذا القرنين قد خير السحابين، فاختر الذلول و ذخر لصاحبكم الصعب».

فقيل له: و ما الصعب؟

فقال: ما كان من سحاب فيه رعد و صاعقة و برق، فصاحبكم يركبه! أما إنه سيركب

السحاب، ويرقى في الأسباب. أسباب السماوات السبع و الأرضين السبع»^۱.

«ذوالقرین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر ناآرام، و او ابررام را برای خود

برگزید و ابر ناآرام را برای صاحب شما نگه داشت.

گفته شد: ابر ناآرام چیست؟

فرمود: ابری که با رعد و برق و غرش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری! صاحب شما سوار ابر می‌شود، همه اسبها و ابزارها را زیر پا می‌گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را».

۲. بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «تورات»: در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می‌رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمد مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضمونهای آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می‌آرویم، و برخی از نکات آنها را توضیح می‌دهیم تا موضوع تشکیل حکومت واحد جهانی، تبدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، بر همگان روشن شود.

گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقات آن) همچون کتاب انجیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسی علیه السلام سخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مستقیم با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد، نگارنده نیز در ضمن بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام، فرازهایی از «تورات» را آورده است تا دانسته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان در آمده است همچون مسلمانان به «رجعت» و بازگشت حضرت مسیح علیه السلام معتقدند. و در این باره تردید ندارند که بالاخره روزی فرا می‌رسد که حضرت عیسی روح الله علیه السلام به زمین باز می‌گردد و برخی از آنها را تنبیه و از برخی دیگر انتقام می‌گیرد، هر چند که بسیاری از آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام و عیسی مسیح علیه السلام می‌بینند ایمان آورده و تسلیم می‌شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می‌گردند.

اینک به قسمتی از بشاراتی که در «تورات» و ملحقات آن آمده است، توجه فرمایید:

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در «زبور داود»

در زبور حضرت داود علیه السلام که تحت عنوان «مرامیز» در لابلای کتب «عهد عتیق» می‌توان

گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

و جالب این که، مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود است و از دستبرد تحریف و تفسیر مصون مانده است. قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.»

مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی علیه السلام است که زبور داود علیه السلام پیرو شریعت تورات بوده است.

این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می‌دهد که شر و فساد به کلی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشرار و ستمکاران نابود گشته‌اند، و وراثت زمین به افراد پاک و شایسته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می‌شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.

به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی از طریق شیعه و سنی این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داود علیه السلام نقل می‌کند، و عین همین عبارت در زبور موجود است. و اینک متن زبور:

«(۹) زیرا که که شریران منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندکست که شریر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمای ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۲) شریر بخلاف صادق افکار مذمومه می‌نماید، و دندانهای خویش را بر او می‌فشارد (۱۳) خداوند به او متبسم است چون که می‌بیند که روز او می‌آید (۱۴) شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند، و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد (۱۶) کمی صدیق از فراوانی

شریران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شریران شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است (۱۸) خداوند که روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صدیقان وارث زمین شده، ابدأ در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید (۳۸) اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد.

در فصل دیگر می‌فرماید:

«... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضرت خداوند. زیرا که می‌آید. زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود.»

و از جمله در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام و فرزند دادگسترش حضرت

مهدی علیه السلام، چنین می‌فرماید:

«(۱) ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک». و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما (۲) تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را انصاف حکم نماید (۳) به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند (۴) فقیران قوم را حکم نماید. و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند (۵) تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار که زمین را سیراب می‌گرداند خواهد بارید (۷) و در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتى سلامتى تا باقى نماندن ماه خواهد بود (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود (۹) صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید (۱۰) ملوک طریش و جزیره‌ها، هدیه‌ها خواهند آورد، و پادشاهان شبا و سبا پیشکشها تقریب خواهند نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود، و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد دارد (۱۳) به دلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد (۱۶) در زمین به سر کوهها مشت غله

کاشته می‌شود که محصول آن مثل اسنان متحرک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود (۱۷) اسم او ابدأ بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او ابدأ مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود (۲۰) دعای داوود پسر یسی تمام شد.^۱

توضیح مختصری پیرامون بشارت فوق:

در این بشارت چنان که بر ارباب فضل و دانش و اهل علم و اطلاع و کسانی که با قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام سرو کار دارند، مخفی نیست پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله علیه‌السلام به عنوان «ملک» و فرزند گرامش حضرت مهدی علیه‌السلام که بزرگ‌ترین و کامل‌ترین مظهر عدل الهی است به عنوان «ملک زاده» معرفی گردیده، و به بعضی از امتیازات و مشخصات دیگر وی نیز اشاره شده است.

ولی برخی از علما و دانشمندان «یهود» چنین پنداشته‌اند که: منظور از «ملک» در این آیه، حضرت داود علیه‌السلام، و منظور از «ملک زاده» فرزند وی حضرت سلیمان علیه‌السلام است، و رو این پندار نا درست خواسته‌اند آیات مذکور را از بشارت دادن به بعثت حضرت خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و نوید ظهور خاتم اوصیا حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه‌السلام منصرف کنند، ولی این اندیشه از چند جهت نادرست و غیر قابل قبول است؛ زیرا:

نخست: این که، حضرت داود علیه‌السلام از انبیای پیرو شریعت تورات بوده و خود او دارای شریعت و احکام نوینی نبوده است تا این که بگوید: «ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک» و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما»، و روی این اصل در خواست شریعت مستقل نوین در خور مقام آن حضرت نیست.

دوم: این که، در خواست شرع و احکام و عدالت که به صورت دعا بر زبان حضرت داوود علیه‌السلام جاری شده، چنان که از نحوه در خواست آشکار است، برای دو شخصیت عظیم آسمانی است که یکی دارای مقام سلطنت بر پیامبران و صاحب شرع و احکام جدید، و دیگری مظهر اتم عدالت، و صاحب مقام ولایت مطلقه، و مورد عموم ملل جهان است.

سوم: این که، عظمت، قدرت، شوکت و سلطنتی که در آیات مزبور برای «ملک زاده» ذکر

گردیده است نه با حضرت سلیمان علیه السلام و نه با هیچ یک از انبیای الهی وفق نمی‌دهد؛ زیرا نه مملکت حضرت سلیمان علیه السلام از مملکت پدرش حضرت داود علیه السلام بنابر اعتقاد اهل کتاب وسیع‌تر بوده و نه هم ظلم و ستم در عهد او شکسته شده است.

چهارم: این که، بر حسب آنچه برخی از علمای عهدین، عهد عتیق و عهد جدید تورات و انجیل احتمال داده و به وجوهی استدلال جسته‌اند، مزمور فوق کلام حضرت سلیمان علیه السلام سلیمان است نه کلام حضرت داود علیه السلام، و حضرت سلیمان که پس از مرگ پدر، صاحب مقام و کتاب گردیده است معقول نیست برای پدرش که از دنیا رفته است در خواست شرع جدید کند. و بر فرض این که بر خلاف احتمال آنان، مزمور فوق کلام حضرت داود علیه السلام باشد چنان که اشاره کردیم دعا برای دو شخصیت والایی است که ر آینده تاریخ بعد از او ظاهر خواهند شد.

پنجم: چنان که از آیه (۲۰) استفاده می‌شود تمامی آیات یاد شده به عنوان دعا بر زبان حضرت داود علیه السلام جاری شده و شایسته مقاوم نبوت که بالاترین مدارج کمال و عبودیت و بندگی است، این است که، در مقام دعا و استدعای از پروردگار، در کمال خضوع و خشوع و انکسار در برابر آفریدگار، زبان به تذلل و کوچکی بگشاید، و با زبان عجز و لابه و عاری از هر نوع خود بینی و خود پسندی مقاصد خویش را از خدای جهان بخواند، نه این که در برابر سلطان واقعی و مالک الملوک جهان خود را «پادشاه» و فرزند خود را «شاهزاده» بخواند.

ششم: این که، در چند آیه از بشارت مزبور، سلطنت و دعوت «ملک زاده» را عمومی و جهانی خوانده، و قدرت و جبروت روحانی وی را شامل پادشاهان و قدرتمندان و سلاطین مقتدر جهان دانسته، و سراسر کره مسکون را قلمرو دولت حقه وی معرفی نموده، چنان که در اخبار وارده از ائمه معصومین علیهم السلام نیز در حق شخصیت بی نظیر حضرت مهدی علیه السلام، چنین سخن رفته است.

هفتم: این که، در آیه (۷) به اصحاب خاص آن حضرت اشاره نموده که با ظهور نور پر فروغ مهدوی علیه السلام آن خورشید جهانتاب عدل الهی، صدیقان شکوفه کنند، و رحم اجتماع بزرگ جهانی، مردانی پاک سیرت، راست گفتار و درست کردار از خود نمایان سازد، و سعادت و سلامت، رفاه و خوشبختی، بهروزی و بهزیستی که مولود تسلط آن یگانه منجی عالم و دولت عدالت پیشه آن حضرت است تا انقراض جهان پایدار خواهد بود، چنان که در روایات اسلامی نیز آمده است: «دولتنا آخر الدول».

و هشتم: این که، در آیه (۱۷ و ۱۸) خاطر نشان ساخته است که تا جهان باقی است و خورشید در آسمان نور افشانی می کند، اشعه خورشید فروزان قائم آل محمد علیهم السلام بر روح و جان جهانیان خواهد تابید، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، و تمامی روی زمین از جلال و عظمتش پر خواهد شود، چنان که در روایات مستفیضه و متواتره اسلامی که در مورد ظهور آن مهر تابان رسیده است، کمتر حدیثی یافت می شود که در ضمن آن جمله «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً، کما ملئت ظلماً و جوراً» نیامده باشد.

بنابراین، جای هیچ گونه شک و تردید نیست که مقصود از «ملک» در مزمور ۷۲ از زبور داود علیهم السلام همان نور قدوسی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله سید رسولان و خاتم پیغمبران، و مقصود از «ملک زاده» حضرت صاحب الزمان «مهدی موعود علیهم السلام» دوازدهمین جانشین برحق و فرزند دلبند آن بزرگوار است که به خواست خداوند در روز معین و موعود، ظهور خواهد نمود، و سراسر روی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد، و گردن گردنکشان و گردن فرازان را خواهد شکست، و چون مهر و ماه بر روح و جان جهانیان خواهد تابید، و حکومت حقّه الهیه وی تا ابد و تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه

ناگفته نماند که نویدهای ظهور حضرت مهدی علیهم السلام در «زبور» فراوان است، و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر (۱۵۰) گانه، نوید ظهور آن موعود امم و منجی عالم موجود است، کسانی که طالب تفصیل بیشتری هستند می توانند به متن «مزامیر» در «عهد عتیق» مراجعه فرمایند.

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی علیهم السلام در کتاب «اشعیای نبی»

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارات فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی علیهم السلام آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نخست فرازی از آن بشارت‌ها را نقل نموده، و برخی از نکات آن را توضیح می دهیم تا معلوم شود که مسلمانان درباره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند.

در فرازی از بشارت کتاب اشعیا چنین آمده است:

«و نهالی از تنه «یسی» بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس

خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوشه‌های خویش، تنبیه نخواهد نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری باهم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و طفل شیر خوره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوع مقدس من، ضرر و فسادى نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند.^۱

منظور از «نهالی که از تنه یسی خواهد روید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیت‌های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام باشند؛ ولی دقت و بررسی کامل آیات فوق نشان می‌دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه آن بشارتها ویژه قائم آل محمد علیه السلام است؛ زیرا حضرت داود و سلیمان علیه السلام فرزندان پسری یسی، و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام نواده دختری وی، و قائم آل محمد علیه السلام نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش اولاد حواریون حضرت عیسی علیه السلام بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد، نواده دختری «یسی» می‌باشد.

در فرازی از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشه‌های خود تنبیه نخواهد نمود» و این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می‌کند و نیازی به شاهد و بینه ندارد و از کسی گواهی نمی‌طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که: «یحکم بکم داود و محمد صلی الله علیه و آله» یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می‌نماید.

و در فراز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حقه و دوران حکومت عدالت پیشه‌ی او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و گوساله و شیرپروری با هم، و... ضرر و فسادى نخواهند کرد»، این جمله نشان می‌دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانى، عدل و داد آن چنان گسترش می‌یابد که جانوران و درندگان را از دست می‌دهند، و زیان و ضرر به هیچ‌یک از موجودات نمی‌رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است:

﴿و تصطحق فى ملكه السباع، واصطلحت السباع، و تأمن البهائم﴾^۱

و در آخرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند»، این مطلب نشانگر این واقعیت است که در عهد با سعادت آن موعود آسمانى چنان تحول عظیم علمى و فرهنگى به وجود می‌آید که همه مردمان به خدای یگانه ایمان می‌آورند. درهای رشته‌های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده می‌شود، سطح معلومات بشرى بالا می‌رود، راهی را که بشریت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در زمان کوتاه می‌پیماید، عقلها کامل و اندیشه‌ها شکوفا می‌گردد، و کوبه بینى‌ها و تنگ نظرى‌ها از بین می‌رود، و انسانها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می‌رسند و به تمام ناکامیها، شکستها، ستمها، نادانیها و بدبختی‌ها پایان می‌دهند، و زندگی شرافتمندانه‌ی تازه-ای را آغاز می‌نمایند. چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

﴿اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم و کملت به احوالهم﴾^۲

«هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و خرده‌های آنها را گرد می‌آورد و اخلاقشان را کامل می‌گرداند، و به وسیله‌ی او به رشد و کمال می‌رسند». و در ضمن حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

﴿... و تؤتون الحکمة فى زمانه حتى أن المرأة لتقضى فى بيتها بكتاب الله و سنة رسول الله﴾^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۹۷، مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۸۳ و روضه کافی.

«در زمان او آن قدر به شما دانش و فرهنگ داده می‌شود که زن خانه‌دار در خانه‌ی خود با کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ داوری می‌کند».

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام فرمود:

«انما قائمنا اذا قام مد الله لشيعتنا في أسماعهم و أبصارهم، حتى لا يكون بينهم بين القائم برید، يكلمهم فيسمعون، و ينظرون اليه و هو في مكانه».

«هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آنچنان گوشها و چشمهای شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و حضرت قائم علیه السلام واسطه‌ای نخواهد بود، او با آنها سخن می‌گوید و آنان سخن او را بشنوند و او را ببینند، در حالی که او در مکان خودش می‌باشد. [و آنها در نقاط دیگر]».

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

«ان المؤمن في زمان القائم عليه السلام و هو بالشرق ليري أخاه الذي في المغرب، و كذا الذي في المغرب يري أخاه الذي في بالشرق»^۱.

«در زمان حضرت قائم علیه السلام یک انسان مؤمن در حالی که در مشرق است برادر دینی خود را که در مغرب است می‌بیند، همچنین کسی که در غرب عالم است برادرش را که در شرق زمین است، می‌بیند».

و در یک حدیث دیگر آمده است که فرمود:

«العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة و العشرين حرفاً، فبثها في الناس و ضم إليها الحرفين حتى يبتها سبعة و عشرين حرفاً»^۲.

«علم و دانش ۲۷ حرف [شاخه] است؛ تمام آنچه پیامبران برای مردم آوردند و آشکار ساختند تنها دو حرف بیش نبوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. ولی هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را نیز آشکار ساخته و آنها را در بین مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف علم کامل شود».

۱. همان مدرک

۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۷.

و در حدیث جالب دیگر که از آن حضرت در مورد فرمان‌روایی فرمان‌روایان حضرت حجت بن الحسن علیه السلام وارد شده، چنین آمده است:

«اذا قام القائم بعث فی اقالیم الارض، فی کل اقلیم رجلاً، یقول: عهدک فی کفک، فاذا ورد علیک امر لا تفهمه و لا تفرق القضا، فیه فانظر الی کفک و اعمل بما فیها»^۱.

«هنگامی که قائم قیام کند برای هر کشور از کشورهای کشور جهان فرمان‌روایی می‌فرستد و [به او] می‌گوید: دستور العمل تو در کف دست تو می‌باشد، هر گاه حادثه‌ای برای تو روی دهد که حکم آن را نفهمی و ندانی چگونه در مورد آن دآوری کنی، به کف دستت نگاه کن و به آنچه در آنست عمل کن».

ما معنای واقعی این حدیث را درک نمی‌کنیم، و نمی‌دانیم که حکم رویدادها چگونه ممکن است در کف دست آنها منعکس شود. آیا گاهی از رویدادها از طریق معجزه صورت می‌گیرد که در کف دست آنها نوشته می‌شود یا کتابی در دستشان خواهد بود که حکم هر حادثه‌ای در آن خواهد بود، و یا وسیله محهزی همچون دستگاه بی سیم یا مدرنتر و نیرومندتر و ظریفتر از آن در اختیار آنها قرار خواهد داشت که بدان وسیله با حجت خدا تماس خواهند گرفت؟

ولی به هر حال، این حدیث نشانگر این واقعیت است که در آن عصر درخشان، علم و دانش ترقی فوق العاده‌ای خواهد داشت که برای ما قابل درک و فهم نیست.

علاوه براین، از این روایات چند مطلب استفاده می‌شود که مختصراً آنها را توضیح می‌دهیم:

الف: هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد و رهبری مردم را به عهده بگیرد، مردم از پرتو وجود آن مصلح جهانی تکامل عقلی و علمی پیدا می‌کنند. شرک و کفر و الحاد و نفاق از میان برچیده می‌شود، فساد اخلاقی و بی‌بند و باری ریشه‌کن می‌گردد، عدالت اجتماعی شامل همه طبقات مردم می‌شود، همه مردمان خود را با اخلاق حمیده اسلامی می‌آریند، و فرهنگ و معارف اسلامی به نحو شایسته‌ای در بین مردم رواج پیدا می‌کند، و دین اسلام و کلمه توحید در همه جا حکم فرما می‌شود.

ب: وسایل ارتباطی جمعی و رسانه‌های گروهی به اندازه‌ای قوی و نیرومند و پیشرفته خواهد بود که چیزی بنام اداره پست، تلگراف و تلفن و امثال آنها وجود نخواهد داشت و همه مردم در

هر جا که باشند و در هر شهری که زندگی کنند وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام را مشاهده خواهند کرد و صدای ملکوتی او را خواهند شنید. با او در ارتباط خواهند بود و تعالیم دینی و اسلامی را بدون واسطه از او دریافت خواهند نمود.

ج: ارتباط مستقیم نه تنها در سطح دولت، بلکه در سطح عموم، بین همه مردم جهان عملی خواهد شد، و همه مؤمنان در هر کجای دنیا باشند با یکدیگر ارتباط مستقیم خواهند داشت، و این ارتباط شاید با دستگاهی که کاملتر از تلفن‌های تلویزیونی باشد صورت خواهد گرفت که طرفین در هر کجای دنیا باشند همدیگر را ببینند و صدای یکدیگر را بشنوند.
بنابراین، با توجه با آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که منظور از:

«نهالی از تنه یسی خواهد روئید»، همان مهدی موعود علیه السلام است که نه تنها بر سراسر کره زمین و ربع مسکون، بلکه سرتاسر جهان هستی حکومت خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، و بشر را به بالاترین مدارج کمال خواهد رساند.

بشارت دیگری از کتاب اشعیای نبی:

در بشارت دیگری نیز در کتاب «اشعیاء» در مورد ظهور قائم آل محمد علیه السلام چنین آمده است:

«و در ایام آخر واقع خواهد شد... جمیع امتهای به سوی آن روان خواهند شد... او امتهای را داوری خواهد نمود، و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد... امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».

آنچه از این بشارت فهمیده می‌شود این است که پس از قیام شکوهمندی مهدی موعود علیه السلام جمیع امتهای به سوی او روی خواهند آورد. و او همه مردم جهان را از هر رنگ و نژادی که باشند و هر دین و مذهبی که داشته باشند در زیر پرچم که دین اسلام و توحید باشد گرد خواهد آورد، و گروه بسیاری را تنبیه خواهد نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان مردم به قضاوت داودی داوری خواهد نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل خواهد کرد، که سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت دیگر امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید، و بار دیگر جنگ و خونریزی و ناامنی بر جهان حکمفرما نخواهد بود، و همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیت، و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی خواهند نمود.

بنابراین، آنچه در فرازهای بشارت مزبور آمده، همگی از آمدن انسان فوق العاده ممتاز و با

عظمت خبر می‌دهد که بر همه جهان سیطره پیدا می‌کند، و دنیا را پر از عدل و داد می‌نماید به گونه‌ای که کسی حتی جرأت تجاوز و تعدی به دیگری را در خود نمی‌بیند، زیرا بیم آن را دارد که اگر مرتکب خلافی گردد ممکن است علیه او گزارش شود و در چنگال عدالت گرفتار آید، چنان که در حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

﴿لا تقوم الساعة حتى تكلم السباع الإنسان، و حتى تكلم عذبة سوطه و شرک نعله و تخبره بما امله من بعده﴾.^۱

«رستاخیز بر پا نمی‌شود مگر این که درندگان با انسان سخن بگویند، و تازیانه و بند کفش او با وی تکلم نماید و به آنچه خانواده‌اش بعد از خروج او از منزل انجام داده‌اند وی را با خبر سازند».

چند بشارت دیگر از کتاب اشعیا

بشارت فراوانی که درباره منجی عالم در کتاب اشعیای نبی وارد شده به قسمت عمده‌ای از برنامه‌های آن مصلح جهانی اشاره دارد که برخی از آنها را می‌آوریم:

۱. تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی.

۲. تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان.

۱. تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی

در فرازی از بشارت‌های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امنیت عمومی به وجود خواهد آمد به گونه‌ای که مردم در صلح و صفا و صمیمیت زندگی کنند و بهایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاسایند:

«أنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الابد. و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد».

تردید نیست که این بشارت به زمان مهدی موعود علیه السلام اشاره دارد؛ زیرا فقط آن حضرت است که تمام جهان را پر از عدل و داد می‌کند، و ریشه ظلم و فساد را از بیخ و بن بر می‌کند، و

صفا و صمیمیت را به عالم انسانیت بر می گرداند.

و اینک برای این که روشن شود تمام فرازهای بشارت مزبور از دولت با سعادت آن یگانه منجی عالم خبر می دهد، به احادیث چندی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

۱. در احادیث متواتر از طریق شیعه و سنی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

«فيملا الأرض قسطاً و عدلاً، كما ملئت جوراً و ظلماً»^۱.

«زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و ستم شده است».

۲. ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود:

«تأوی امته كما تأوی النحل إلى يعسوبها يملا الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، حتى يكون

الناس على مثل أمرهم الأول لا يوقظ نائماً و لا يهريق دماً»^۲.

«امت اسلامی به سوی او پناه می برند، آنچنان که زنبوران عسل به سوی ملکه ی خود پناه می برند. عدالت را در سراسر گیتی می گستراند همچنان که پر از ستم شده، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند. خفته ای را بیهوده بیدار نمی کند (آسایش کسی را بر هم نمی زند) و خونی را (به نا حق) نمی ریزد».

۳. همچنین ابو سعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در توصیف آن حضرت فرمود:

«ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند. آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهان خود را می رویاند، زنده ها آرزو می کنند که ای کاش نیاکانشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را مشاهده می کردند».

۴. و نیز ابو سعید خدری از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

«يخرج في آخر امتي المهدي، يسقيه الله الغيث، و تخرج الأرض نباتها، و يعطي المال

۱. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲. الملام و الفتن، ص ۱۴۷.

صاحاباً و تكثر الماشية، و تعظم الامة»^۱.

«در پایان روزگار امت من، مهدی خروج می کند، خداوند در زمان او زمین را با باران زحمتش سیراب می نماید و زمین گیاهانش را می رویاند. او ثروت را به طوی مساوی بین مردم تقسیم می کند، در آن زمان چهار پایان در جهان فراوان شود و امت بسیار بزرگ و شکوهمند گردد».

۵. حذیفة یمانی از آن حضرت روایت نموده که در ضمن حدیثی فرمود:

«فیفرح به اهل السماء و اهل الأرض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر»^۲.

«ساکنان آسمان، مردم روی زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا، و ماهیان دریا همه و همه از او خشنود می شوند».

از این روایات به خوبی استفاده می شود که در دولت عدالت پیشه حضرت مهدی علیه السلام همه مردم و موجودات از عدالت آن بزرگمرد الهی بهره مند خواهند شد، و همه انسانها، پرنده ها، چرنده ها، و حیوانات اهلی و وحشی همگی در سایه دولت عدالت گستر آن حجت خدا در آسایش و امنیت زندگی خواهند نمود. و از این رو، همه موجودات و مخلوقات خدا از وجود پر خیر و برکت آن موعود آسمانی فرحناک و شادمان و از حکومت عادلانه آن حضرت راضی و خشنود می باشند.

۲. تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان

در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیای نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندی های مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به اخلاق حمیده اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:

«برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید؛ زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریست ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از آنکه سخن گویند من خواهم شنید، گرگ و بره با هم خواهند چرید، و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و خوراک مار خاک

۱. منتخب الاثر، فصل ۷، ص ۴۷۳.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲.

خواهد بود، خداوند می‌گوید که در تمامی کوه مقدس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد».

در این بشارت نیز از ظهور شخصیت عظیم و بی‌نظیری خبر می‌دهد که در زمان حکومت حقّه او، همه تنگیها و سختیها بر طرف شده و در پرتو اجرای احکام خدا و پیاده شدن حق و عدل و قانون، آسمان و زمین، آفرینش نوینی یافته که از آسمان جز خیر و برکت، و از زمین جز نعمت و منفعت دیده نشود، و مردمان همگی در رفاه و آسایش و راحتی زندگی خواهند کرد و فشارها و ناکامیها و ستمهای دوران گذشته را به یاد نخواهند آورد.

بنا بر این، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نخواهد بود که آن شخصیت عظیم و بی‌مانند که یکی از برنامه‌های الهی او تأمین رفاه همگانی و آباد ساختن جهان انسانی است، همان مهدی موعود علیه السلام خواهد بود که خداوند به برکت وجود او همه جمعیت روی زمین را از آن همه رفاه و نعمت و خوشی برخوردار خواهد ساخت.

در این زمینه روایات بسیار زیادی از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که ما در این جا به ذکر حدیثی چند بسنده می‌نماییم.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«تنعم امتی فی زمن المهدی نعمة لم يتنعموا مثلها قط، يرسل السماء عليهم مدراراً، و لا تدع الأرض شيئاً من نباتها إلا أخرجته، و المال يومئذ كدوس، يقوم الرجل يقول: يا مهدی! اعطني، فيقول: خذ»^۱.

«امت من در زمان حضرت مهدی علیه السلام آنچنان از نعمت الهی بهره‌مند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. آسمان باران رحمتش را سیل آسا بر آنها فر می‌ریزد، زمین چیزی از گیاهانش را باقی نمی‌گذارد جز این که آن می‌رویاند. در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می‌شود، هر کسی که بیاید و بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می‌فرماید: بگیر».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث دیگری می‌فرماید:

«ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می‌شوند، مال را به طور مساوی بین آنها

تقسیم می‌کند، قلوب امت محمد ﷺ را پر از بی‌نیازی می‌نماید، و عدالتش همگان را فرا می‌گیرد».

امیرالمؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی که از آرامش و آسایش انسانها در آن روزگار پر از خیر و برکت سخن گفته در تفسیر آیه شریفه: «**ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا**»^۱ می‌فرماید:

«سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید! در آن زمان، همگی در اوج قدرت و نعمت زندگی می‌کنند و از دنیا نمی‌روند جز این که یک هزار پسر برای آنها متولد می‌شود، و همگی به دور از هر گونه بدعت و انحراف زندگی می‌کنند، به کتاب خدا عمل می‌کنند و از سنت رسول خدا ﷺ پیروی می‌نمایند، و همه خطرات و نگرانیها از آنها دور می‌شود».

حسن بن محبوب از عمرو بن شمر و او از جابر روایت کرده است که گفت:

مردی خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: خداوند شما را به سلامت امام باقر علیه السلام به او فرمود:

«نزد خودت باشد و به همسایه‌های مسلمان و درماندگان از برادران مؤمنت بده. آنگاه فرمود: **«إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسُّوْبَةِ، وَ عَدَلَ قِيَ الرِّعِيَّةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ.»**

«هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند، و در میان رعیت به عدالت رفتار می‌نماید، پس هر کس که از او فرمان برداری کند از خدا فرمان برداری کرده و هر کس که او را نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است».

و همانا مهدی را «مهدی» نامیده‌اند به خاطر این که او مردمان را به یک امر پوشیده و پنهانی راهنمایی می‌کند، و «تورات» و دیگر کتب آسمانی را از غاری که در «انطاکیه» است بیرون می‌آورد و در میان اهل تورات با تورات، و در میان اهل انجیل با انجیل و در میان اهل زبور با زبور، و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌کند، و تمام ثروت دنیا از درون و بیرون زمین در دست او قرار می‌گیرد.

آنگاه اهل عالم را فرا می‌خواند و به آنها می‌فرماید: بیایید این همان چیزی است که شما به خاطر آن از خویشاوندان خود می‌بریدید، در راه آن خون همدیگر را می‌ریختید، و حرمت احکام الهی را می‌شکستید، و آنچه را که خدای تعالی حرام کرده بود، مرتکب می‌شدید.

پس آن قدر ثروت به آنها عطا می‌کند که در دنیا سابقه نداشته، و هیچ کس پیش از او چنین ثروتی نبخشیده است، و زمین را پر از عدل و داد و روشنایی می‌کند چنان که پر از ظلم و جور و شر شده بود».

البته ناگفته نماند که منظور از این که حضرت مهدی علیه السلام در بین اهل کتاب، با تورات و انجیل و زبور حکم می‌کند، این نیست که بر اساس قوانین این کتابها با اهل آنها داوری می‌کند؛ زیرا تردیدی نیست که آن حضرت پیرو دین اسلام و شریعت پاک محمدی و مأمور به اجرای احکام و حدود الهی و احیای سنت نبوی و قرآن کریم است، و تورات و انجیل و زبور فعلی هم خود گواهی می‌دهند که شریعت نبوی دهنده همه ادیان و شرایع آسمانی است.

بنابراین، معنای حکم کردن آن حضرت بین اهل کتاب با تورات و انجیل و زبور این است که حضرتش به وسیله آن کتابها که از جاهای مخفی بیرون می‌آورد و این خود یکی از معجزات امام به شمار می‌رود، بر اساس اخباری که در آن کتابها در رابطه با شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله و خاتمیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ظهور مبارک حضرتش آمده است، با آنها احتجاج می‌کند، و آنان را با دلیل و برهان محکوم می‌سازد. و از این رو تعداد بسیاری از آنها اسلام را می‌پذیرند و ایمان می‌آورند و به حضرتش می‌گروند. البته این در صورتی است که منظور از «حکم»، استدلال و احتجاج باشد. و اما اگر مقصود از آن حکم و فرمان الهی باشد، چنان که در تورات و انجیل فعلی آمده است معنای دیگری پیدا می‌کند که در بشارات بعدی به آن اشاره شده، و آن این است که ممکن است منظور از آن، قلع و قمع یهود و محاکمه آنها به هنگام نزول حضرت عیسی و ورود به بیت المقدس و داوری عیسی و مهدی علیه السلام درباره آنان باشد، چنان که در روایات اسلامی به وضوح در این باره سخن رفته است.

به هر حال، ما در این مورد در جای خود به تفصیل سخن گفته‌ایم، و در بشارات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در انجیل نیز به این معنا اشاره خواهیم کرد. اینک به اصل مطلب باز می‌گردیم و به روایات دیگری که در زمینه تأمین رفاه همگانی و آبادی جهان در دوران سلطنت حقه حضرت مهدی علیه السلام از پیشوایان معصوم علیه السلام رسیده است، می‌پردازیم.

عبدالله بن بکیر از حمران ابن اعین و او از حضرت امام باقر علیه السلام در حدیثی نقل کرده است

که فرمود:

«گویی با چشم خود می بینم که این آیین شما (دین اسلام) هر روز کنار گذاشته می شود و به دنبال خونخواهی می گردد، آنگاه کسی آن را باز نمی گرداند به جز مردی از خاندان ما، که او هر سال دو بار به شما بخشش می کند و هر ماه دوبار به شما ماهیانه می دهد...».

در روایت دیگری محمد بن مسلم ثقفی گوید: از حضرت امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «قائم ما به وسیله ترس در دل دشمنان یاری می شود، و با تأیید الهی پیروز می گردد، زمین برای او درهم پیچیده می شود، گنجهای نهفته برای او آشکار می گردد، سلطنت او به شرق و غرب جهان می رسد، خداوند به وسیله او دین خود را بر همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکان دوست نداشته باشند و هیچ خرابه‌ای در روی زمین باقی نمی ماند جز این که آباد می شود».

از این روایت استفاده می شود که در دوران حکومت آن پیشوای دادگستر، زمینیه ستم از ریشه می خشکد، و دیگر ستمگر و ستمکاری باقی نمی ماند، و جهان در پرتو عدالت واقعی آن مصلح الهی آباد و آزاد می گردد.

زیرا این همه خرابی که در جهان دیده می شود همه و همه در اثر بی عدالتی‌ها، ظلمها، زورگویی‌ها، استعمارگری‌ها، و جنایتهای جنایتکاران حرفه‌ای است، و اگر زمامداران خودسر و قدرت طلب بر رعیت خود و مردم کشورها ستم نکنند جهان آباد و آزاد می گردد، و یکسره نور و سرور و شادمانی و گلستان می شود، و دیگر اثری از خرابه‌ها، ویرانه‌ها، بیغوله‌ها دیده نمی شود، اما چه می توان کرد که متأسفانه زر و زور و تزویر در دست ابر جنایتکاران قرار گرفته، و هر چه می خواهند انجام می دهند، و مردم جرأت نفس کشیدن ندارند.

آری! آبادی و آزادی، دو کلمه مقدسی است که در طول تاریخ بیش از دیگر واژه‌ها مورد سوء استفاده قرار گرفته، و هر ستمگر و ستم پیشه‌ای به نام استقرار آزادی و آبادی زمام امور را به دست گرفته و حکومت را قبضه کرده است، ولی وقتی آن مصلح بزرگ الهی آمد و زمام امور را به دست با کفایت خویش گرفت واقعاً آزادی و آبادی را تحقق خواهد بخشید، و جهان را به نور پروردگار روشن خواهد ساخت، چنان که در دهها حدیث نمونه‌هایی این اقدامات اصلاحی بیان شده، و از آن جمله از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

«و وسع الطريق الأعظم، و كسر كل جناح خارج فی الطريق، و أبطل الكنف و المیازیب

ألى الطرقات، ولا يترك بدعة إلا أزالها، ولا سنة إلا أقامها»^۱.

«راه‌های اصلی را توسعه می‌دهد، بالکن‌هایی که به داخل راهها آمده از بین می‌برد، و هیچ بدعتی نمی‌ماند مگر اینکه آن را از بین می‌برد، و هیچ سنت نیکی نمی‌ماند جز این که آن را بر پا می‌دارد».

محمد بن سنان از عبدالله بن یحیای کاهلی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

﴿تواصلوا و تباروا و تراحموا، قوالذی فلق الحبة و براء النسمة، لیأتین علیکم وقت لا یجد

أحد کم لدینار ودر همه موضعاً»^۲.

«صله رحم به جای آورید و با همدیگر نیکی و مهربانی کنید که سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، روزی فراخواند رسید که یک نفر از شما نتواند محلی را پیدا کند که دینار یا درهمی از مال خودش را در آنجا به مصرف برساند.

یعنی در زمان ظهور امام قائم علیه السلام محلی یافت نمی‌شود که انسان پول خود را به مصرف فقرا و ضعفا برساند، زیرا همه مردم از فضل خدا و ولی خدا بی‌نیاز می‌شوند.

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند به عدالت رفتار خواهد نمود... و به حکم حضرت داود و حضرت محمد در بین مردم داوری خواهد کرد، در آن هنگام زمین گنجینه‌های خود را آشکار خواهد ساخت و مبرات خود جایی پیدا نمی‌کند؛ زیرا بی‌نیازی همه مؤمنان را فرا می‌گیرد».

از مجموع این احادیث استفاده می‌شود که در روزگار شکوهمند حضرت مهدی علیه السلام همگان از نعمتهای بیکران الهی برخوردار می‌شوند، و حق هر صاحب حقی به او می‌رسد، و دیگر جایی برای حسد، کینه و دشمنی باقی نمی‌ماند و علاوه بر اینکه مردم بی‌نیاز می‌شوند دل‌های آنها نیز بی‌نیاز می‌شود، و دل‌هایشان مالا مال از خوی آقایی و بزرگواری می‌گردد، و سرانجام امنیت و آرامش در تمام پهنه گیتی گسترده می‌شود، و جهانی آباد و آزاد به وجود می‌آید، و مردمان همگی در پرتو عدالت بی‌مانند آن عدالت گستر واقعی در رفاه و آسایش کامل زندگی می‌کنند، و رحمت

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۵۰.

بی‌پایان حضرت احدیت در عهد آن ولی الله الاعظم شامل همه موجودات عالم می‌شود، و همه جانداران از نعمت بی‌منت‌های الهی بهره‌مند می‌گردند، و بدین گونه آزادی‌ها تأمین و کسی مزاحم دیگری نخواهد بود و حتی درندگان، جرنندگان و خزندگان نیز به همدیگر اذیت و آزار نخواهند رسانید.

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب بوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام و محاکمه اسرائیل در آن سرنوشت ساز، چنین آمده است:

«آن‌گاه جمیع امت‌ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاظ» فرود خواهم آورد و در آنجا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امت‌ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده‌اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته‌اند تا بنوشند».

و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است:

«ای همه امت‌ها! بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید ای خداوند شجاعان! خود را به آنجا فرود آور. امت‌ها بر انگیخته شوند. به «وادی یهوشافاظ» برآیند؛ زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه امت‌هایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم».

و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می‌گوید:

«بنابراین، ای اسرائیل! به این طور با تو عمل خواهم نمود، و چون که به این طور با تو عمل خواهم نمود پس ای اسرائیل! خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایی».

این فرازها هم‌چنان که ملاحظه می‌شود از نزول حضرت عیسی و داوری آن حضرت در (یوم الله الظهور) خبر می‌دهند.

و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی خطاب به قوم یهود آمده است:

«و من برای افرایم مثل شیر و برای خاندان یهودا مانند شیر ژبان خواهم بود من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود».

من روانه شده به مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید».

نگارنده گوید: از آنجایی که در روایات اسلامی به صورت گسترده‌ای از نزول حضرت عیسی گفتگو شده است و برخی از آیات قرآنی نیز بر این معنا دلالت دارد و همه طوایف اسلامی اعتقاد قاطع دارند که حضرت عیسی به روی زمین باز می‌گردد و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و حضرتش را تأیید می‌نماید و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می‌گیرد ما نیز به پیروی از قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام، فرازهای مزبور را از کتاب تورات نقل نمودیم، و توضیح آنها نیز پس از نقل بشارات انجیل بر همگان روشن خواهد شد.

د) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «زکریای نبی»

در کتاب زکریای نبی که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است:

«اینک روز خداوند می‌آید و غنیمت تو در میانست تقسیم خواهد شد. و جمیع امتها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود، و زنان را بی‌عصمت خواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیه مردم شهر منقطع خواهند شد.

و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز معروف خداوند خواهد بود... و یهوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد»^۱.

در اینجا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.

البته باید توجه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضمون این پیشگویی‌ها یکبار در دوران گذشته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده‌های صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله‌ی مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان خدای

۱. کتاب زکریای نبی، باب ۱۴، بند ۱-۱۰، ص ۱۳۸۲.

یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای دلنواز وحدت به گوش خواهد رسید. به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است؛ زیرا از احادیث چنین استفاده می‌شود که ملت یهود به علت طغیان و سرکشی و فساد که در زمین ایجاد می‌کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه‌ای که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهند ماند.

اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلت باری که طبق وعده‌ی الهی در انتظار قوم یهود و غده سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برخی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می‌کنیم:

۱. سرنوشت یهودیان مغرور

ابن کثیر دمشقی در کتاب (البدایة و النهایة) درباره درگیری مسلمانان با یهود و این که این درگیری هرروز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود:

«لا قوم الساعة حتی یقاتل المسلمون الیهود، فیقتلهم المسلمون حتی یختبئ الیهودی من وراء الحجر و الشجر فیقول الحجر او الشجر: یا مسلم! یا عبدالله! هذا الیهودی من خلفی، فتعال فاقتله، الا الغرقد، فانه شجر الیهود»^۱.

«قیامت بر پا نمی‌شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه برخیزند و آنها را بکشند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت به قدرت خدای تعالی به زبان درآمده بگوید: ای مسلمان! ای بنده خدا! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان، مگر درخت «غرقد» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می‌کند».

۲. اخراج یهود از سرزمین‌های اسلامی

علامه مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب نفیس «بحار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سرزمین‌های اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیر المؤمنان علی علیه السلام

۱. البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۴۳.

چنین نقل کرده است:

«عن عبایة الأسدی قال: سمعت امیر المؤمنین علیه السلام و هو متکئ و انا قائم علیه: لأبنین بمصر منبراً منبراً، و لأنقض دمشق حجراً حجراً، و لأخرجن اليهود و النصارى من کل کور العرب بعصای هذه. قال: قلت له: یا امیر المؤمنین! کأنک تخیر أنک تحیی بعد ما تموت! فقال: هیهات یا عبایة! ذهبت فی غیر مذهب، یفعله رجل منی»^۱.

«عبایه اسدی گوید: امیر المؤمنین علیه السلام تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، در این هنگام شنیدم فرمود: من در آینده در مصر منبری روشنی بخش بنیان خواهم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود و نصاری را از سرزمین‌های عرب بیرون خواهم راند، و عرب را ابا این عصای خود به طرف حق سوق خواهم داد.

عبایه گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می‌دهید که بعد از مردان بار دیگر زنده می‌شوید و این کارها را انجام می‌دهید!

فرمود: هیهات ای عبایة! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد».

از جمله آخر این حدیث که حضرت فرموده است: «این کارها را مردی از دودمان من انجام خواهد داد»، استفاده می‌شود که مقصود او شخص قائم و حجت منتظر علیه السلام است.

بنابراین، همه کارهای مزبور به وسیله وجود مقدس آن حضرت بعد از ظهور انجام شود، و آن حضرت بعد از ظهور انجام شود، و آن حضرت با قیام مقدس خود، کشور استعمار زده‌ی مصر را به یک کشور صد در صد اسلامی تبدیل نماید، و یهود و نصاری را از سرزمین‌های اسلامی بیرون راند، و عرب را با تازیانه امیر المؤمنین علیه السلام که از موارث ائمه علیهم السلام می‌باشد و به دست مبارک آن حضرت می‌رسد، تأدیب نماید، و آنها را به پذیرش حق وادار سازد.

۳. صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل

نویسنده کتاب «عقائد الامامیه» در مورد قیام یهود در خاورمیانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بالاخره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و

۱. معانی الاخبار، ص ۴۰۷.

مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می‌شود. در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیر المؤمنان علی علیه السلام چنین نقل کرده است:

«قال امیر المؤمنین علیه السلام وستأتی الیهود من الغرب لأنشاء دولتهم بفلسطین. قال اناس: یا ابا الحسن! انی تكون العرب؟»

أجاب علیه السلام اذاک تكون مفککة القوی، مفککة العری، غیر متکاتفة و غیر مترادفة.

ثم سئل علیه السلام: ایطول هذا البلاء؟

قال: لا، حتی اذا أطلقت العرب انتها و رجعت الیها عوازم احلامها، عندئذ یفتح علی یدهم فلسطین، و تخرج العرب ظافرة و موحدة، ستأتی الندجدة من العراق، کتب علی رایاتها القوة، و تشترک العرب و الاسلام كافة لتخلص فلسطین، معركة و آی معركة فی جل البحر، تخوض الناس فی الدماء و یمش الجریح علی القتیل.

ثم قال علیه السلام: و ستفعل العرب ثلاثاً، و فی الرابعة یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات و الإیمان، فیرفر ف علی رؤوسهم النصر.

ثم قال: و أیم الله یدبحون ذبح النعاج حتی لا یبقی یهودی فی فلسطین»^۱.

«امیر المؤمنان علیه السلام فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب به منطقه عربی خاورمیانه خواهند آمد.

عرضه داشتند: یا ابا الحسن! پس عربها در آن موقع کجا خواهند بود؟

فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم کسبسته، و متحد و هماهنگ نیستند.

از آن حضرت سؤال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟

فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای جدی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز

و متحد خواهند گردید، و نیروهای کمکی از طریق سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچمهایشان نوشته شده: «القوة» و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد و با یهودیان خواهند جنگید و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله‌ی با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته‌ها عبور کنند.

آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می‌جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می‌افکند.

بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند».

با توجه به این جمله که امیرالمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «و تشرک العرب و الاسلام كافة لتخلص فلسطین»؛ «اسلام و عرب مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد»، مراد از «اسلام» مسلمانان غیر عرب و ایرانیان می‌باشد که در هنگامه ظهور به رهبری سید حسنی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح از طریق عراق و سوریه برای نجات فلسطین به سوی قدس عزیز عزیمت خواهند نمود. بنا براین، بر اساس روایات یاد شده به حسب ظاهر و الله اعلم شکست کامل دولت غیر قانونی اسرائیل و سقوط رژیم اشغالگر قدس، با نهضت جناب سید حسنی خراسانی مربوط، و فتح بیت المقدس با فراهم آمدن زمینه ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام و حرکت آن حضرت به سوی بیت المقدس صورت خواهد گرفت، ان شاء الله.^۱

هـ) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «حزقیال نبی»

در این کتاب در مورد ظهور حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام و سرنوشت رژیم اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است:

«... و اما تو ای پسر انسان! خداوند یهوه چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می‌نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید.

و خداوند یهوه می‌گوید: که بر سفرهٔ من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان امتهای قرار خواهم داد و جمیع امتهای داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یهوه خدای ایشان، من هستم. و امتهای خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند؛ زیرا که به من خیانت ورزیدند.^۱

باید توجه داشت که به منظور از «پسر انسان» مانند کلمهٔ «مسیح»، حضرت عیسی علیه السلام نیست؛ بلکه مراد از آن، حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمهٔ «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح علیه السلام اراده شده است.

و) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب حجی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت «بقیة الله علیه السلام» بدین گونه آمده است:

«یهوه صباوت چنین می‌گوید: یک دفعه دیگر و آن نیز بعد از اندک زمانی آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی امتهای را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع امتهای خواهد آمد... این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت... جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید».^۲

این بشارت پس از آن که به برخی از نشانه‌های ظهور که در آسمان و زمین و دریا به وجود خواهد آمد، اشاره می‌کند، مانند سایر کتابهای انبیای گذشته، به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره نموده و آن را جزء آخرین دولتها به حساب آورده که توسط یگانه منجی عالم ایجاد می‌شود، و قسط و عدالت و سعادت عمومی به دست با کفایت آن حضرت بر پا می‌شود، و اوست که مطلوب همه طوایف و ملل است؛ زیرا تعبیر «فضیلت جمیع امتهای» که در فرازی از این بشارت آمده است، اشاره به بازگشت حضرت مسیح علیه السلام و نزول او به بیت المقدس، و همچنین اشاره به ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام است که در آنجا نماز خواهد گزارد، و حضرت عیسی علیه السلام به وی

۱. کتاب مقدس خرفیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۱۷.

۲. کتاب مقدس، کتاب حجی نبی، ص ۱۳۶۷، بند ۶-۹.

اقتدا خواهد نمود. علاوه بر آن، در ترجمه‌های عربی و ترکی این فراز، «آرزوی جمیع امتها بر آورده خواهد شد» آمده است که این معنا کاملاً با روایات اسلامی مطابق است، زیرا در ضمن یک روایت مفصل که از امیر المؤمنان علی علیه السلام در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارده شده، چنین آمده است که به فرزندش حضرت امام حسین علیه السلام فرمود:

«ثم يظهر امير الأمانة و قاتل الكفرة، السلطان المأمول الذي تحير في غيبته المعقول، و هو التاسع من ولدك»^۱.

«سپس، امیر امیران، کشنده کافران و «پادشاهی که مورد آرزوی جمیع امتهاست» در غیبتش همگان دچار حیرت می‌شوند، ظهور می‌کند و او نهمین فرزند تو است ای حسین!». و در حدیث دیگری از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده که به هنگام تولد آن آخرین حجت خدا فرمود:

«...ستمگران گمان کردند که مرا به قتل می‌رسانند با این دودمان را ریشه کن سازند، ولی آنها قدرت خدا را دیدند، و او را «مومل»؛ یعنی: امید آینده و کسی که مورد آرزوی مردم است نامید».

و در فرازی از دعای معروف «افتتاح» که مستحب است در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان خوانده شود، و به بنا به درخواست برخی از شیعیان به دستور خود حضرت صاحب امر علیه السلام به شیعیانش نوشته است چنین آمده است:

«اللهم وصل علی ولی المرک، القائم المومل، و العدل المنتظر»^۲.

«خداوندا! همچنین درود و رحمت فرست بر ولی امر خودت، آن قیام کننده‌ای که «مورد امید و آرزوی همگان است» و عدالت پیشه‌ای که همه مردمان در انتظارش بسر می‌برند».

بنابراین، جای هیچگونه تردید نیست که منظور از: «فضیلت جمیع امتها» همان مهدی موعود علیه السلام است که همه امتها و ملتها و طوایف بشری در انتظار ظهور مبارکش لحظه شماری می‌کنند، و او را مصلح غیبی و جهانی می‌نامند. و طور خلاصه:

۱. الامام المهدی، ص ۱۹۱.

۲. اقبال الاعمال، ص ۳۲۴.

«بر حسب نصوص متواتره اسلامی و کتب مقدسه انبیا حامل لوای انقلاب جهانی و پرچمدار نهضت بی‌سابقه‌ای که تمامی ملل جهان را به هیجان می‌آورد، و مرغوب و آل مورد انتظار جهانیان می‌باشد حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام «قائم» و مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است که خانه خدا را پر از جلال کند، و آیین خدا را در سراسر جهان منتشر سازد، جز آنکه اهل هر دیانت و ملتی، مرغوب طوایف و منجی بشریت را به عنوان پیشوای خود معرفی نموده، و پیغمبر خود را حامل این را لوا می‌پندارند، بلکه کسانی هم که پیرو هیچ یک از شرایع آسمانی نمی‌باشند، در ظلمات بیدادگری و بی‌امنی که روزنه امید از هر سو بسته به انتظار یک مصلح عمومی و جهانی بسر می‌برند».

و اما منظور از «خانه خدا» که در این بشارت آمده است:

«محمّل است مقصود از خانه خدا که در بشارت فوق مذکور است مکه معظمه، یعنی مطلع شمس فروزان حضرت مهدی علیه السلام باشد که ندای اسلام را از آنجا آغاز کند، و نیز محتمل است مراد بیت المقدس باشد که در عصر آن حضرت، از بزرگترین مراکز روحانی اسلام گردد، چنانکه در خبر است که: «وینزل بیت المقدس»؛ حضرت مهدی علیه السلام به بیت المقدس وارد خواهد شد».

ز) بشارت حضرت مهدی علیه السلام در کتاب (صفینای نبی)

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است؛ بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«... خداوند در اندرونش عادل است و بی‌انصافی نمی‌نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می‌سازد و کوتاهی نمی‌کند، اما مرد ظالم حیا را نمی‌داند. امتها را منقطع ساخته‌ام که برجهای ایشان خراب شده است و کوچه‌های ایشان را چنان ویران کرده‌ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاشکه از من می‌ترسیدی و تأدیب را می‌پذیرفتی... بنابراین، خداوند می‌گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم، زیرا که قصد من این است که امتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه -خدا- را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند»^۱.

ح) بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «دانیال نبی»

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است:

«...امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری من نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.

اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید... خوشا به حال آنکه انتظار کشد»^۱.

شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمد علیه السلام است که بزرگترین نماینده‌ی انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره‌ی خاکی حکم فرما می‌نماید.

منظور از «زمان تنگی» زمان بیدادگریها، سختیها، فشارها و ظلم و ستم‌هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می‌شود، چنان که در روایات اسلامی آمده است: «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً».

منظور از: «آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند»، گروهی از اموات می‌باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می‌گردند، و در رکاب حضرتشان می‌جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می‌رسند.

در این زمینه، روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌نماییم، و طالبین می‌توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

۱. کتاب مقدس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب ۱۲.

۳. بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «انجیل»

بر اساس بشارت فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح علیه السلام به دنبال قیام حضرت قائم علیه السلام در (فلسطین) آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت-سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی علیه السلام گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی و شاید در طول دوران حیات به یاران و شاگردان خود توصیه‌ها و سفارش‌های اکیدی درباره‌ی اکیدی درباره‌ی بازگشت خود به زمین نموده و آنان اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می‌آوریم. اینک متن برخی از آن بشارت که در انجیل آمده است:

الف) انجیل متی

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارت‌های هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی‌بینید؟ هر آینه به می‌گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟

عیسی در جواب ایشان گفت، ز نهار کسی شما را گمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، ز نهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جایها پدید آید...

آنگاه اگر کسی به شما گوید؛ اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحیان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را پیش خبر دادم پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آنکه در خلوت است باور نکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوت‌های افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و

جلال عظیم می‌آید...

پس از درخت انجیر مثلش را فراگیرد که چون شاخه‌اش نازک شده برگها می‌آورد می‌فهمید که تابستان نزدیک است. بلکه بر در است. هر آینه به شما می‌گوییم...

آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.

اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود...

پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید، بیدار می‌مانم و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند.

لهمذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که کمان نبرید پسر انسان می‌آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقای او را با اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقای او را در چنین کار مشغول یابد.^۱

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست، و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید.»^۲

«عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می‌گوییم: شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پسر و زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.»^۳

ب) انجیل مرقس

«و چون او عیسی از هیكل بیرون می‌رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد! ملاحظه

۱. کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۱.

۲. کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴.

۳. کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۱۹.

فرما چه نوع سنگ‌ها و چه عمارتهاست!

عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می‌نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آنکه به زیر افکنده شود.

و چون او بر کوه زیتون مقابل هیكل نشسته بود... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که ای امور کی واقع می‌شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنگاه در جواب ایشان سخن آغاز کرد که، ز نهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب می‌شوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است، لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که امتی بر امتی مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست، و زلزله‌ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاشها پدید می‌آید، و اینها ابتدای دردها زه می‌باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید...

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید!»^۱

ج) انجیل لوقا

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید»^۲.

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش، و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف

۱. کتاب انجیل مرقس، ص ۷۷.

۲. کتاب مقدس انجیل لوقا، ص ۱۱۶.

وانتظار آن وقایعی که بر ربیع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید.^۱

همانگونه که قبلاً توضیح دادیم مقصود از (پسر انسان) حضرت مسیح نیست، زیرا مطابق نوشته مسترهاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل با ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی مسیح قابل تطبیق است و اما ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده‌ای سخن می‌گویند در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند تبارک و تعالی کسی اطلاع ندارد و او کسی جز حضرت مهدی آخرین حجت خدا نخواهد بود.

هـ) انجیل یوحنا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری».^۲

مکاشفه یوحنا:

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می‌آورد.

و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و اژدها پیش از زن - که می‌زایید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زایید که همه امتهای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد...

و در آسمان جنگ شد و میکائیل و فرشتگان با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ

۱. کتاب مقدس انجیل لوقا، باب ۴۱.

۲. کتاب مقدس انجیل یوحنا، ص ۱۵۲.

انداخته شد. یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می-فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.^۱

مفسرین انجیل در مورد آیات فوق می‌گویند شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم بر عرصه‌ی وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آن‌ها نیز موکول به زمان آینده و نامعینی است که وی ظاهر گردد.

ولی با اندکی دقت و تأمل در آیات فوق این نتیجه به دست می‌آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه‌ی یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت، و شخص ممتاز و بی‌نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقّه الهیه و برافکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدتی از انظار مردمان غایب خواهد گردید، و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی، آن‌گاه خواست خداوند است، از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریت حکومت کند.

این نتیجه با تفصیلی که در نویدهای انبیای گذشته و قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است روشن می‌سازد که مکاشفه یوحنا یاهوتی در بشارت فوق، مربوط به موعود کل ملل حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است که به هنگام ظهور با شمشیر قیام خواهد کرد و با عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود.

اینک برای روشن شدن مطلب به توضیحی که در این زمینه می‌آوریم، توجه فرمایید: «مقصود از آن زن که در مکاشفه‌ی فوق مادر شخص مورد بشارت معرفی شده که خورشید پوشیده، و ماه زیر پایش از دوازده ستاره بود، مادر پاک گهر حضرت مهدی علیه السلام، نرجس خاتون است و خورشید، در والا گهرش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که تمامی انوار درخشان آسمان نبوت و امامت را بر رحم پاک از هر گونه آسیب در امان داشت و دستگاه جاسوسی و کنجکاوی اهریمنان که همچون سیل به هرسو روان کرده و برای غافل گیر ساختن آن موعود جهانی شب و روز بکار بود سودی نبخشید».^۲

در قسمت دیگری از مکاشفه‌ی یوحنا یاهوتی بشارت ظهور مهدی علیه السلام چنین آمده است: «و دیدم آسمان گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و

۱. کتاب مقدس مکاشفه یوحنا، ص ۴۰۸.

۲. بشارت عهدینف ص ۲۶۵.

جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله‌ی آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند و جامه‌ی خون آلود سرخ در بر دارد و نام او را کلمه‌ی خدا می‌خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده می‌گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران...»^۱

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارد شده است می‌توان گفت: همه‌ی فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

(و رساله‌ی پولس به رومیان

«زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است».

«... و آن که برای حکمرانی امتها مبعوث شود، امید امتها بروی خواهد بود».

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجه این که: همان گونه که در بشارات تورات تذکر دادیم در ترجمه‌ی عربی انجیل با تعبیر «قائم» آمده است، و تعبیر «حکمرانی امتها» جالب توجه است.

«زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود».

به طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می‌کنند این فراز از عهد جدید با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

نزول حضرت عیسی علی‌السلام.

صیحه‌ی آسمانی.

زنده شدن گروهی از افراد صالح.
آمدن او بر فراز ابر.

ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر علیه السلام از محرابها و رختخوابهای خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه‌ی این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.

ز) اعمال رسولان

«و چون این را گفت، وقتی ایشان همی نگریستند بالا برده شد، و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: ای مردان جلیل، چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد، به همین طوری که او به سوی آسمان روانه دیدید.»

فراز دیگر از انجیل را «عبدالله بن سلیمان» نقل کرده است که بسیار جالب است. او می‌گوید: من در انجیل خواندم به عیسی فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می‌برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می‌فرستم تا از امت این پیامبر شگفتیها ببینی، و آنها را در کشتن دجال یاری دهی، تو را وقت نماز می‌فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها امت محرومه هستند.»

فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان

یکی از عقائد قطعی همه مسلمانان و تمام طوایف اسلامی این است که: حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام به زمین باز می‌گردد و برخی از آیات قرآنی نیز بر آن دلالت می‌کند، در این باره صدها حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده است که از بازگشت آن حضرت سخن می‌گویند، اگر برخی از متعصبین اهل سنت به دلایلی در مورد حضرت مهدی علیه السلام تردید می‌کنند، در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام هیچ تردید ندارند.

از نظر شیعه نیز این مطلب قطعی است که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود، و در بیت المقدس پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و او را تأیید می‌کند و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می‌گیرد.

در این زمینه، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است که برخی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

۱- در حدیثی از ابوسعید خدری روایت شده است که پیامبر اکرم فرمود:

«منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه»^۱.

«آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در پشت سر او نماز می‌خواند، از ماست».

۲- در حدیث دیگری از عبدالله بن عباس آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لن تهلك امة أنا فی أولها، و عیسی بن مریم فی آخرها، و المهدی فی وسطها»^۲.

«امتی که من در آغاز آن، عیسی بن در پایان آن، و مهدی علیه السلام در میان آن است، هرگز هلاک نمی‌شود».

۳- در کتاب «عقد الدرر» باب دهم، در حدیثی از ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و پیشوای شما از میان خود شما خواهد بود؟!»^۳.

۵- در صحیح بخاری «باب نزول عیسی بن مریم» در حدیثی از ابوهریره نقل می‌کند که رسول اکرم فرمود:

«سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست! نزدیک است که پسر مریم به عنوان «داوری دادگر» در میان شما فرود آید، صلیب را بشکند، خوک را بکشد، جزیه را بگذارد و مال را آنقدر بریزد که دیگر کسی آن را نپذیرد».

۵- در سنن ابن ماجه، از ابی امامه ی باهلی، روایت کرده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فتنه دجال و خرابی‌های آن سخن می‌گفت، از آن حضرت پرسیدند: یا رسول الله! پس آن روز عرب‌ها در کجا هستند؟ فرمود:

«آنها در آن روز بسیار اندک‌اند، و بیشتر آنها در بیت المقدس می‌باشند، و امامشان «مهدی» آن مرد صالح است، که ناگهان به هنگامی که امامشان آماده نماز صبح شده حضرت

۱. بشارة الاسلام، باب ۳۸، ص ۲۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵.

۳. عقد الدرر، ص ۲۹۱.

عیسی علیه السلام نازل می شود. حضرت مهدی علیه السلام به احترام او عقب می رود. حضرت عیسی دست خود را بر شانه‌ی او می گذارد و می گوید: برو جلو و نماز را بخوان که این نماز برای تو تشکیل یافته است، سپس حضرت مهدی علیه السلام جلو می رود و امامت می کند.^۱

۶- در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«حضرت عیسی علیه السلام نازل می شود، امیر مسلمانان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرما برای ما نماز بخوان، عیسی علیه السلام می فرماید: برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف کرامت خداوند بر این امت است.»

۷- در احادیث دیگری از طریق اهل سنت آمده است:

«حضرت مهدی و حضرت عیسی علیه السلام اجتماع می کنند، چون وقت نماز فرا می رسد حضرت مهدی علیه السلام خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: بفرماید جلو برای اقامه‌ی نماز. حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: شما برای نماز شایسته تر هستید، آن گاه حضرت عیسی اقتدا می کند و نماز را پشت سر او می خواند.»

۸- در یک حدیث دیگر جریان نزول حضرت عیسی علیه السلام چنین آمده است:

«عیسی علیه السلام در گردنه‌ای به نام «افیق» در سرزمین مقدس فرود می آید، وارد بیت المقدس می شود، و در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند. پس امام (حضرت مهدی علیه السلام) عقب می رود، ولی عیسی علیه السلام او را جلو می اندازد و می فرماید: شما اهل بیتی هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی بگیرد.»

۹- در حدیث دیگری که رسول اکرم از خروج دجال و کشته شدن او به دست حضرت عیسی علیه السلام خبر داده، چنین آمده است که آن حضرت فرمود:

«آنگاه خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را می فرستد، گویی به صورت عروه بن مسعود است، دجال را دنبال می کند و او را به هلاکت می رساند. مردم هفت سال بدین حال می مانند که حتی بین دو نفر کینه و عداوت یافت نمی شود.»

۱۰- و در یک حدیث دیگر آمده است که پیامبر اکرم فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام یک مرتبه متوجه می شود که حضرت عیسی علیه السلام نازل شده، گویی قطرات آب از موهایش می چکد، حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرمایید و برای مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی علیه السلام می فرماید نماز برای شما بر پا شده است. آنگاه حضرت عیسی علیه السلام پشت سر فرزندم نماز می خواند.»^۱

۱۱- و در همین رابطه رسول اکرم می فرماید:

«خلفا و اوصیای من که حجت‌های پروردگار بر مردمانند دوازده تن می باشند، اول آنها علی بن ابی طالب و آخر آنها پسر مهدی علیه السلام است که عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند. در زمان او زمین با نور پروردگارش روشن می شود و سلطنت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد.»^۲

به طور خلاصه، روایات وارده از رسول گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن آن حضرت در پشت سر حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه- بسیار فراوان است، و ما به احادیث یاد شده اکتفا می کنیم، و فقط این مطلب را یادآور می شویم که در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام به برخی از آیات قرآن نیز می توان استشهاد نمود که در بحث «نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن» آیه ۱۵۹ سوره نساء یاد آور شدیم، که در اینجا تکرار نمی کنیم. طالبین به آنجا مراجعه کنند.

۴- بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در منابع «زرتشتیان»

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است که قسمتی از آنها را در این جا می آوریم:

۱- در کتاب «زند» که از کتب مقدسه‌ی زرتشتیان است درباره‌ی انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جباران و بیدادگران، زمام امور جامعه‌ی بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید:

«لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چرا در هنگام تنگی از

۱. البرهان متقی، ص ۱۶۰.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۵.

جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه‌ی ایشان نه هزار سال طول می‌کشد، آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست»^۱.

۲- در بخش «گاتها» که یکی از بخش‌های چهارگانه‌ی «اوستا» است (بندهای ۹۰۸) نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سیطره‌ی جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده‌های انبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است: «و هنگامی که سزای این گناهکاران فرارسد پس آنگاه ای «مزدا»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی بسپرنند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

۳- باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است:

«کی ای «مزدا»! بامداد روز روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزشهای فزایش بخش پرخرد رهاندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را بر گزیدم او اهورا».

نویسنده‌ی کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که این دو بشارت را از «گاتها» نقل کرده است چنین می‌نویسد:

«مترجم «گاتها» در پاورقی، «بهمن» را که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده، نماینده‌ی توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهورا مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گاتهای زرتشت» از این قرار است: در پایان جهان پیش از رستاخیز عمومی آغاز سزای گناهگاران است که به دست توانای نماینده‌ی قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی، به سزای این جهانی خود خواهند رسید این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته‌ی فراموشی نهاده‌اند.

حقاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقه الهیه دمیدن گیرد و دین راستین

آیین ابدی آخرین سراسر جهان را فرا گیرد، آیینی که تمامی آموزش‌های پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، در تمامی آموزش‌های صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.

چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام حضرت قائم آل محمد علیه السلام است، گرچه نامی از آن حضرت به میان نیاورده، ولی سلطنت عمومی و عدالت کلی جهانی که پیشگویی کرده بهترین نشانه‌ی آن بزرگ‌مرد الهی است.»

۴- جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیاء، اوصیاء، و اولیا را بیان می‌کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می‌نماید، در مورد پیامبر اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی علیه السلام و رجعت گروهی از اموات... چنین می‌گوید:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت‌سر، مثل پیش رو ببیند. و دین او اشراف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتاب‌ها را، و دولت او تازیک یعنی پادشاهی عجم را بر باد دهد، و دین را مجوس و پهلوی را بر طرف کند، و نار سدیر و آتش کده‌ها را خراب کند و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان.»

آنگاه درباره ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام چنان می‌گوید:

«و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد، و دولت او تا به قیامت متصل باشد، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود، و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها بر طرف شود، و اهریمن کلان را که ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد.»

و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلائق را به یزدان بخواند، و زنده گرداند حق را از بدان و نیکان، را جزا دهد، و بدان را سزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند، و از بدان گیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند و از پادشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه‌ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد... و ظهور او در آخر دنیا باشد... و خروج او در آن زمان شود که

تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شهرهای عمان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس خروج او کند و جنگ کند و دجال را بشکند.

و برود و قسطنطنیه را بگیرد و علمای ایمان و مسلمانی در آنجا بر پا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی علیه السلام باشد) با او باشد، و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد و جن و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود...

و همه جهان را یک دین کند، و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پریزادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادهای و مردان سفید رویان در خدمت او باشند...»^۱

«جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش-گویی‌هایی نیز به او نسبت داده‌اند، و ظاهراً حکیمی ستاره‌شناس بوده است، و به قول مؤلف کتاب «حبیب الله السیر»: وی شاگرد لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم و مهارت کامل داشته است.

علامه دهخدا در کتاب «لغت‌نامه» راجع به وی می‌نویسد:

«نامه‌ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام فرهنگ ملوک و اسرار عجم است، و عنوان آن به گشتاسب شاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

گویند: پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی علیه السلام سرخ شبان با هوادار و حضرت مسیح علیه السلام را پیغمبر خرنشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، و الله اعلم بالصواب».

مؤلف کتاب «بشارات عهدین» پس از آنکه بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می‌کند ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می‌نویسد:

«صاحبان سیر و تواریخ می‌نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط [حضرت] آدم بوده، وی مدتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده، و مدتی هم شاگرد (چنکر مکهاجه) هندی بوده است.

وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال آینده را پیش‌بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است.^۱

۵- باز در کتاب جاماسب، موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام و صلح بهائم و برافکندن ریشه‌ی ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماعی عموم بشریت در دین مبین اسلام، و این‌که حضرت مهدی علیه السلام پیرو اسلام و تابع دین جدش پیامبر اکرم می‌باشد، می‌گوید:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ‌تن و بزرگ ساق، و بردین جد خویش بود، با سپاه بسیار، روی ایران نهد و آبادانی کند، و زمین پردازد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد، و مردم بسیار شوند، و عمر دیگر بار، به درازی کشد و باز گردد چنانکه مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسی شود.

و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله) باز آیند، و جور و آشوب از جهان برخیزد، چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدواندیم».

۶- در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیت فوق‌العاده‌ای بنام (سوشیانس) (نجات‌هنده‌ی بزرگ) خبر داده و درباره نشانه‌های ظهور وی چنین می‌گوید:

«نشانه‌های شگفت‌انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می‌کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند، و به همه دنیا پیام می‌فرستند».

۷- هنگامی که (گشتاسب) در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می‌پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می‌دهد:

«سوشیانس (نجات‌دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه‌کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و همگفتار و هم‌کردار گرداند».

در اینجا لازم است این نکته را یاد آور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملت ایران باستان به اندازه‌ای رایج بوده است که حتی در موقع شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای

زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند. شاهد/صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیه پس از درگذشت رستم فرخزاده، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می‌شد، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

«هان ای دیوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی برمی‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم».

سلیمان دیلمی می‌گوید: من به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله‌ی «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود:

«او مهدی موعود علیه السلام و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که به فرمان خداوند در آخر زمان ظهور می‌کند، او ششمین فرزند من است و فرزند دختری یزدگرد نیز پدر او می‌باشد».^۱

با توجه به این که «شاه زنان» معروف به «شهر بانو»، مادر امام سجاد علیه السلام بنابر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می‌شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد.

آنچه تا بدین جا از نظر خوانندگان گرامی گذشت نمونه‌هایی از نویدها و بشارتهای جاوید کتب مقدسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود علیه السلام) در آخر الزمان نوید داده، و به روشنی گواهی می‌دادند که مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به اسلام ندارد، بلکه از نظر همه امتها و ملتها یک امر قطعی و مسلم است که بدون تردید تحقق خواهد یافت.

آری! مطابق وعده‌های انبیا و نویدهای کتب مقدسه آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر -عجل الله تعالی فرجه- از پشت پرده‌ی غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی، و همه‌ی پرده‌های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکیها برچیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت.

بخش سوم

علامہ نھوں رحمت

و حکومت حضرت مہدی (علیہ السلام)

و قد نشرت لوآء النصر تری اترانا نحف بک و انت تام الملاء و
قد ملات الارض عدلا و اذقت اعدائک هوانا و عقابا
و آنروز هم فرا خواهد آمد که طنین صدای ملکوتی ات از افق
کعبه بلند شود و جان نثاران در راهت را فراخوانی و عالم را از سیطره
کفر و الحاد بری سازی و لوای جدت رسول الله را برآشفته، دین جدت
رسول الله را با سیره جدت حضرت امیرالمومنین برای جهانیان تثبیت
نموده عدالت راستین را به ارمغان آوری

آمین یا رب العالمین

(مolf)

علائم ظهور:

در زمینه‌ی علائم ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام روایات متعددی وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

حضرت امام علی علیه السلام در جواب صعصعه بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در مورد دجال و خروجش به نشانه‌هایی از ظهور امام زمان علیه السلام بیاناتی فرمودند که به طور اجمال چهل و یک مورد را به عرض خوانندگان عزیز می‌رسد انشاءالله.

نزال بن سبره نقل می‌کند که: حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خطبه می‌خواندند. پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی»: هر چه می‌خواهید از من سؤال کنید پیش از آن که مرا از دست بدهید.

پس صعصعه بن صوحان برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دجال کی خروج می‌کند؟ حضرت فرمودند: خداوند سخنت را شنید و از آن چه اراده کرده‌ای آگاه است و به خدا قسم که سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست (مگر آن چه را خداوند تفضل فرموده است). برای خروج دجال علائم و نشانه‌هایی است که یکی پس از دیگری واقع می‌شود، البته پی در پی و اگر بخواهی برای تو بیان می‌کنم. صعصعه عرض کرد: بفرمایید یا امیرالمؤمنین!

حضرت فرمودند: مطالبی که می‌گویم به خاطر بسپارید و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است:

۱- مردم نماز را ترک می‌کنند و در میان مردم می‌میرد (کنایه از اعراض مردم و بی‌تفاوت بودن در مقابل نماز).

۲- امانت‌ها را ضایع می‌کنند.

۳- دروغ گفتن را حلال می‌شمرند.

- ۴- ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می‌شود.
- ۵- رشوه‌خواری در میان مردم رواج پیدا می‌کند.
- ۶- ساختمان‌ها را محکم می‌سازند. (از بتون و آهن ساخته می‌شود).
- ۷- دین را به دنیا می‌فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمت‌های زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارند).
- ۸- نابخردان و مردم کم‌عقل را بر کارها می‌گمارند.
- ۹- زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می‌دهند.
- ۱۰- قطع صله‌ی ارحام می‌کنند و از خویشاوندان فاصله می‌گیرند.
- ۱۱- در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می‌کنند.
- ۱۲- در کشتار و خونریزی بی‌باک هستند.
- ۱۳- بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می‌گذارند.
- ۱۴- ظلم و بیدادگری را مایه‌ی مباهات و فخر قرار می‌دهند.
- ۱۵- زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران) هستند.
- ۱۶- وزیران دولت‌ها ستمگران جامعه هستند.
- ۱۷- عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوی خیانتکاران است. (به عقاید و افکار مردم خیانت می‌کنند).
- ۱۸- شهادت دادن بر اساس زور به وجود می‌آید (یعنی از قدرت‌های فردی و اجتماعی سوء استفاده می‌شود و مردم را وادار می‌کنند که به نفع آن‌ها شهادت‌های دروغین بدهند).
- ۱۹- قاریان قرآن از افراد فاسق هستند.
- ۲۰- گناهان علنی شده شرم و حیا از میان برداشته می‌شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقص‌های دسته‌جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و ...)
- ۲۱- بهتان و بر خلاف واقع‌گویی نسبت به مردم رایج می‌شود.
- ۲۲- سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می‌شود.
- ۲۳- قرآن‌ها را با چاپ‌های زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می‌دهند. (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین آن در میان مردم خبری نیست بلکه درست بر خلاف آن عمل می‌کنند).

- ۲۴- مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می‌سازند در صورتی که از محتوای آن (تقوا) خبری نیست.
- ۲۵- مناره‌های مساجد را بسیار مرتفع می‌سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می‌کند) اما از درون خالی است.
- ۲۶- اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند.
- ۲۷- مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت.
- ۲۸- در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یک راه برای خود انتخاب می‌کنند.
- ۲۹- پیمان شکنی رایج می‌شود و وعده‌ی الهی نزدیک می‌گردد.
- ۳۰- زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کارت تجارت شرکت می‌کنند.
- ۳۱- صدای فساق برخیز و به ندای آن‌ها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند).
- ۳۲- زعیم و حاکم بر آن مردم رذل‌ترین افراد جامعه است.
- ۳۳- مردم از بدکاران و فاسقان می‌ترسند.
- ۳۴- دروغ‌گویان از طرف مردم به عنوان راستگو تأیید می‌شوند (مانند دروغ‌های سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تأیید مردم قرار می‌گیرند).
- ۳۵- خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می‌شوند.
- ۳۶- هنرپیشه‌های آوازه‌خوان تربیت می‌شوند.
- ۳۷- مردم گذشتگان را لعنت می‌کنند.
- ۳۸- زن‌ها سوار بر زین‌ها می‌شوند (اسب‌سواری، رانندگی، دوچرخه‌سواری و امثال این‌ها)
- ۳۹- مردان از نظر چهره و لباس، شباهت به زن‌ها پیدا می‌کنند و نیز زنان شبیه به مردها می‌شوند.
- ۴۰- بی آن که از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد معرفی می‌کنند.
- ۴۱- احکام و علوم دین را برای دنیا می‌آموزند و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می‌دهند. بر دل‌های گرگ‌صفتشان جامه‌ی میش می‌پوشند و قلب‌های آن‌ها آکنده از کثافت است به طوری که از هر مرداری گندیده‌تر است.

دجال و سفیانی کیست؟

می‌پرسند یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج دجال سفیانی است و این دو به دست سپاه آن حضرت کشته می‌شوند. این‌ها چه کسانی هستند؟ و در کجاوند و چگونه کشته می‌شوند؟

پاسخ

مطابق پاره‌ای از روایت در آستانه‌ی قیام حضرت مهدی علیه السلام افراد کذاب و دروغگو پرچم مخالفت با آن حضرت بلند می‌کنند، دو نفر از آن‌ها که از سرزمین شام و فلسطین برمی‌خیزند دجال و سفیانی می‌باشند این دو نفر در حقیقت دو طاغوت سرکش هستند که با دار و دسته‌ی بسیار خود به عنوان ضد انقلاب شورش می‌کنند. دجال یک نفر طاغوت فریب‌کار و حيله‌گری است که با ترفندهای خود جمعیت را به دور خود جمع می‌کند و به مخالفت برمی‌خیزد، بعید نیست که او یکی از طاغوت‌های صهیونیست باشد.^۱ امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضمن خطبه‌ای فرمود: حضرت مهدی علیه السلام با یارانش از مکه به بیت‌المقدس می‌آیند و با دجال و ارتش او می‌جنگند، و آن‌ها را تار و مار می‌کنند و خود دجال نیز به هلاکت می‌رسد و مطابق روایتی، دجال را دستگیر کرده و در محل کناسه‌ی کوفه به دار می‌زند.^۲ از روایات استفاده می‌شود دجال مردی لوچ است، و ادعای پیامبری و خدایی از راه حلول می‌کند و با جادو و شعبده و تصرف در چشم‌ها، مردم را به سوی خود جذب می‌نماید.

پیروان او بیشتر از اراذل و اوباش و طبقات آلوده از یهود و زن‌های ناپاک و فرزندان آن‌ها می‌باشند.

حضرت عیسی علیه السلام به کمک حضرت مهدی علیه السلام می‌آید و در کشتن دجال شرکت می‌فرمایند و مردم و شهرها را از فتنه و آشوب او نجات می‌دهد.^۳

۱. من قرية تعرف باليهودية.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴ - اثبات الهداء ج ۷، ص ۱۷۶.

۳. الامام المهدی من المهدی الی الظهور، ص ۵۶۰.

سفیانی

طاغوت دیگری در چهره مقدس نماها ظاهر می‌گردد، از نسل عتبه بن ابوسفیان است. چهره‌اش سرخ مایل به زرد می‌باشد. ذکرش به: یا رب یا رب یا رب بلند است، و آن قدر بی‌رحم و پلید است که کنیزش را که از او بچه‌دار شده زنده به گور می‌نماید.^۱ جنایات سفیانی و گسترش آن جنایات در خونریزی فساد بسیار است.

پیامبر ﷺ فرمود: سفیانی از وادی یابس (اطراف دمشق) با سپاه خود، وارد دمشق می‌شود، دو لشکر تشکیل می‌دهد یکی به سوی مشرق کوفه و اطراف آن می‌فرستد، و دیگری را به سوی مدینه حرکت می‌دهد. لشکر اول در کوفه و بغداد به کشتار و جنایات عظیم دست می‌زنند. لشکر دومش به سوی مدینه رهسپار می‌گردد و سه شبانه روز در آن جا به قتل و غارت می‌پردازد، سپس برای جنگ با سپاه حضرت ولی عصر علیه السلام به سوی مکه حرکت می‌نماید، در مسیر راه وقتی که به سرزمین «بیداء» می‌رسد جبرئیل به فرمان خداوند آن چنان به آن زمین ضربه می‌زند که همه‌ی آن‌ها جز دو مرد، در آن زمین فرو می‌روند و نابود می‌شوند.^۲ سرانجام حضرت مهدی علیه السلام با سپاه خود از جانب کوفه به سوی سفیانی که در اطراف بیت‌المقدس، موضع گرفته، حرکت می‌کند و پس از گفتگو و مذاکرات سرانجام جنگ خونین بین سپاه حضرت مهدی علیه السلام و سپاه سفیانی رخ می‌دهد و سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام پیروز می‌شوند و زمین از لوٹ وجود سفیانی و پیروانش پاک می‌گردد. و مطابق بعضی از روایات سفیانی به دست یاران حضرت مهدی علیه السلام دستگیر شده و به فرمان آن حضرت گردنش را می‌زنند و روی سنگی که در محل ورود بیت‌المقدس قرار دارد، اعدام و کشته می‌شود.^۳

قابل ذکر است که یکی از سپاه‌های مخالف سپاه «بتریه» است که متشکل از ده هزار نفر در مسیر کوفه به جنگ سپاه امام عصر می‌آیند و همه‌ی آن‌ها به دست پرتوان یاران حضرت مهدی علیه السلام به هلاکت می‌رسند.^۴

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

۳. عقد الدرر، ص ۸۵.

۴. کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۶۴.

نکته‌ای از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی

بعضی‌ها سؤال می‌کنند نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

جواب:

- وقت ظهور آن حضرت معلوم نیست، و مطابق روایات، تعیین کنندگان وقت دروغگو هستند،^۱ اما نشانه‌های ظهور، بسیار و مختلف است، می‌توان آن‌ها را به پنج گونه تقسیم کرد:
- ۱- نشانه‌های عمومی مانند افزایش گناه و فساد، پر شدن جهان از ظلم و جور، این گونه نشانه‌ها از نشانه‌های مقارن ظهور نیست، بلکه ممکن است ده‌ها سال قبل از ظهور رخ دهد.
 - ۲- نشانه‌هایی که نزدیک ظهور رخ می‌دهد، ولی نه مقارن و در آستانه‌ی ظهور، بلکه مثلاً دو سال قبل از ظهور یا سه یا چهار سال قبل از ظهور رخ می‌دهد.
 - ۳- نشانه‌هایی که در همان سال ظهور، یا یک سال قبل از ظهور رخ می‌دهد.
 - ۴- نشانه‌های غیر حتمی که ممکن است رخ بدهد و ممکن است رخ ندهد.
 - ۵- نشانه‌های قطعی که حتماً رخ می‌دهد و شکی در وقوع آن‌ها نیست، مانند صیحه‌ی آسمانی و کشته شدن نفس زکیه.
- از سوی دیگر بعضی از این نشانه‌ها روشن است، ولی بعضی دیگر مبهم است و برای ما روشن نیست که منظور چیست؟

نیز باید توجه داشت که بین قیام حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او فاصله و فرق است، نخست ظهور می‌کند و بعد از مدتی با فراهم شدن اسباب کار قیام می‌نماید، مثلاً در روایت آمده است که «در شب ۲۳ ماه رمضان ندا به نام امام قائم علیه السلام بلند می‌شود و در روز عاشورا قیام کند».^۲ ممکن است منظور از ندای ۲۳ رمضان اعلام ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، ولی خروج در روز عاشورا، آغاز قیام آن حضرت است.

خروج دجال و سفیانی (به عنوان مخالف)، حسنی و یمانی (به عنوان موافق) از نشانه‌های حتمی و مقارن ظهور می‌باشد. این رشته سر دراز دارد. ما در این جا برای رعایت اختصار، از همه صرف‌نظر نموده و تنها به ذکر خروج سید حسنی، و شهادت نفس زکیه که از نشانه‌های حتمی و

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۲.

۲. کشف الغم، ج ۴، ص ۴۶۰.

در آستانه‌ی ظهور است، اکتفا می‌کنیم.

خروج سید حسنی

سید حسنی جوان خوش‌سیمایی است که از طرف دیلم (بلاذ گیلان) و قزوین، خروج می‌نماید. او از شیعیان خالص امامان علیهم السلام از نسل امام حسن مجتبی‌علیه السلام است، دعوت به سوی خود نکند، رئیس مطاع است، در زمان خروج او، ظلم و فساد و کفر، همه جا را فراگرفته، سید حسنی با فریاد بلند، مردم را به یاری می‌طلبد و به لبیک گفتن دعوت آل محمد ﷺ فرا می‌خواند، مردم دعوت او را می‌پذیرفتند، کم‌کم بر اهل ظلم و طغیان پیروز می‌شود، و با سپاه بیکران خود به طرف کوفه حرکت نماید، در آن جا می‌شنود که حضرت مهدی علیهم السلام با یاران خود وارد کوفه شده‌اند، با اصحاب خود به محضر حضرت مهدی علیهم السلام می‌رسد، دلایل امامت و مواریث پیامبران را (برای اتمام حجت یاران) از امام مهدی علیهم السلام می‌خواهد، امام دلایل و مواریث را آشکار می‌سازد، و در این هنگام سید حسنی و اصحابش با امام قائم علیهم السلام بیعت کنند.^۱

شهادت نفس زکیه

نفس زکیه، جوان پاک و پاکباز از آل محمد ﷺ است، حضرت مهدی علیهم السلام او را به مکه برای یاری‌طلبی از مردم می‌فرستد، او به مکه می‌آید و پیام امام قائم علیهم السلام را به مردم ابلاغ می‌کند. دشمنان به او حمله می‌کنند و او را بدون هیچ‌گونه گناه بین حجر الاسود و مقام ابراهیم می‌کشند و سرش را از بدن جدا می‌کنند، پانزده روز بعد از این حادثه‌ی جانسوز، حضرت مهدی علیهم السلام قیام می‌نماید.^۲

آیا حضرت ولی عصر علیهم السلام مسلحانه قیام می‌فرمایند؟

از روایات متعددی که بیانگر جنگ آن حضرت، پس از ظهور و قیام است، فهمیده می‌شود که آن بزرگوار پس از ظهور، نخست همانند پیامبر ﷺ مردم را به اسلام و بیعت دعوت می‌فرمایند و

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۲-۳۳۷.

۲. در بعضی روایات نفس زکیه بنام محمد بن حسن ذکر شده است، بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

حجت را بر آن‌ها تمام می‌نمایند، در مقابل این دعوت، گروه‌هایی به کارشکنی و توطئه و مخالفت برمی‌خیزند. آن بزرگوار در مقابل آن‌ها قیام مسلحانه می‌نمایند و زمین را از لوث و جورشان، پاک می‌سازد.

مدت حکومت حضرت حجت علیه السلام

می‌پرسند حضرت مهدی علیه السلام چند سال حکومت می‌کند؟

جواب:

در روایات اسلامی در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام به اختلاف نقل شده: پنج سال، هفت سال، بیست سال، نوزده سال، هفتاد سال حکومت می‌کند.^۱

در بعضی از روایات چهل سال و ۳۰۹ سال به اندازه‌ی مدت خواب اصحاب کهف نیز گفته شده. بعید نیست همین ۳۰۹ سال باشد ولی مراحل حکومت او پنج سال، هفت سال، نوزده سال باشد و پس از چهل سال تکمیل گردد و سپس ادامه یابد. امام باقر علیه السلام فرمود: ﴿يملك القائم ثلاثمائة سنة و يزداد تسعا كما لبث اهل الكهف في كهفهم يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، فيفتح الله له شرق الارض و غربها و يقتل الناس حتى لا يبقى إلا دين محمد صلى الله عليه و آله﴾:

امام قائم علیه السلام، ۳۰۹ سال به مقدار خواب اصحاب کهف در غار خود، حکومت می‌کند، سراسر زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید، خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح نماید او دشمنان را بکشد، به گونه‌ای که تنها دین اسلام در سراسر زمین باقی بماند.

رحلت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

در مورد پایان عمر حضرت مهدی علیه السلام به طور کلی از گفتار امامان برمی‌آید که همه‌ی آن‌ها کشته و شهید می‌شوند. از جمله حضرت امام مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: ﴿والله لقد عهد الدنيا رسول الله أن هذا الامر يملكه أحد عشر اماماً من ولد علي و فاطمة ما منا إلا مسموم او مقتول﴾: سوگند به خدا! رسول خدا با ما چنین عهد کرده که یازده نفر از فرزندان علی علیه السلام و

فاطمه علیها سلام به امامت می‌رسند، همه‌ی ما مسموم یا کشته می‌شویم.^۱

چنان که تاریخ نشان می‌دهد، همه‌ی امامان تا امام حسن عسکری علیه السلام با شمشیر یا زهر، به شهادت رسیدند. حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد شد.

در مورد چگونگی شهادت حضرت مهدی علیه السلام روایتی در دست نیست، جز این که علامه یزدی در کتاب الزام الناصب، صفحه‌ی ۱۹۰ می‌نویسد:

«هنگامی که هفتاد سال از حکومت حضرت مهدی علیه السلام گذشت، زنی به نام سعیده که از بنی تمیم است در صورتش ریش دارد، هنگام عبور حضرت مهدی علیه السلام سنگی بزرگ از پشت بام به طرف حضرت پرتاب می‌کند، و همین موجب شهادت آن حضرت می‌شود و امام حسین علیه السلام غسل و کفن آن حضرت را به عهده می‌گیرد». این مطلب برگرفته از روایات امامان علیهم السلام است. سپس امام حسین علیه السلام زمام حکومت را به دست می‌گیرد و پس از او امامان دیگر یکی پس از دیگری رجعت کرده و حکومت می‌کنند و حکومت امامان سال‌های بسیار طول می‌کشد و طبق بعضی از روایات، تنها امام حسین علیه السلام بعد از حضرت ولی عصر علیه السلام چهل سال حکومت می‌فرمایند.^۲

مسئله‌ی رجعت چیست؟

آیا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و افرادی از خوبان و بدان رجعت می‌کنند، یعنی زنده می‌شوند، بدان به مجازات خود می‌رسند و نیکان به حق خود نایل می‌شوند، رجعت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

جواب:

امکان و وقوع زنده شدن مردگان، از نظر اسلام یک امر مسلم است، چنان که حضرت عیسی علیه السلام به اذن خدا، مردگان را زنده می‌کرد و در قرآن در مورد زنده شدن بعضی از مردگان سخن به میان آمده چنان که در آیه‌ی ۲۶۰ بقره و آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی مؤمن به آن تصریح شده

۱. الامام المهدی من المهد الی الظهور، ص ۶۳۸.

۲. بحار، ج ۵۳، ص ۶۴.

است. رجعت امامان علیهم السلام و مؤمنین محض، و کافران محض، از نظر روایات، مسلم است، و به قدری روایات در این باره زیاد است که بعضی ادعای تواتر روایات کرده‌اند (یعنی به قدری روایات زیاد است که موجب علم می‌شود) در مورد رجعت، هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام امامان علیهم السلام یکی پس از دیگر رجعت می‌فرمایند، نخستین امام که رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است.^۱

افراد برجسته مانند اصحاب کهف، مالک اشتر، مقداد و ... که بیست و هفت نفر هستند، زنده می‌شوند و در نجف اشرف به سپاه حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندند. از سوی دیگر آن حضرت عده‌ای از ظالمان را از قبر بیرون می‌کشد، آن‌ها زنده می‌شوند و حضرت مهدی علیه السلام آن‌ها را محاکمه کرده و پس از محکومیت اعدام می‌کند.

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام این است که از خون امام حسین علیه السلام خونخواهی می‌کند و از قاتلان امام حسین علیه السلام و کسانی که به قتل آن حضرت راضی شدند انتقام می‌گیرد، چنان که در یکی از فرازهای دعای ندبه در مورد آن حضرت آمده: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء»: کجاست طالب خون حسین علیه السلام که در کربلا کشته شد. در این رابطه نظر شما را به حدیث زیر جلب می‌کنم:

۱- امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان ممتازش به نام مفضل فرمود: «یا مفضل انت و اربعة و اربعون رجلاً مع القائم»: ای مفضل! تو و چهل و چهار مرد همراه حضرت مهدی هستی.^۲

۲- یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام به نام کرام می‌گوید: پیش خود سوگند یاد کردم که هرگز در روز غذا نخورم (روزه بگیرم) تا حضرت قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، به حضور حضرت صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم، شخصی از شیعیان سوگند کرده روزها هرگز غذا نخورد تا امام قائم ظهور نمایند (چه صورت دارد؟). امام صادق علیه السلام فرمود: «بنابراین ای کرام! باید هر روز روزه بگیری، ولی دو روز در ایام سال، یعنی روز عید قربان و عید فطر را روزه نگیر، و

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۱۶.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۴.

همچنین سه روز تشریق (روز ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) و وقتی که بیمار و مسافر هستی روزه نگیر، (برای این که بدانی انتظار حضرت مهدی علیه السلام تا چه اندازه مهم است، به این مطلب توجه کن)».

هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌ها است و فرشتگان ناله کردند و گفتند: «پروردگارا! به ما اجازه بده، مخلوقات را هلاک و نابود کنیم زیرا به حریم تو بی‌احترامی کردند و برگزیده‌ی تو را کشتند». خداوند به آن‌ها وحی فرمود: «ای فرشتگان و آسمان‌ها و زمین، آرام باشید». سپس خداوند یک پرده از پرده‌ها را عقب زد. محمد صلی الله علیه و آله و دوازده وصی او در آن جا بودند، آن گاه دست قائم علیه السلام در میان آن‌ها را گرفت و سه بار فرمود: «ای فرشتگانم و آسمان‌ها و زمین! بهذا انتصر لهذا»: به وسیله‌ی این (قائم) از خون این (امام حسین) انتقام می‌گیرم.^۱

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الحسین یخرج فی آخر عمر القائم الحجة ثم یموت القائم و یغسلها الحسین»: همانا حسین علیه السلام در آخر عمر حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌شود. سپس حضرت مهدی علیه السلام از دنیا می‌رود و امام حسین علیه السلام پیکر مطهرش را غسل می‌دهد.^۲

بحث در رابطه‌ی یاران حضرت مهدی علیه السلام

به راستی معلوم نیست که چه سری در عدد ۳۱۳ است و چه رمز و رموزی دارد؟ یاران حضرت پیامبر گرامی اسلام در روز بدر ۳۱۳ نفر بودند، و یاران سید و سالار شهیدان اسلام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز که افتخار همراهی شهادت او را در روز عاشورا ۶۱ داشتند، طبق برخی روایات ۳۱۳ نفر بودند و یاران حضرت مهدی بزرگ مصلح عالم نیز ۳۱۳ نفر خواهند بود و خداوند این برگزیدگان متفکر و شایسته‌کردار را از سرزمین‌های مختلف و از نژادها و قاره‌های مختلف جهان برگزیده است.

در خطبه‌ی «بیان» که منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است نام آنان و شهر و دیارشان آمده است. در این لیست نام برخی شهرها و سرزمین‌هایی که آن شایستگان از آن جا برمی‌خیزند برای ناشناخته و گاه نام‌های آن‌ها مشترک است که ممکن است به یکی از جهات ذیل باشد:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۲.

۱- برخی از شهرهای نامبرده در گذر روزگار تغییر نام یافت است.

۲- برخی در آینده ساخته می‌شوند.

۳- با این که در ثبت و ضبط این نام‌ها، اشتباه و اغلاط چاپی رخ داده است به هر صورت، انشاء الله به اندازه توان و امکان خویش نام‌های جاودانه‌ی یاران حضرت حجت علیه السلام و نام شهر و دیار و قبیله‌ی آنان را طبق حروف الفبا در جدول می‌آورم، انشاء الله.

ردیف	نام	توضیحات
۱	ابان	از شهر سنجاره در شمال عراق
۲	ابراهیم	از اتیوپی از شمال شرقی قاره‌ی آفریقا
۳	ابراهیم	از جده در عربستان سعودی
۴	ابراهیم	از سیراف در ایران و نزدیک خلیج فارس
۵	ابراهیم	از شیراز
۶	ابراهیم	از کوهی در لبنان
۷	ابراهیم	از مدینه
۸	ابراهیم	از مکه
۹	احمد	از آبادان
۱۰	احمد	از ارمنستان
۱۱	احمد	از بغداد
۱۲	احمد	از جعاره که نام روستایی است در اطراف نجف اشرف
۱۳	احمد	از شوشتر
۱۴	احمد	از عقر در عراق
۱۵	احمد	از فرانسه
۱۶	احمد	از فسطاط در مصر
۱۷	احمد	از مغازه
۱۸	احمد	از منطقه سعداوه
۱۹	احمد	از نصیبین که نام شهری در ترکیه و نام روستایی در حلب
۲۰	احمد	از یمن

از طالقان در منطقه‌ی قزوین	ایوب	۲۱
از بیت‌المقدس	بشر	۲۲
از مرقیه در سوریه	بشر	۲۳
از بحرین	بکیر	۲۴
از معاذه	تغلب	۲۵
از خرشان نام شهری در ساحل بحرین	تکیه	۲۶
از تبار صحرائشینان قسین	جابر	۲۷
از طالقان قزوین	جابر	۲۸
از یمن	جابر	۲۹
از صفا در یمن	جبرئیل	۳۰
از یمن	جبیر	۳۱
از آبادان	جعفر	۳۲
از بحرین	جعفر	۳۳
از خلاط شهری در ارمنستان	جعفر	۳۴
از سهم	جعفر	۳۵
از سیلان در هندوستان	جعفر	۳۶
از شیراز	جعفر	۳۷
از قزوین	جعفر	۳۸
از مدینه	جعفر	۳۹
از نجف	جعفر	۴۰
از قزوین	جمیل	۴۱
از یمامه در حجاز	جمیل	۴۲
از یمن	حجر	۴۳
از مرو خراسان	حذیفه	۴۴
از اسکندریه مصر	حسن	۴۵
از بلخ افغانستان	حسن	۴۶
از زید «بالس» در سوریه	حسن	۴۷
از سیلان هندوستان	حسن	۴۸

از کربلا	حسن	۴۹
از مدینه	حسن	۵۰
از معاذه ظاهراً منطقه‌ای در نیشابور	حسن	۵۱
از ارمنستان قبل شامل ترکیه، ایران، آذربایجان و شوروی	حسین	۵۲
از ذهاب کرمانشاه	حسین	۵۳
از کربلا	حسین	۵۴
از کربلا	حسین	۵۵
از مدینه	حسین	۵۶
از معاذه	حسین	۵۷
از قادسیه در عراق	حسین	۵۸
از حمص از شهرهای سوریه	حسین	۵۹
از رهاط اطراف مکه	حسین	۶۰
از طالقان - قزوین فعلی	حسین	۶۱
از سرخس در اطراف مشهد	حسین	۶۲
از اتیوپی شمال شرقی آفریقا	حسین	۶۳
از آبادان	حمزه	۶۴
از صنعا در یمن	حمزه	۶۵
از مدینه	حمزه	۶۶
از سیراف در خلیج فارس	حوقل	۶۷
از یمن	حویش	۶۸
از سیراف خلیج فارس	خالد	۶۹
از طالقان قزوین	خالد	۷۰
از بیت المقدس	داود	۷۱
از طالقان قزوین	داود	۷۲
از عمان	داود	۷۳
از طائف	داود	۷۴
از دمشق	داود	۷۵

از تبار صحرائشینان مصر	دراج	۷۶
از تبار و نژاد تمیم که یکی از تیره‌های عرب است	ریان	۷۷
از طائف	زکریا	۷۸
از ضیغه	زید	۷۹
از طائف	سبا	۸۰
از بیضا که در ایران - مغرب و بسی و جنوب یمن روستایی است که خداوند می‌داند	سعد	۸۱
از طالقان - قزوین	سعد	۸۲
از ساده در یمامه	سعدان	۸۳
از بیضا	سعید	۸۴
از عکا یا عکه در فلسطین	سعید	۸۵
از صفا در یمن	سمیع	۸۶
از معاذه	سوید	۸۷
ضیف در شبه جزیره عرب به نام ضیق است	سهیل	۸۸
از ساده در یمامه	شیب	۸۹
از اسکندریه مصر	شیل	۹۰
از مریقه در سوریه	شعیب	۹۱
از دیار	شعیب	۹۲
از آبادان	شیمان	۹۳
از اسکندریه مصر	شیمان	۹۴
از سوس شوشتر در خوزستان ایران	شیمان	۹۵
از یمن	شیمان	۹۶
از بلقا در شهرهای اردن	صادق	۹۷
از شیراز	صالح	۹۸
از طالقان - قزوین	صالح	۹۹
از عمان	صالح	۱۰۰
از قزوین در ایران	صالح	۱۰۱

از حلب در سوریه	صبیح	۱۰۲
از مراغه	صدقه	۱۰۳
از ساده در یمامه	صیب	۱۰۴
از صحرائنشینان اعیقل	ضابط	۱۰۵
از جده در عربستان سعودی	طالوت	۱۰۶
از فسطاط مصر	ظاهر	۱۰۷
از مدینه	ظاهر	۱۰۸
از معاذه	ظاهر	۱۰۹
از دمله در فلسطین	طلیق	۱۱۰
از عسکر مکرم در خوزستان ایران	طیب	۱۱۱
از یمامه در حجاز	ظافر	۱۱۲
از یمن	عاصم	۱۱۳
از ضیف	عالم	۱۱۴
از آبادان	عامر	۱۱۵
از بحرین	عامر	۱۱۶
از سامرا در عراق	عامر	۱۱۷
از یمن	عامر	۱۱۸
از مدینه	عباس	۱۱۹
از سند پاکستان	عبدالرحمن	۱۲۰
از منصوریه روستایی در اهواز - بهبهان - تربت جام	عبدالرحمن	۱۲۱
از انطاکیه در سوریه	عبدالرحمن	۱۲۲
از دمشق	عبدالرحمن	۱۲۳
از طالقان - قزوین	عبدالرحمن	۱۲۴
از هونین در مصر	عبدالسلام	۱۲۵
از طالقان - قزوین	عبدالعزیز	۱۲۶
از دورق نزدیک اهواز	عبدالغفور	۱۲۷
از هجر نام روستایی در بحرین - یمن -	عبدالقدوس	۱۲۸

حجاز		
از معاذه	عبدالقدیم	۱۲۹
از بغداد	عبدالله	۱۳۰
از شیراز	عبدالله	۱۳۱
از طالقان - قزوین	عبدالله	۱۳۲
از فسطاط در مصر	عبدالله	۱۳۳
از قزوین در ایران	عبدالله	۱۳۴
از کاشان	عبدالله	۱۳۵
از کرمان	عبدالله	۱۳۶
از معاذه	عبدالله	۱۳۷
از مکه	عبدالله	۱۳۸
از انطاکیه سوریه	عبدالله	۱۳۹
از طائف	عبدالله	۱۴۰
از بغداد	عبدالمطلب	۱۴۱
از آبادان	عبدالمهین	۱۴۲
از آبادان	عبدالوارث	۱۴۳
از اسکندریه مصر	عبدالوارث	۱۴۴
از شیزر در سوریه	عبدالوهاب	۱۴۵
شوشتر	عبدالوهاب	۱۴۶
طالقان - قزوین	عبدون	۱۴۷
از کاشان	عبیدالله	۱۴۸
از انطاکیه در سوریه	عبیدالله	۱۴۹
از کوفه	عتاب	۱۵۰
از صحرائشینان مصر	عجلان	۱۵۱
از قطیف در عربستان سعودی	عزیز	۱۵۲
از واسط؟؟ در عراق	عقیل	۱۵۳
از شهرهای مرزی عراق	علوان	۱۵۴
از طالقان - قزوین	علوان	۱۵۵

از بصره عراق	علی	۱۵۶
از حله عراق	علی	۱۵۷
از سمرقند - ازبکستان	علی	۱۵۸
از سنجار عراق	علی	۱۵۹
از طائف	علی	۱۶۰
از طالقان - قزوین	علی	۱۶۱
از فرانسه	علی	۱۶۲
از قزوین در ایران	علی	۱۶۳
از مدینه	علی	۱۶۴
از معاذه	علی	۱۶۵
از ضیعه	علی	۱۶۶
از نصیبین در ترکیه	علی	۱۶۷
از نیشابور	علی	۱۶۸
از همدان در ایران یا همدان در یمن	علی	۱۶۹
از یمن	عمار	۱۷۰
از طالقان - قزوین	عمر	۱۷۱
از عسقلان فلسطین	عمر	۱۷۲
از قزوین در ایران	عمر	۱۷۳
از کازرون	عمر	۱۷۴
از منصوریه	عمر	۱۷۵
از مهجم یمن	عمر	۱۷۶
از بیت المقدس	عمران	۱۷۷
از آبادان	عمرو	۱۷۸
از صحرائشینان اغیر	عمرو	۱۷۹
از مکه	عمرو	۱۸۰
از شوبک	عمیر	۱۸۱
از نجد در حجاز	عمیر	۱۸۲
از شهرکرد	عون	۱۸۳

از عون در یمن	عون	۱۸۴
از اتیوپی آفریقا	عیسی	۱۸۵
از طالقان - قزوین	عیسی	۱۸۶
از تبار صحرائشینان اعیقل	غربان	۱۸۷
از کوفه	غیاث	۱۸۸
از هونین در مصر	فارس	۱۸۹
از نوبه منطقه مرزی مصر و سودان	فاضل	۱۹۰
از طالقان - قزوین	فالح	۱۹۱
از عرفه نزدیک عرفات در اطراف مکه	فرج	۱۹۲
از طالقان - قزوین	فضیل	۱۹۳
از سعداوه	فلاح	۱۹۴
از طبریه فلسطین	فلیح	۱۹۵
از عسقلان در فلسطین	فهد	۱۹۶
از موصل	فهد	۱۹۷
از یمن	فهد	۱۹۸
از انطاکیه در سوریه	قادم	۱۹۹
از آبادان	قاسم	۲۰۰
از کرخ بغداد	قاسم	۲۰۱
از مدینه	قاسم	۲۰۲
از طالقان - قزوین	قبضه	۲۰۳
از حبش	کثیر	۲۰۴
از معاذه	کثیر	۲۰۵
از یمن	کعب	۲۰۶
از یمن	کلثوم	۲۰۷
از هونین مصر	کلیب	۲۰۸
از لنجویه در جزیره‌ای در آفریقای شرقی	کوثر	۲۰۹
از عمان	کوش	۲۱۰
از طالقان - قزوین	لقمان	۲۱۱

از بحرین	لیث	۲۱۲
از قزوین در ایران	لیث	۲۱۳
از قبیله در یمن	مالک	۲۱۴
از سیراف خلیج فارس	مالک	۲۱۵
از عماره جنوب عراق	مالک	۲۱۶
از منصوریه ۱-۲-۳	مالک	۲۱۷
از مهجم در یمن	مالک	۲۱۸
از یمن	مالک	۲۱۹
از قطیف عربستان سعودی	مبارک	۲۲۰
از سمرقند	مجاهد	۲۲۱
از شهر ری	مجمع	۲۲۲
از بصره عراق	محارب	۲۲۳
از خونج در آذربایجان ایران	محروز	۲۲۴
از اسکندریه مصر	محسن	۲۲۵
از اتیوپی در شمال شرقی آفریقا	محمد	۲۲۶
از آبادان	محمد	۲۲۷
از تفلیس در ارمنستان	محمد	۲۲۸
از تیره‌ای از اوسیان مدینه که در صف انصار قرار گرفته	محمد	۲۲۹
از حلب سوریه	محمد	۲۳۰
از حله عراق	محمد	۲۳۱
از خلاط ارمنستان	محمد	۲۳۲
از زیداز بالس در سوریه	محمد	۲۳۳
از سجار در بخارا در قفقاز	محمد	۲۳۴
از عسقلان فلسطین	محمد	۲۳۵
از عمان	محمد	۲۳۶
از قزوین در ایران	محمد	۲۳۷
از کبش در بغداد	محمد	۲۳۸

از کوفه	محمد	۲۳۹
از مدینه	محمد	۲۴۰
از معاذه	محمد	۲۴۱
از مکه	محمد	۲۴۲
از منصوریه ایران	محمد	۲۴۳
از بلس در سوریه	محمد	۲۴۴
از مهجم در یمن	محمد	۲۴۵
از نجف	محمد	۲۴۶
از یمن	محمد	۲۴۷
از سامرا در عراق	مرایی	۲۴۸
از عکا یا عکه در فلسطین	مروان	۲۴۹
از خرشان نام شهری در ساحل بحرین	مسنون	۲۵۰
از تبار صحرائشینان کلاب	مطر	۲۵۱
از الومه شهری در دیار هذیل	معشر	۲۵۲
از کازرون	معمّر	۲۵۳
از سن در تکریت عراق	مقداد	۲۵۴
از طالقان - قزوین	ملاعب	۲۵۵
از منصوریه	ملاعب	۲۵۶
از صحرائشینان اعیقل	منبه	۲۵۷
از عدن در یمن	موسی	۲۵۸
از هجر - نام روستایی در بحرین - یمن - حجاز	موسی	۲۵۹
از رمله در فلسطین	مومی؟؟	۲۶۰
از طالقان قزوین	مهاجر	۲۶۱
از نیشابور	مهاجر	۲۶۲
از عسکر مکرم در خوزستان ایران	میمون	۲۶۳
از سرخس در اطراف مشهد	ناجیه	۲۶۴
از یک قبیله‌ای در یمن	ناصر	۲۶۵

از بلس در سوریه	نصیر	۲۶۶
از بحرین	نصیر	۲۶۷
از معاذ	نعیم	۲۶۸
از خونج در آذربایجان ایران	نوح	۲۶۹
از سیلان در هندوستان	نوح	۲۷۰
از تبار صحرائشینان شبیان	نهراش	۲۷۱
از هرات	نهروش	۲۷۲
از نوبه منطقه‌ی مرزی مصر - سودان	واصل	۲۷۳
از عسقلان فلسطین	هارون	۲۷۴
از قزوین در ایران	هارون	۲۷۵
از سلماس یکی از شهرهای آذربایجان	هارون	۲۷۶
از نجد عربستان	هارون	۲۷۷
از موصل	هارون	۲۷۸
از شوشتر	هلال	۲۷۹
از طایف یمن	هلال	۲۸۰
از عمان	هواشب	۲۸۱
از سن تکریت عراق	هود	۲۸۲
از طالقان - قزوین	هود	۲۸۳
از کوفه	هود	۲۸۴
از جعاده در نجف	یحیی	۲۸۵
از صفا در یمن	یحیی	۲۸۶
از طالقان - قزوین	یحیی	۲۸۷
از انطاکیه در سوریه	یحیی	۲۸۸
از سعداوه	یحیی	۲۸۹
از قم	یعقوب	۲۹۰
از معاذ	یعقوب	۲۹۱
از عسقلان فلسطین	یوسف	۲۹۲
از طائف	یوسف	۲۹۳

از اصفهان	یونس	۲۹۴
از عمان	یونس	۲۹۵
از فسطاط در مصر	یونس	۲۹۶
از کازرون	یونس	۲۹۷

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در اشاره بدین نکته است که می‌فرماید: «أسماءهم فی السماء معروفة و فی الارض مجهولة»^۱؛ یعنی نام یاران مهدی در آسمان شناخته شده است و در زمین (تا آمدن او) ناشناخته.

خداوند این شمار از شخصیت‌ها را، تنها بدان جهت به افتخار بزرگ یاری و یآوری آن حضرت، مفتخر می‌سازد که همگی دارای امتیازات و شایستگی‌ها و صلاحیت‌های بی‌شمارند، به گونه‌ای که نه در روزگاران و نسل‌های گذشته نظیری داشته‌اند و نه در میان نسل‌های آینده نظیری خواهند داشت. امیرالمؤمنین علیه السلام در اشاره به شخصیت و امتیازات آنان می‌فرماید: «لم یسبقهم الاولون و لا یدرکهم الآخرون»^۲؛ یعنی آنان در شایستگی و امتیازات بر اوج رفیعی هستند، نه از نسل‌های گذشته کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می‌رسد.

برخی از آنان به کرامت و مقامی می‌رسند که زمین زیر پای آنان به سان طوماری در هم پیچیده و نزدیک می‌شود و مسافت طولانی را به صورت اعجاز‌آمیزی در مدتی کوتاه می‌پیمایند که امام صادق علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید: «فیصیر الیه انصاره من اطراف الارض، تطوی لهم الارض طیاً»^۳؛ یعنی یاران مهدی علیه السلام از نقاط مختلف زمین به سوی او حرکت می‌کنند و زمین در زیر پای آنان در هم پیچیده و دور به نزدیک می‌گردند.

و یاران حضرت مهدی علیه السلام دارای ایمان استوار و کامل و نداشتن ذره‌ای تردید در دل‌ها و

۱. ینابیه المودة، ص ۴۳۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ص ۱۰۰.

۳. همان مدرک.

جان‌ها نیز بی‌نظیرند. آنان در اوج یقین و اخلاصند و به خاطر قوت و استواری و کمال ایمان به خدا، ذره‌ای ترس و دلهره در کران تا کران وجودشان نیست.

تواضع و فروتنی آنان بی‌نظیر است و جز این که همه‌ی خیرات و برکات را از وجود حضرت استفاده می‌کنند و آن قدر خاضع و خاشعند که همیشه در شب‌زنده‌داری و نیایش مشغولند.

و روزها در اوج آمادگی و شهامت بر مرکب‌های خویش، برای انجام دستورات حضرت مهدی ایستادند. عرفان و آگاهی آنان در دل‌هایشان به نور معرفت درخشنده و نورباران است.

و با جوانی و نشاط و اقتدار و طراوت با اتحاد و برادری که نه غرور و سستی و نه احساس ضعف در وجودشان است فقط در آرزوی انجام وظیفه و شهادت در خدمت حضرت هستند.

و نام مقدس امام حسین علیه السلام بر لب‌هایشان می‌درخشد و شعار ویژه‌ی آنان «یا ثارات الحسین» است.^۱

نخستین سخنرانی حضرت مهدی علیه السلام به روایت امام باقر علیه السلام

﴿والقائم یومئذ بمكة قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیراً به فینادی: ایها الناس! إنا نستنصر الله و من أجابنا من الناس فإنا اهل بیت نبیکم محمد و نحن اولی الناس بالله و بحمد صلی الله علیه و آله فمن حاجنی فی آدم فأنا اولی الناس بآدم و من حاجنی فی نوح فأنا اولی بنوح و من حاجنی فی ابراهیم فأنا اولی الناس بابراهیم و من حاجنی فی محمد فأنا اولی الناس بمحمد و من حاجنی فی النبیین فأنا اولی الناس بالنبیین.

ألیس الله یقول فی محکم کتابه «إن الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریة بعضها من بعض والله سميع علیم».

فأنا بقیة من آدم و ذخیره من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوة من محمد صلی الله علیه و آله ألا فمن حاجنی فی کتاب الله فأنا اولی الناس بکتاب الله.

ألا و من حاجنی فی سنة رسول الله فأنا اولی الناس بسنة رسول الله.

فأنشد الله من سمع كلامي اليوم لما أبلغ الشاهد منكم الغائب.

و اسئلكم يحق الله و حق رسوله و بحقی - فان لی علیکم حق القربی من رسول الله - إلا اعنتمونا و منعمونا ممن یظلمنا فقد اخفنا و ظلمنا و طردنا من دیارنا و ابنائنا و بغی علینا و دفعنا عن حقنا و افتری اهل الباطل علینا.

فالله الله فینا، لا تخذلونا و انصرونا ینصرکم الله تعالی﴾^۱

یعنی: آن اصلاح‌گر بزرگ جهانی در آغاز قیام عادلانه و سراسری خویش به فرمان خدا و یاری او، در مسجد الحرام حاضر می‌گردد و بر دیوار خانه‌ی خدا تکیه می‌کند و پس از ستایش خدا و نثار خالصانه‌ترین و پاک‌ترین درودها بر پیامبر ﷺ و خاندان پاک و پاکیزه‌اش جهانیان را مخاطب ساخته و می‌فرماید:

هان ای بشریت! جهانیان! مردم روی زمین!

اینک ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و تمام ایمان‌آوردگان به خدا و کسانی را که ندای جهانی ما را پاسخ مثبت دهند، همه را، برای تحقق اهداف الهی و انسانی خویش به یاری می‌خوانیم و همه را به حق و عدالت دعوت می‌کنیم.

مردم! ما خاندان پیام آور شما (محمد) هستیم و شایسته‌ترین و نزدیک‌ترین و سزاوارترین مردم به خدا و پیام‌آورش.

هان ای مردم! هر کس با من در مورد آدم ﷺ گفتگو کند، من نزدیک‌ترین مردم به آدم، نیای بزرگ بشریت هستیم. و هر کس در مورد نوح پیامبر، ابراهیم بت‌شکن و محمد پیامبر عدالت و حریت بحث و گفتگو کند، من نزدیک‌ترین انسان‌ها به این پیامبران بزرگ خدا و پرچمداران قهرمان هدایت و رسالت هستیم.

آیا خدا و کتاب آسمانی‌اش نمی‌فرماید: «خداوند آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد، فرزندان بودند که برخی از نسل برخی دیگر پدیدار گشتند و خدا شنوا و دانا است»^۲. و من شایسته‌ترین باقی‌مانده از فرزندان آدم و بهترین ذخیره از نوح پیامبر و برترین گزیده از ابراهیم و آخرین امامان راستین، از نسل محمد ﷺ پیام‌آور عدالت و حریت هستیم.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، باب ۱۴، روایت ۶۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۳-۳۴.

با هوش باشید! هر کس در مورد کتاب خدا گفتگو کند و شیفته‌ی آن باشد من نزدیک‌ترین انسان‌ها به کتاب آسمانی هستم و هر کس در مورد سنت و روش پیام‌آور خدا سخن دارد، من نزدیک‌ترین و سزاوارترین فرد به سنت و روش پیامبر و عامل بدان و تحقق بخشنده‌ی آرمان‌های والای قرآن و سنت هستم.

خطبه دیگر از امام مهدی علیه السلام:

از امام محمد باقر علیه السلام پیام و خطبه دیگری برای حضرت مهدی آورده‌اند که اندک تفاوتی با خطبه پیشین دارد آن حضرت می‌فرماید:

از این رو، تمامی کسانی را که در سراسر گیتی، سخنان مرا می‌شنوند، اینک همه را سوگند می‌دهم که شما حاضران و شنوندگان، پیام مرا به آنان که غایب هستند و نمی‌شنوند، برسانید.

و شما را، ای جهانیان! به شکوه و حرمت خدا و پیام‌آورش و به حرمت حق خویش - که حق قرابت به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد فراخوانده و سوگند می‌دهم که ما را در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای آسمانی یاری کنید و از ما از اهداف بلند ما حمایت نموده و از آن دفاع کنید.

در روزگاران گذشته، ستمکاران ما را به جرم دفاع از حق و عدالت مورد تهاجم و تهدید قرار دادند، ما را از شهر و دیار و خانه و خاندان خویش راندند، حقوق ما را پایمال ساختند و میان ما و حق سررشته‌داری امور و تدبیر شئون دنیا و آخرت جامعه - که خدا آن را به ما سپرده بود - جدایی افکندند و بر ما دروغ‌ها و بهتان‌ها بستند.

اینک خدای را! در مورد رعایت حقوق و پذیرش آرمان‌ها و اهداف بلند، فراموش نکنید. ما را در میدان عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی تنها وامگذارید و دست از یاری ما برندارید تا خدا شما را یاری کند.

خطبه‌ی دیگر از امام مهدی علیه السلام:

از امام محمد باقر علیه السلام خطبه و پیام دیگری برای امام مهدی علیه السلام آورده‌اند که اندک تفاوتی با خطبه‌ی پیشین دارد که آن حضرت می‌فرماید:

امام مهدی، به هنگام شامگاهی، در حالی که پرچم پیامبر اسلام در دست، پیراهن آن حضرت در تن، سلاح ویژه‌ی او، نورافشانی و بیان گرم و دیگر ویژگی‌ها و نشانه‌های آن حضرت را به همراه دارد، در مکه ظهور می‌کند.

نماز عشاء را به جماعت می‌خواند و آن گاه با رساترین صدای دلنوازش جهانیان را مخاطب ساخته می‌فرماید: «أذکرکم الله - أيها الناس - و مقامکم بین یدی ربکم و قد أكد الحجة و بعث الأنبياء و أنزل الكتاب.

يأمرکم ان لا تشرکوا به شیئاً و ان تحافظوا علی طاعة رسوله ﷺ و ان تحيوا ما احيا القرآن و تميتوا ما امات و تكون اعواناً علی الهدی و وزراء علی التقوی فان الدنيا قد دنا فناؤها و زوالها و آذنت بالوداع و انی أدعوکم الی الله و الی رسوله ﷺ و العمل بکتابه و إماتة الباطل و إحياء السنة ...»^۱

اینک در پیشگاه پروردگارتان خدای را به یاد شما می‌آورم، خدایی را که حجت‌های خویش را برای شما تمام و پیام‌آورانش را ارسال کرد و قرآن را برای هدایت بشر فرو فرستاد.

او شما را فرمان می‌دهد که چیزی را شریک او نسازید و بر اطاعت او و فرمانبرداری از پیامبر کوشا باشید. آن چه را قرآن در اندیشه‌ی زنده ساختن آن است، زنده سازید و بدعت‌ها و ضد ارزش‌هایی را که قرآن در پی محو و نابودی آن‌ها است، از میان بردارید، در راه حق و هدایت، مددکار من باشید و در راه تقوا و عدالت وزیر و کمک کار من باشید.

مردم! پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا جدایی خویش را اعلان کرده است. من شما را به سوی خدا و پیام‌آورش محمد ﷺ و عمل به کتاب زندگی او و احیا و رواج ارزش‌های والای الهی و انسانی و نابودی بدعت‌های جاهلی و باطل و ضد ارزش‌ها فرا می‌خوانم.

روز ظهور عاشورا است

در پاره‌ای از روایات، از عاشورا به روز ظهور حضرت مهدی تعبیر شده است. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت قائم روز شنبه که عاشورا است قیام می‌کند، روزی که امام حسین علیه السلام شهید شد.^۲

و نیز می‌فرمایند: «آیا می‌دانید که این روز (عاشورا) چه روزی است؟ همان روزی است که خداوند توبه‌ی آدم و حوا را پذیرفت، روزی است که خداوند دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافت و

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۹۵، عقدالدرر، باب ۷، ص ۱۴۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

فرعون و پیروانش را غرق کرد، و موسی و فرعون پیروز شد. روزی است که ابراهیم متولد شد. روزی است که خداوند توبه‌ی قوم یونس را پذیرفت؛ روز تولد حضرت عیسی و روزی است که حضرت قائم در آن روز قیام می‌کند.^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یکدیگر را در روز عاشورا این گونه نصرت دهید: «أعظم الله أجورنا بمصابنا الحسين و جعلنا و إياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد صلی الله علیه و آله»^۲ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیش امام مهدی علیه السلام از آل محمد طلب خون آن حضرت را کرده، به خونخواهی او برخیزیم.

خود حضرت مهدی علیه السلام نیز در زنده نگه‌داشتن یاد عاشورا می‌کوشند.^۳

آخرین دولت

تعبیرهایی که در روایات در مورد دولت و حکومت امام مهدی علیه السلام آمده چنین است:

- ۱- «دولت جهانی» که اشاره به قلمرو حکومت دارد؛ ۲- «دولت عدالت» که اشاره به بسط عدالت در زمان حاکمیت این دولت دارد؛ ۳- «دولت کریمه» که اشاره به محوریت کرامت انسان در این دولت دارد و به طور مشخص بیان شده که کرامت‌مداری یعنی عزت اسلام و مسلمین از یک سو و ذلت و نفاق و منافقان از سوی دیگر؛ ۴- «دولت صالحان» که اشاره به صالح بودن دولت‌مداران آن است؛ ۵- «دولت حق» که اشاره به حق‌مداری این دولت و نتیجه‌ی آن یعنی بسط حق باطل است؛ ۶- «دولت مستضعفان» که اشاره به حاکمیت یافتن کسانی دارد که از سوی محبان زر و زور و تزویر به استضعاف کشیده شده‌اند؛ ۷- «دولت امنیت» که اشاره به امنیت فراگیر در آن دولت است؛ امنیتی که هم اجتماعی است و هم ایمانی؛ ۸- «دولت رفاه» که اشاره به فراگیری رفاه در پهنه‌ی زمین است و ...

یکی دیگر از تعبیرهایی که از دولت مهدوی شده ولی کمتر مورد توجه قرار گرفته، تعبیر «آخرین دولت» است.

۱. غیبة الطوی، ص ۲۷۴.

۲. مفاتیح الجنان.

۳. داستان علامه بحر العلوم عاشورا و انتظار حسین و مهدی.

این تعبیر در کلمات نورانی معصومان علیهم السلام وجود دارد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «دولتنا آخر الدول»: دولت ما آخرین دولت است. سپس در پایان کلام خویش می فرمایند: و هو قول الله عزوجل: «والعاقبة للمتقين»: و این همان سخن خداوند است که می فرماید: عاقبت از آن پرهیزکاران است.

اهل بیت علیهم السلام از دولت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «آخرین دولت» یاد کرده اند. اکنون این سؤال مطرح است: آخرین دولت به چه معنا است؟ علت آخرین بودن دولت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

وقتی می گوئیم حکومت حضرت مهدی علیه السلام آخرین دولت است، هم به این معنی است که آخرین و مترقی ترین اندیشه در باب حکومت و زمامداری است و هم به این معنی است که پس از آن دولت دیگری حاکمیت نمی یابد و تا پایان تاریخ ادامه می یابد. امام باقر علیه السلام به دنبال این که می فرمایند «دولت ما آخرین دولت است»، چنین ادامه می دهند:

هیچ خاندان دارای حکومتی باقی نمی ماند، مگر این که قبل از ما به حکومت می رسند. امام صادق علیه السلام نیز در همین رابطه می فرمایند: این امر (حکومت ما اهل بیت) فرا نمی رسد مگر این که همه ی گروه ها بر مردم حکومت کرده باشند... آن گاه قائم علیه السلام قیام می کند و حق و عدالت را برپا می دارد.

در برخی از روایاتی که در آنها مسئله ی آخرین دولت بودن حکومت امام مهدی علیه السلام مطرح شده، علت آن نیز تبیین شده است. مثلاً امام باقر علیه السلام پس از آن که می فرماید دولت ما آخرین دولت است و پیش از آن، همه ی صاحبان قدرت و اندیشه به حکومت می رسند، در بیان علت می فرمایند: ... تا وقتی شیوه ی حکومت ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، به شیوه ی اینان رفتار می کردیم.

همچنین امام صادق علیه السلام پس از آن که می فرمایند پیش از برقراری دولت ما همه ی گروه ها به حکومت می رسند، علت این تقدم و تأخر را چنین بیان می دارند: تا کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم به عدالت رفتار می کردیم.

قیام با شمشیر

برخی می گویند چگونه امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام خواهد کرد؟ چرا از سایر شیوه ها

استفاده نمی‌کند، به علاوه با توجه به پیشرفت‌های خارق العاده بشر در زمینه‌ی صنایع نظامی، مگر شمشیر می‌تواند در مقابل این سلاح‌های پیچیده کارایی داشته باشد؟ از دقت در مجموعه‌ی روایات مربوط به معارف امام زمان علیه السلام به وضوح معلوم می‌شود که قیام آن حضرت یک قیام مسلحانه خواهد بود و به این حقیقت با تعبیر مختلف اشاره شده است. زید بن شحام می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمودند: در قائم ما چند سنت از سنن پیامبران وجود دارد ... سنتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارند این که وی نیز همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله با شمشیر قیام خواهد کرد.

در نوشته‌ای به خط امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: ... حجت خدا بر مردم با شمشیر برهنه ظهور خواهند کرد تا حق را غلبه بخشند...

عدم توجه به سایر قسمت‌های این دسته از روایات یا روایت‌های دیگری که مضمون این روایات را کامل می‌سازند سبب شده است که دوستان ناآگاه تصویری مخدوش و نامناسب از مسئله‌ی ظهور امام زمان علیه السلام در ذهن داشته باشند و این امر خود بستر و زمینه‌ای را فراهم ساخته است تا دشمنان آگاه از طریق تصرف در مفهوم یا ایجاد تحریف در متن و موضوع این قبیل از روایات، حقیقت مسئله‌ی مهدویت را بر خلاف آن چه که هست نشان دهند و حتی امروزه شاهد هستیم که به کمک ابزارهای تبلیغاتی مدرن، این مسئله را به عنوان یک اندیشه‌ی خطرناکی که فرهنگ و تمدن بشری را تهدید می‌نماید معرفی می‌کنند. ساختن فیلم‌هایی چون «نوسترا داموس» از جمله‌ی این فعالیت‌ها است که در ضمن آن عوامل استکبار جهانی و صهیونیست بین‌الملل تلاش می‌کنند که «مهدی موعود» را ضد صلح و امنیت و جنگ‌طلب و ... معرفی نمایند و از این طریق به تخطئه‌ی تفکر مهدویت می‌پردازند.

در حالی که اگر کسی اندک تأملی در اهداف کلی همه‌ی آیین‌های الهی و از جمله مکتب اسلام بنماید به خوبی متوجه می‌شود که هدف اصلی تک‌تک احکام و قوانین و مقررات الهی حاکمیت بخشیدن به ارزش‌هایی است که کمترین نتیجه‌ی آن‌ها ایجاد صلح و آرامش و امنیت در جوامع است، تا در سایر؟؟ آن همه‌ی افراد به کمال انسانی خویش دست یابند.

اگر در برخی از موارد سخن از شمشیر و مبارزه و جهاد به میان آمده است این به شرایط و موقعیت‌های ویژه‌ای اختصاص دارد که شیوه‌های دیگر مؤثر و نتیجه‌بخش نیستند.

بر این اساس امام زمان علیه السلام نیز همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نخست مخالفان را از طریق منطق و موعظه به پذیرش حقیقت دعوت می‌کنند و بر شبهات و سوالات و دغدغه‌های فکری و اعتقادی آن‌ها مناسب‌ترین پاسخ را ارائه می‌دهند و حجت را برای همگان

تمام می‌نمایند، در نتیجه اغلب افراد حقیقت‌خواه و غیرمغرض نیز به راه راست هدایت شده مسیر سعادت را در پیش می‌گیرند. با این همه در مقابل، تعدادی هم به جهت پیروی از هواهای نفسانی چون این دعوت را متعارض با منافع غیر مشروع خود می‌بینند با آن به مخالفت برمی‌خیزند و از هیچ‌گونه ظلم و ستم و طغیان و سرکشی و ... خودداری نمی‌کنند. در چنین شرایطی که منطق و استدلال و ارشاد و موعظه نتیجه‌ای در پی ندارد و در عین حال حجت بر همه‌ی افراد تمام شده است و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه برای سرپیچی از حقیقت برای کسی باقی نمانده و در مستکبران و ستم‌پیشگان و زورمندان خونخوار جز زبان زور چیز دیگری مؤثر واقع نمی‌شود، حضرت بالاجبار دست به شمشیر می‌برند و از آن طریق جلو تعدی و سرکشی ظلم‌پیشگان را می‌گیرند و محرومان و مستضعفان را به حق‌شان می‌رسانند. به عبارت دیگر روزگار مهدی موعود علیه السلام روزگار خوار شدن زورداران و فسادپیشگان است. اگر در زمان‌های گذشته علی‌رغم تلاش اولیای الهی، جباران و ستمگران به سرکشی و تعدی ادامه می‌دادند و حتی انبیا و اولیا را به قتل می‌رساندند، در روزگار امام زمان علیه السلام فرصت آن را پیدا نمی‌کنند که به جنایات خود استمرار ببخشند و مصلحان و پاکان را شهید سازند و صحنه‌هایی همانند صحنه‌ی عاشورا را تجدید نمایند.

آری مهدی علیه السلام دست انتقام خدا است که انتقام مظلومان و محرومان را از ستمگران و ستمگران خواهد گرفت و خوبی‌ها را در سرتاسر جهان حاکم خواهد ساخت و صالحان و مستضعفان را که وارثان زمین‌اند به عزت خواهد رساند و دشمنان حقیقت و طواغیت و گمراه‌کنندگان را به خاک مذلت خواهد نشاند.

در پاسخ به این سؤال که شمشیر چگونه در مقابل ابزارهای پیشرفته‌ی نظامی مدرن می‌تواند کارایی داشته باشد؟ احتمالاتی مطرح شده است:

الف) شاید خروج با شمشیر کنایه از جنگ و مأموریت الهی برای جهاد باشد؛ یعنی امام زمان علیه السلام برای رسیدن به اهداف خود از قدرت و نیروی نظامی استفاده خواهند کرد و مردم گمان نکنند که آن حضرت به موعظه و پند و اندرز اکتفا می‌نمایند. بنابر این دیدگاه، مقصود از قیام شمشیر این نیست که سلاح جنگی امام زمان علیه السلام منحصر به شمشیر خواهد بود از به کارگیری ادوات جنگی رایج خودداری خواهد کرد. چه بسا آن حضرت از بهترین شیوه‌های جنگی و از مدرن‌ترین آلات و ابزارهای نظامی موجود جهت پیشبرد نهضت خود استفاده کنند و یا حتی به واسطه‌ی توان علمی فوق‌العاده‌ای که دارند خوشان سلاح‌های پیشرفته‌تری را اختراع کنند و

به وسیله‌ی آن‌ها با تمام ابزارها و وسایل جنگی موجود در آن عصر غالب شوند.

ب) احتمال دیگر این است که یا به جهت رشد فکری بشر و ارتقای سطح فرهنگ و اندیشه‌ی انسان‌ها و برطرف شدن عناد و جهالت و ... در آن عصر انسان از تولید سلاح‌های خطرناک کشتار جمعی دست خواهد برداشت و تمام سلاح‌های موجود اتمی و هسته‌ای و ... را نابود خواهد ساخت و در نتیجه برای از بین بردن نارسایی‌های موجود، نیازی به استفاده از سلاح‌های پیچیده نخواهد بود؛ لذا برای استقرار عدالت و صلح و امنیت شمشیر معمولی هم کفایت خواهد کرد، در نتیجه حضرت به کمک شمشیر نظام واحد عادلانه‌ی جهانی را در سرتاسر عالم ایجاد خواهد نمود.

و یا این که قبل از ظهور آن حضرت در نتیجه‌ی وقوع جنگ‌های بزرگ، تمام دستاوردهای علمی و صنعتی جهان نابود خواهد شد و بشر به واسطه‌ی از دست دادن تمام امکانات پیشرفته که حاصل هزاران سال تلاش و تجربه‌ی فکری و علمی انسان بوده است، از یک زندگی ابتدایی و بسیار ساده برخوردار خواهد بود که شمشیر یک سلاح پیشرفته محسوب خواهد شد و برای ایجاد یک جامعه‌ی واحد جهانی کفایت خواهد کرد. و یا به خاطر یک سلسله علل معنوی و مادی دیگر که برای ما معلوم نیست، وسائل جنگی پیشرفته در زمان ظهور امام زمان علیه السلام بدون استفاده خواهند ماند؛ اما شمشیر در چنین شرایطی از چنان کارایی بالایی برخوردار می‌شود که در سرتاسر عالم صلح و امنیت به کمک آن قابل تحقق می‌گردد و در نتیجه آن حضرت به کمک این ابزار ساده‌ی جنگی، تمام حکومت‌های استکباری را نابود ساخته و نظام عدل اسلامی را در تمام جهان حاکمیت خواهد بخشید.^۱

بیعت با امام مهدی علیه السلام

پیش از این که از بیعت با آن اصلاحگر بزرگ جهانی سخن بگوییم، برخی روایاتی را که در این مورد آمده است، می‌آوریم:

۱- امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود:

«إن أول من يبایع القائم، جبرئیل»

یعنی: نخستین کسی که با قائم بیعت خواهد کرد، فرشته‌ی امین وحی است.

۲- امام جواد علیه السلام فرمود:

﴿كأنى بالقائم - يوم عاشوراء، يوم السبت - قائماً بين الركن و المقام، بين يديه جبرئيل ينادى: البيعة لله﴾^۱

یعنی: گویی می‌نگرم که قائم علیه السلام روز شنبه و روز عاشورا، میان رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام ایستاده است و در آغاز قیام جهانش جبرئیل فرشته‌ی امین وحی در برابر او قرار گرفته و ندا می‌دهد که: «هر کس می‌خواهد برای خدا بیعت کند بشتابد و با حجت خدا بیعت نماید».

۳- ششمین امام نور علیه السلام فرمود:

﴿إذا أذن الله تعالى للقائم في الخروج صعد المنبر فدعا الناس الى نفسه و ناشدهم الله و دعاهم الى حقه و أن يسير فيهم بسنة رسول الله صلى الله عليه و آله و يعمل فيهم بعلمه.

فبيعت الله جل و جلاله، جبرئيل، حتى يأتيه فينزل على الحطيم يقول: «الى أي شيء تدعو؟! فيخبره القائم عليه السلام. فيقول جبرئيل: «أنا اول من يبائعك. ابسط يدك!»

فيمسح على يده و قد وافاه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً فببائعونه و يقيم بمكة حتى يتم أصحابه عشرة الاف نفس، ثم يسير منها الى المدينة﴾^۲

یعنی: هنگامی که خداوند به قائم علیه السلام فرمان ظهور می‌دهد، آن حضرت در مکه ظاهر می‌گردد و بر فراز منبر می‌رود و مردم را به سوی خود و اهداف بلند و انسانی و آسمانی خویش فرا می‌خواند، آنان را سوگند می‌دهد و به حقوق خویش فرا می‌خواند و از آنان می‌خواهد که حقوق او را رعایت کنند تا آن گرامی هم بر اساس سنت و روش عادلانه و آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله امور و شئون جامعه را تدبیر نماید و بر اساس دانش و آگاهی خویش، کارها را به سامان آورد.

پس خداوند جبرئیل را فرو می‌فرستد تا به حضور آن حضرت شرفیاب گردد و فرشته‌ی وحی میان رکن، نزدیک حجر الاسود یا «حطیم» و باب کعبه قرار می‌گیرد و از امام علیه السلام می‌پرسد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

که: «مردم را به چه برنامه‌ای دعوت می‌کنید؟»

آن گرامی برنامه‌ی خویش را توضیح می‌دهد، جبرئیل می‌گوید: «من اولین کسی هستم که با شما بیعت می‌کنم، پس، دست مبارک را بگشا تا با تو بیعت نمایم.»

آن گاه جبرئیل دست گرامی او را می‌فشارد و از پی آن، یاران خاص آن حضرت که ۳۱۳ نفر هستند، گرد آمده و با پیشوای بزرگ نجات، بیعت می‌نمایند.

آن حضرت در مکه توقف می‌کند و ۱۰ هزار نفر با او بیعت می‌کنند، سپس به سوی مدینه حرکت می‌کند.

امام مهدی علیه السلام و میراث پیامبران

آن گرامی به فرمان خدا برای اصلاح جهان به پا می‌خیزد در حالی که میراث پیامبران خدا، به ویژه میراث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نزد اوست. میراث‌هایی که از نظر ارزش و بها وصف‌ناپذیر و بی‌همانندند و نمی‌توان برای آن‌ها بهایی مادی در نظر گرفت و یا در برابر آن‌ها قیمتی مشخص ساخت.

یک پرسش و پاسخ آن

سؤال: «میراث پیامبران چیست؟»

جواب: منظور از میراث پیامبران در این جا، مال و املاک و چیزی که انسان پس از مرگ برای بازماندگانش برجای می‌گذارد نیست، بلکه منظور چیزهای نفیس و پرارزشی است که پیام‌آوران خدا از خود به جای نهاده‌اند و از وصی راستین هر کدام به دیگری انتقال یافته است.

این میراث‌های خاص، از همه‌ی پیام‌آوران خدا به برترین و آخرین پیامبر اسلام رسید و پس از رحلت آن بزرگوار نیز به جانشین راستین او امیرمؤمنان علی علیه السلام و پس از او به امام مجتبی علیه السلام و پس از او به امام حسین علیه السلام رسید و همین طور از امامان راستین یکی پس از دیگری دست به دست گردید تا به آخرین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت مهدی علیه السلام انتقال یافت و اینک، همه‌ی آن‌ها نزد آن گرامی موجود است و حضرت مهدی علیه السلام آن میراث‌های ارزشمند را تا روز ظهور خویش برای تحقق بخشیدن به فرمان خدا حفظ می‌کند.

نقش میراث پیامبران

سؤال: «این میراث‌های پیامبران به هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام و دوران حکومت عادلانه‌ی او چه نقشی خواهند داشت؟»

جواب: این میراث‌ها، نشانگر این واقعیت است که امام مهدی علیه السلام از همه‌ی مردم به پیامبران و جانشینان راستین آنان، نزدیکتر است و آن گرامی ادامه دهنده‌ی همان خط آسمانی و خدایی است که تمامی پیامبران، از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله در پی تحقق آن بودند. و نیز نشانگر نکات دیگری است که خواهد آمد.

اینک برخی از روایات در این مورد:

۱- امام باقر علیه السلام فرمود:

«إذا ظهر القائم علیه السلام ظهر برایه رسول الله صلی الله علیه و آله و خاتم سلیمان و حجر موسی و عصاه»^۱

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور نماید با پرچم ویژه‌ی پیامبر، خاتم سلیمان، سنگ و عصای ویژه‌ی موسی، ظهور می‌کند.

از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که در روایتی پیرامون پرچم خاص پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... نزل بها جبرئیل یوم بدر... نشرها رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بدر، ثم لفها و دفعها الی علی علیه السلام

فلم تزل عند علی علیه السلام حتی اذا کان یوم البصرة، نشرها أمير المؤمنين ففتح الله علیه، ثم لفها و هی عندنا... لا ینشرها احد حتی یقوم القائم، فاذا هو قام نشرها...»^۲

جبرئیل در روز بدر، آن پرچم را برای پیامبر آورده و آن حضرت آن را گسترد و به اهتزاز درآورد آن گاه پس از پیروزی آن را پیچید و به امیرمؤمنان علیه السلام داد و روز جنگ بصره نزد آن حضرت بود، در آن جا آن پرچم را گسترد و پس از رسیدن پیروزی از جانب خدا، بار دیگر آن را بست و به امام راستین پس از خویش سپرد ... و هم اکنون آن پرچم پیروزی بخش نزد ما خاندان پیامبر است و کسی آن را نخواهد گشود تا قائم ما قیام کند و آن گاه است که او پس از قیام آن پرچم ویژه‌ی پیامبر را خواهد گشود.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۲۸، ص ۲۲۸.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷.

اما «خاتم سلیمان»، روایت است که:

﴿... إذا لبسه سخر الله له الطير و الريح و الملك﴾:

آن حضرت هنگامی که آن خاتم را با خود برمی داشت، خداوند پرنده و باد و فرشتگان را مسخر او می ساخت.

اما سنگ و عصای موسی علیه السلام، قرآن شریف می فرماید:

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ﴾^۱:

و به یاد آور آن گاه را که موسی برای قوم خویش آب خواست و ما گفتیم: «عصایت را بر آن تخته سنگ بزن!»، پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت [به گونه ای که] هر گروهی آبشخور خود را می دانست.

و در مورد عصای او می فرماید:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾^۲:

و به موسی وحی کردیم که عصای خویش را بیفکن و به ناگاه دیدند که همه ی جادوهایشان را می بلعد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

﴿عصى موسى قضيب آس، من غرس الجنة، أتاه بها جبرئيل لما توجه تلقاء مدین﴾^۳:

عصای موسی از چوب «آس» بوده است که از درخت های بهشت است؟؟ هنگامی که او به سوی مدین حرکت کرد، جبرئیل آن را برای او آورد.

و امام باقر علیه السلام فرمود:

﴿إذا خرج القائم ... و يحمل معه حجر موسى بن عمران - و هر وقر بعیر - فلا ينزل لا نبعت

۱. سوره بقره، آیه ۶۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۱۷.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۲۸.

منه عیون...):

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند... سنگ عظیم و ویژه‌ی موسی بن عمران همراه اوست و در هر منزل گاهی فرود می‌آید از آن سنگ، چشمه‌ها می‌جوشد.

۲- امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود:

«ألا أریک قمیص القائم الذی یقوم علیه؟»

قال: «بلی!»

فدعی بقمطر ففتحہ و أخرج منه قمیص کرابیس فنشره، فإذا فی کمه الأیسر دم.

فقال علیه السلام: «هذا قمیص رسول الله صلی الله علیه و آله الذی کان علیه یوم ضربت رباعيته؟؟ یقوم القائم.»

قال یعقوب بن شعیب: «فقبلت الدم و وضعتہ علی وجهی، ثم طواه أبو عبد الله و رفعه.»^۱

یعنی: آیا پیراهن خاصی را که قائم علیه السلام به هنگام ظهور بر اندام مبارک خود دارد به تو نشان دهم؟

پاسخ داد: آری فدایت گردم.

امام صادق علیه السلام بسته‌ی خاصی را طلبید و آن را گشود و پیراهن ویژه‌ای را آورد که در آستین چپ آن، قطرات خون بود.

آن گاه فرمود: «این پیراهن پیامبر گرامی است. در جنگ احد آن گاه که دندان مبارکش را شکستند، این پیراهن بر تن پیامبر بود و قائم علیه السلام نیز به هنگامی که ظهور کند این پیراهن را بر تن دارد.»

یعقوب می‌گوید: «من آستین خون‌آلود پیراهن را بوسه زدم و بر چهره‌ام نهادم. آن گاه امام صادق علیه السلام آن را بست و در جای خود قرار داد.»

۳- امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

«أتدری ما کان قمیص یوسف؟»

قلت: «لا!»

قال: «إن إبراهيم عليه السلام لما أوقدت النار، نزل إليه جبرئيل بالقميص و ألبسه إياه، فلم يضره معه حر و لا برد، فلما حضرته الوفاة جعله في تميمة و علقه على إسحاق عليه السلام و علقه اسحاق على يعقوب عليه السلام فلما ولد يوسف علقه عليه و كان في عضده، حتى كان من أمره ما كان. فلما أخرجه يوسف عليه السلام من التميمة وجد يعقوب ريحه و هو قوله عزوجل: «إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون» فهو ذلك القميص من الجنة».

قلت: «جعلت قداك! ... فالی من صار هذا القميص؟».

قال عليه السلام: «الی أهله و هو مع قائمنا إذا خرج».

ثم قال: «كل نبی ورث علماً - أو غيره- فقد انتهى الی آل محمد صلی الله علیه و آله».

یعنی: آیا می دانی پیراهن یوسف چه بود؟

مفضل گفت: «نه! فدایت گردم!».

فرمود: «هنگامی که ابراهیم را به آتش افکندند جبرئیل فرود آمد و آن پیراهن را بر اندام او پوشانید، آن گاه بار دیگر با آن پیراهن، نه حرارت آتش به او آسیب رسانید و نه سوز سرما. هنگامی که رحلت او فرا رسید، آن را در بسته‌ی خاصی قرار داد و به اسحاق سپرد و اسحاق نیز به یعقوب سپرد و یعقوب نیز آن را به یوسف سپرد و همچنان به همراه یوسف بود تا آن لحظه‌ای که خود را به برادرانش شناساند و آن پیراهن را از جایگاه ویژه‌اش خارج ساخت تا به سوی پدر بفرستد و آن گاه بود که یعقوب بوی عطر آگین آن را استشمام کرد که قرآن می‌فرماید: «إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون» و این پیراهن از بهشت بود».

مفضل می‌گوید: گفتم: «فدایت گردم! این پیراهن به کجا و چه کسی انتقال یافت؟».

فرمود: «به اهلش! هنگامی که قائم ما قیام کند به همراه او خواهد بود».

سپس فرمود: «هر پیامبری دانشی از خود به جای گذارد یا ارث دیگری از و بماند، سرانجام

به آل محمد صلی الله علیه و آله می‌رسد».

۴- امام صادق عليه السلام فرمود:

«يكون عليه قميص رسول الله ﷺ الذي كان عليه يوم أحد و عمامته السحاب و درع رسول الله السابغة و سيف رسول الله ذوالفقار»^۱

یعنی: پیراهن پیامبر که در جنگ احد بر تن مبارکش بود، عمامه‌ی آن حضرت و زره و شمشیرش که «ذوالفقار» نام داشت، همه به هنگام قیام قائم همراه آن حضرت خواهد بود.
۵- امام باقر علیه السلام فرمود:

«كانت عصی موسى لآدم عليه السلام فصارت الى شعيب، ثم صارت الى موسى بن عمران و إنها لعندنا و إن عهی بها أنفأ و هی خضراء کهیئتها حين انتزعت من شجرتها و إنها لتتطق اذا استنطقت، اعدت لقائمنا عليه السلام يصنع بها ما كان يصنع بها موسى بن عمران عليه السلام و إنها تصنع ما تؤمر و إنها حيث القیت تلقف - ما یأفکون - بلسانها»^۲

یعنی: عصای موسی نخست مال آدم بود. از او به شعیب پیامبر و آن گاه به موسی رسید و اینک آن عصا نزد ما خاندان پیامبر است. من تازه آن را دیده‌ام که سبز رنگ است، درست به سان هنگامی که از درخت بریده شده است.

آن عصا، هنگامی که خواسته شود، به قدرت خدا سخن می‌گوید و برای قائم ما، آماده شده است و آن گرمی‌تر از آن، همان گونه بهره می‌برد که موسی علیه السلام بهره برد. و آن عصا هر آن چه دستور یابد انجام می‌دهد و هنگامی که افکنده شود هر آن چه را که فریبکاران و ساحران و دروغ‌پردازان و شیادان روزگار بافته باشند، همه را می‌بلعد و باطل می‌سازد.

امام مهدی علیه السلام در مکه‌ی مکرمه

پس از بیعت مردم با حضرت مهدی علیه السلام در مکه و فروپاشی نظام حاکم بر آن، آن حضرت قدرت را به کف می‌گیرد و بر تشکیلات و مراکز اداری جامعه مسلط می‌شود.

از روایات چنین دریافت می‌گردد که نه تنها استبداد حاکم در آن روزگار نمی‌تواند با حرکت اصلاحی و نجات‌بخش آن حضرت، رویارویی کند، بلکه نشانگر آن است که مکه و مناطق گوناگون آن، به سرعت در قلمرو حرکت امام علیه السلام قرار می‌گیرد و نیروی عدالت بر همه جا

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷.

۲. اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

حاکم می‌شود.

پس از به کف گرفتن تدبیر امور و شئون سرزمین وحی و رسالت، آن اصلاحگر بزرگ، علاوه بر تأمین زندگی مادی و معنوی جامعه با برنامه‌ریزی وصف‌ناپذیرش، به اقدامات و کارهای بی‌سابقه‌ای نیز دست می‌زند.

در مدینه‌ی منوره

امام مهدی علیه‌السلام پس از تدبیر امور و تنظیم شئون مردم و گزینش فرد کارا و پروا پیشه‌ای برای اداره‌ی آن منطقه، مکه را به سوی مدینه، ترک می‌کند، اما پس از خروج آن حضرت از مکه، برخی جنایت‌کاران می‌شورند و برگزیده‌ی او برای اداره‌ی امور را به قتل می‌رسانند.

خبر این جنایت هولناک در میان راه به آن گرامی می‌رسد و به مکه بازمی‌گردد و این گروه شورشی و تجاوزکار را سرکوب نموده و ریشه و شاخ و برگ آشوب و فتنه را از بن برمی‌کند و با نصب شخصیت دیگری برای اداره‌ی امور، به سوی مدینه حرکت می‌نماید.

در مدینه به کارهایی دست می‌زند که نیاز به تفسیر و توضیح دارد اما ما در این جا تنها با اشاره می‌گذریم. از جمله‌ی آن کارها این است که: برخی قبرها را می‌شکافد و جسد‌ها را خارج می‌کند و به آتش می‌کشد و ...

یک سؤال و جواب

پس از مدینه‌ی منوره و تنظیم شئون آن، حضرت مهدی علیه‌السلام به کجا حرکت می‌کند؟ از روایاتی این نکته دریافت می‌گردد که آن حضرت از مدینه‌ی منوره به سوی عراق حرکت می‌کند و از کنار رشته‌کوه‌های «شمر» و «حائل» و «رفحاء» می‌گذرد و آن گاه به نجف می‌رسد. اما این که در داخل عراق در کجا مستقر می‌گردد؟ و پایتخت و مرکز حکومت جهانی و عادلانه‌ی او کجا خواهد بود؟ پاسخ این دو سؤال را در بخش آینده خواهیم خواند.

مرکز حکومت امام مهدی علیه‌السلام یا پایتخت جهانی او

مسافت میان کوفه و نجف، کمتر از ده کیلومتر است و به خاطر مناطق مسکونی که در این سال‌ها ایجاد شده، شهر «نجف» به «کوفه» متصل شده است.

کوفه، پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام موقعیت شکوهِباری می‌یابد؛ چرا که طبق روایات

رسیده از امامان معصوم علیهم السلام آن جا مرکز حکومت عادلانه و جهانی اسلام و قرآن و پایتخت دولت او خواهد شد.

اینک برخی از روایات در این مورد:

۱- امیرمؤمنان علیه السلام ضمن بیانی پیرامون ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

«... ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها، فلا يترك عبداً مسلماً إلا اشتراه و أعتقه و لا غارماً إلا قضى دينه و لا مظلمة لأحد من الناس إلا ردها و لا يقتل عبد إلا أدى ثمنه - فدية مسلمة إلى أهلها- و لا يقتل قتيل إلا قضى عنه دينه و ألحق عياله في العطاء، حتى يملأ الارض قسطاً و عدلاً، كما ملئت ظلماً و جوراً و عدواناً

و يسكن هو و اهل بيته الرحبة و الرحبة انما كانت مسكن نوح و هي أرض طيبة، لا يسكن رجل من آل محمد صلوات الله عليهم و لا يقتل إلا بأرض طيبة زاكية، فهم الأوصياء الطيبون»^۱

یعنی: سپس به کوفه می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده‌ی مسلمانی دربندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بدهکاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلومه‌ای نمی ماند جز این که آن را می پردازد و کشته‌ای نمی ماند مگر این که دیه‌ی او را می دهد و ... کشته‌ای نمی ماند جز این که دین او را پرداخته و خانواده‌ی او را تأمین می کند و همه‌ی امور او را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه‌ی ظهور او، از ظلم و جور لبریز است.

آن حضرت و خاندانش در «رحبه» سکونت می کنند، همان نقطه‌ای که قرارگاه و مسکن حضرت نوح علیه السلام و سرزمین پاک و پاکیزه بود. و می دانیم که هیچ مردی از خاندان وحی و رسالت، جز در سرزمین پاک و پاکیزه، مسکن برنگزید و جز در سرزمین پاک به شهادت نرسید. و امام مهدی و خاندانش علیهم السلام جانشین پاکان و برگزیدگان هستند...

۲- مفضل به امام صادق علیه السلام گفت:

«یا مولای!... کل المؤمنین یكونون بالكوفة؟»

قال علیه السلام: «إی والله... لا یبقی مؤمن إلا کان بها أو حوالیها و لیبلغن مجالة فرس منها ألفی

درهم و لیودن اکثر الناس أنه إذا قام القائم و دخل الكوفة، لم يبق مؤمن إلا و هو بها».

یعنی: «سرورم! ... آیا همه‌ی مؤمنان راستین در عصر ظهور قائم علیه السلام در کوفه خواهند زیست؟».

فرمود: «آری!... همه در کوفه یا پیرامون آن خواهند بود و کوفه بها و ارزشی خواهد یافت که هر متر از زمین آن، از مرز دو هزار درهم خواهد گذشت. و مردم با ایمان به هنگامی که قائم علیه السلام وارد شهر کوفه شد و آن جا مرکز حکومت عادلانه‌ی جهانی او گردید، دوست می‌دارند در آن جا باشند و همواره دل‌های ایمان‌آوردگان در آن جاست».

۳- امام مجتبی علیه السلام در این مورد فرمود:

﴿لموضع الرجل في الكوفة أحب إلي من دار بالمدينة﴾^۱.

یعنی: جای یک قدم زمین در کوفه، برای من دوست‌داشتنی‌تر از خانه‌ای در مدینه است.

۴- امام باقر علیه السلام در روایتی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

﴿ثم يرجع الى الكوفة، فيبعث الثلاثمائة و البعضة عشر رجلاً الى الآفاق كلها، فيمسح؟؟ بين

اكتافهم و على صدورهم، فلا يتعابون في قضاء...﴾.

یعنی: سپس آن حضرت به کوفه بازمی‌گردد و از آن پایگاه عادلانه‌ی جهانی، فراتر از سیصد شخصیت شایسته و وارسته و ساخته شده که هر کدام قهرمانی در میدان علم و تقوا و شجاعت و کارایی و تدبیر و کیاست هستند به سراسر جهان گسیل می‌دارد.

دست دگرگون‌ساز و مبارک خویش را بر سینه‌ی آنان می‌ساید و آنان چنان می‌شوند که در هیچ برنامه و مشکل علمی و حقوقی و سیاسی و انمی‌مانند و شئون فرهنگی، اخلاقی، فقهی و اجتماعی جامعه را با درایت تنظیم می‌نمایند.

۵- از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که فرمود:

﴿إذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ... اتصلت بيوت الكوفة بنهر كربلاء﴾^۲.

یعنی: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند - کوفه را پایگاه عدالت و تقوای جهانی می‌سازد - و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۲.

آن جا، چنان گسترش می‌یابد که خانه‌های کوفه به شهر کربلا می‌رسد.
۶- مفضل در این مورد پرسید:

«یا سیدی! ... فاین تکون دار المهدی و مجتمع المؤمنین؟»

قال عليه السلام: «دار ملكه: الكوفة و مجلس حكمه: جامعها و بيت ماله و مقسم غنائم المسلمين: مسجد السهلة و موضع اشترى شبراً- من أرض السبع- بشبر من ذهب...؟؟ و لتصيرن الكوفة أربعة و خمسين ميلاً و ليجاورن قصورها كربلاء...»^۱.

یعنی: سرورم! قرارگاه حضرت مهدی عليه السلام و ایمان‌آوردگان خاص به حق، در کجا خواهد بود؟

فرمود: «پایتخت آن حضرت، کوفه خواهد بود و مرکز قضاوت عادلانه‌ی او، مسجد جامع آن و مرکز اصلی بیت‌المال، مسجد سهله در نزدیکی کوفه.

و آن شهر و سرزمین آن، ارزش و بهایی می‌یابد که با طلا برابری می‌کند و چنان گسترش می‌یابد که مساحت آن به ۵۴ میل می‌رسد و قصرهای آن تا کربلا امتداد می‌یابد».

امام مهدی عليه السلام در سرزمین قدس

در بحث از جنبش «سفیانی»- گذشت که امام مهدی عليه السلام برای درهم کوبیدن بساط فریب و دجالگری و بیداد سفیانی- پس از استقرار حکومت عادلانه‌اش در جزیره‌ العرب و عراق، از کوفه به سوی شام حرکت می‌کند و در آن روزگاران «سفیانی» در «رمله» در سرزمین فلسطین و شمال شرقی قدس خواهد بود.

امام مهدی عليه السلام با لشکر شکوهمند خویش به فلسطین می‌رسد و پیکاری سخت میان دو نیروی حق و باطل رخ می‌دهد که سرانجام با پیروزی نیروهای امام عصر عليه السلام و شکست و نابودی جنبش سفیانی، جنگ به پایان می‌رسد.

روایات در این مورد، بیانگر این مطلب است که حضرت مهدی عليه السلام به دروازه‌ی شهر «لد» در فلسطین می‌رسد و موضع رژیم‌های حاکم بر فلسطین و اردن در آن روزگار روشن نیست جز

این که بی‌تردید آن گرامی تمامی حکومت‌های سیاهکار و ستم‌پیشه را در هم می‌کوبد و همه‌ی استبدادگران منحرف را نابود می‌سازد و مردم را از بند فریب و دجالگری و اسارت آن‌ها رهایی می‌بخشد.

در دروازه‌ی همان شهر لد در فلسطین است که عیسی بن مریم علیه السلام برای بیعت با آن حضرت از آسمان به زمین فرود می‌آید که در بحث‌های آینده توضیح بیشتر آن را می‌خوانیم.

فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان

فرود آمدن عیسی بن مریم از آسمان به هنگام قیام امام مهدی علیه السلام، از دیدگاه همه‌ی مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد.

و شاید تنها حکمت فرود آمدن آن حضرت در قیام حضرت مهدی علیه السلام تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه و امامت اوست، به ویژه که حضرت عیسی به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می‌کند.

فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان به زمین، از شگفت‌انگیزترین شگفتی‌های تاریخ و از مهم‌ترین رخدادها و بزرگ‌ترین نشانه‌ها و پرشکوه‌ترین دلایل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. آیا شگفت‌انگیز نیست که انسانی، مدتی در روی زمین زندگی کند، آن گاه به آسمان‌ها عروج نماید و در آن جا هزارها سال زندگی کند آن گاه همگام با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خواست خدا و دستور او فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت با او نماز بگزارد و حرکت نجات‌بخش و آسمانی آن حضرت را یاری کند؟

با آگاهی از این که این انسان والا و بزرگ از دیگر انسان‌ها، به جهاتی ممتاز است:

- ۱- نخست این که او پیامبری از پیامبران بزرگ الهی است.
- ۲- او صاحب شریعت و کتاب آسمانی است، گر چه دست تحریف و خیانت پس از او به شریعت و مکتب او دراز شده و آن را با بافته‌های جاه‌طلبانه و ... آمیخته است.
- ۳- او را خدای جهان‌آفرین بدون پدر و تنها از مادری پاک و پاکیزه و به عنوان نشانه، به دنیا آورده است.

۴- امت و اینک در سراسر جهان از هزار میلیون نفر می‌گذرد که در میان آنان ??? همه‌ی قشرها و طبقات، از انسان‌های عادی گرفته تا شاهان، رؤسای جمهور و دیگر چهره‌های مشهور هستند و قدرت بزرگ و وزنه‌ی سنگینی را می‌سازند.

۵- میلیون‌ها تمثال از آن حضرت و به نام او در معابد و کلیساها، مدارس، خانه‌؟؟ و ... نصب شده و بر سینه‌ی پیروانش آویخته است.

۶- علاوه بر آن چه رفت، عقاید انحرافی و شرک‌آلودی را نیز که برخی مسیحیان بدان دچار گشته و بر اساس آن او را «پسر خدا» یا «خدا» می‌پندارند نیز باید در نظر گرفت که ذات اقدس ربوبی از گفتار باطل و بی‌اساس کافران و مشرکان، منزّه است.

با دقت به همه‌ی این امور، روشن است که عیسی بن مریم علیه السلام نزد مسیحیان مقدس‌ترین موجود است و طبیعی است که دیگر مکتب‌ها و ادیان نیز در برابر شخصیت آن حضرت، سر تعظیم می‌آورند و مسلمانان نیز به پیروی از قرآن کریم او را آن گونه که هست، بنده‌ی وارسته و شایسته‌ی خدا و پیامبر بزرگ او می‌شمارند و همان گونه که قرآن بارها او را به پاکی و طهارت و قداست و احترام یاد می‌کند، او را تجلیل می‌کند. و به نظر می‌رسد به خاطر اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او به اراده‌ی خدا و برای تقویت حرکت جهانی و نجات‌بخش امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور و قیام آن حضرت از آسمان فرود می‌آید.

و نیز به خاطر اهمیت بسیار موضوع است که روایات بسیاری در این مورد از پیامبر و خاندان وحی و رسالت علیهم السلام رسیده و در آن به فرود آمدن عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی علیه السلام و تصدیق و تأیید آن اصلاحگر بزرگ عصرها و نسل‌ها تصریح شده است.

برای نمونه: هنگامی که به مجموعه‌های روایی بنگریم درمی‌یابیم که انبوهی از علمای اهل سنت، حافظان و امامان حدیث، آنان همگی به طور متواتر، جریان فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام به هنگامه‌ی قیام امام مهدی علیه السلام را، با صراحت کامل آورده‌اند گرچه برخی از آنان نخواسته‌اند به این حقیقت حدیثی و اسلامی تصریح کنند و آن گونه که هست آن را ترسیم نمایند. به همین جهت است که برخی از آنان روایات را مخلوط می‌کنند و آغاز و پایان آن‌ها را حذف می‌نمایند یا با واژه‌ها و الفاظ روایات، برای اهدافی که خدا می‌داند، بازی می‌کنند.

برای نمونه:

۱- «بخاری» که از ائمه‌ی حدیث اهل سنت شناخته می‌شود و کتاب او در صدر کتب صحاح قرار دارد، حقیقت اقتدای عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام را می‌آورد اما با رعایت اجمال و ابهام.

او روایت را این گونه نقل می‌کند:

«... قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: كيف أنتم اذا نزل ابن مريم فيكم و إمامكم منكم».

یعنی: چگونه خواهید بود، هنگامی که فرزند مریم، عیسی، در میان شما فرود آید، در حالی که امام شما نیز در جامعه‌ی شما حضور دارد.

۲- «مسلم» در صحیح خود و «دیلمی» در کتاب «فردوس الاخبار» و «احمد بن حنبل» در مسند خویش داستان فرود آمدن عیسی علیه السلام و اقرار و اعتراف او به وجود گرانبایه‌ی حضرت مهدی علیه السلام را آورده‌اند، اما همان گونه کوشیده‌اند که نام آن حضرت را نیاورند.

۳- «نعیم بن حماد» استاد «بخاری» داستان نزول حضرت عیسی علیه السلام را می‌آورد اما او نیز نمی‌خواهد نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام را به صراحت ترسیم کند و به همین جهت این گونه روایت می‌کند:

﴿يَهبط المسيح عيسى بن مريم عند القنطرة البيضاء على باب دمشق الشرقي، طرف السحر (أى: يكون نزوله في وقت السحر) تحمله غمامه، واضعاً يديه على منكب ملكين، عليه ريطان مؤتراً باحدهما، مرتدياً بالآخرى، إذا أكب رأسه يقطر منه كالجمان، فيأتيه اليهود فيقولون: «نحن أصحابك».

فيقول: «كذبتم!».

ثم يأتيه النصارى، فيقولون: «نحن أصحابك».

فيأتي مجمع المسلمين حيث هم، فيجد خليفتهم يصلون بهم، فيتأخر المسيح حين يراه، فيقول: «يا مسيح! صل بنا».

فيقول: «بل انت فصل بأصحابك، فقد رضى الله عنك، فانما بعثت وزيراً و لم أبعث أميراً».

فیصلی بهم خلیفة المهاجرین رکعتین مرة واحدة و ابن مریم فیهم»^۱.

یعنی: حضرت عیسیٰ علیه السلام بر دروازه‌ی شرقی دمشق و کنار پل «بیضاء» به هنگامه‌ی سپیده‌ی سحر در حالی که بر ابر، سوار است و دست‌هایش بر شانه‌ی دو فرشته است و دو قطعه‌ی پارچه‌ی نفیس بر اندام اوست از آسمان به زمین فرود می‌آید. و هنگامی که سر خم می‌کند نور و درخشندگی خاصی از چهره‌اش پرتوافکن است، نخست یهودیان به سوی او می‌شتابند و می‌گویند: «ای پیامبر خدا! ما یاران تو هستیم».

آن حضرت بدانان پاسخ می‌دهد: «دروغ می‌گویید».

آن گاه مسیحیان به حضورش شتافته و می‌گویند: «ما یاران تو هستیم».

به آنان نیز می‌گوید: «شما نیز دروغ می‌گویید. یاران راستین من، مهاجران هستند، باقی مانده‌ی اصحاب حماسه».

آن گاه مسلمانان به حضورش شرفیاب می‌گردند در حالی که یهودیان و مسیحیان نیز آن جا هستند و عیسیٰ علیه السلام، امام و خلیفه‌ی راستین مسلمین (حضرت مهدی علیه السلام) را در میان آنان می‌نگرد که مسلمانان به امامت او نماز می‌گذارند.

مسیح نیز با دیدن آن منظره برای اقتدای به امام مسلمین پشت سر آن حضرت قرار می‌گیرد که امام مهدی علیه السلام می‌گوید: «ای پیامبر خدا! شما برای ما نماز بخوانید».

مسیح پاسخ می‌دهد: «نه! هرگز! شما باید نماز را برای مردم بخوانید و همگی به شما اقتدا نمایند، چرا که شما بنده‌ی شایسته‌ی خدا و حجت او هستید و خدا از شما خشنود است و من به عنوان وزیر شما مبعوث شده‌ام و نه امیر».

آن گاه خلیفه‌ی مهاجرین، امام مهدی علیه السلام، نماز می‌خواند و همگی از جمله حضرت مسیح علیه السلام بدان حضرت اقتدا می‌کنند.

۴- و نیز «نعیم بن حماد» روایت دیگری را می‌آورد و آن را از «حذیفه» و او نیز از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، اما متأسفانه باز هم با الفاظ و واژه‌های روایت بازی می‌کند، این گونه:

«فیهبط عیسیٰ فیرحب به الناس و یفرحون بنزوله لتصدیق حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله ثم یقول للمؤذن: «أقم الصلوة!»

ثم يقول الناس: «صل بنا».

فيقول: «إنطلقوا الي إمامكم فليصل بكم فإنه نعم الإمام».

فيصلي بهم امامهم فيصلى معهم عيسى^١.

یعنی: سپس عیسی علیه السلام فرود می آید و مردم به او خوش آمد می گویند و از آمدنش که تصدیق حدیث پیامبر و پیشگویی اوست، شادمان می گردند سپس به مؤذن دستور می دهد که «اذان بگو تا نماز برپا گردد».

آن گاه مردم از او می خواهند به عنوان امام برای مردم نماز بخواند که می گویند: «هان! ای مردم! شما به سوی امام خویش بروید تا او برای شما به عنوان امام نماز بخواند چرا که خوب امام و شایسته پیشوایی است».

آن جا است که امام مردم، نماز می خواند و همگی از جمله حضرت عیسی علیه السلام به او اقتدا می کنند و به امامت او (حضرت مهدی علیه السلام) نماز می گزارند.

آری! خواننده ی عزیز! به این روایت بنگر تا روشن شود که این گروه، چگونه با روایات پیامبر صلی الله علیه و آله بازی می کنند و به جای تصریح به نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام گاهی از او به «امامکم» تعبیر می کنند و گاه به «خلیفتم» و در برخی کتاب هایشان نیز به «امیرهم».

اما در همین حال، برخی از علمای اهل سنت و از انسان هایی که تعصبات و جهت گیری ها و هواهای دلشان بر قلمشان چیره نشده است، همین روایت و نظیر آن را بدون خرابکاری و دستکاری و قلب حقایق، روایت می کنند که برای نمونه برخی از روایات در این مورد را می آوریم:

۱- از ابو سعید خدری آورده اند که: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

﴿منا الذی یصلی ابن مریم، خلفه﴾^۲.

۲- یعنی: از خاندان ماست آن کسی که عیسی بن مریم به امامت او نماز می گزارد.

از حذیفه آورده اند که: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

﴿... یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم... فیقول المهدی: «تقدم و صل بالناس».

۱. الملاحم الفتن، ص ۱۸۷.

۲. عقد الدرر، ص ۲۳۰.

فَيَقُولُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ: «أَنَا أَقِيمْتُ الصَّلَاةَ لَكَ».

فَيَصَلِّيُ عِيسَى خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وَلَدِي، فَإِذَا صَلَّيْتُ قَامَ عِيسَى حَتَّى جَلَسَ فِي الْمَقَامِ فَيَبَايِعُهُ^۱.

یعنی: حضرت مهدی علیه السلام متوجه می شود که عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده است به همین جهت به او می گوید: «شما پیش بایستید و برای مردم نماز بخوانید».

عیسی علیه السلام پاسخ می دهد: «نماز، تنها، به وسیله و به امامت شما، برپا می گردد».

و خود آن پیامبر بزرگ به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند و نماز می خواند و آن گاه با آن حضرت بیعت می نماید.

۳- از ابن عباس آورده اند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

﴿وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ

فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَصَلِّيُ خَلْفَهُ^۲﴾.

یعنی: به خدایی که مرا به حق و مزدهرسان برانگیخت اگر از دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی می سازد تا در آن روز فرزندان مهدی ظهور نماید و عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و به امامت او نماز می گزارد.

۴- امیرمؤمنان علیه السلام در داستان «دجال» فرمود:

﴿... وَ يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام بَيْتَ الْمَقْدِسِ وَ يَصَلِّيُ بِالنَّاسِ إِمَامًا، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ قَدْ

أَقِيمْتُ الصَّلَاةَ، نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ علیه السلام بِثَوْبَيْنِ مَشْرُقَيْنِ، أَحْمَرَ، كَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ رَأْسِهِ الدَّهْنَ، رَجُلٌ الشَّعْرُ، صَبِيحُ الْوَجْهِ، أَشْبَهَ خَلْقَ اللَّهِ بِأَبِيكُمْ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ، فِيرَى الْمَهْدِيُّ عِيسَى، فَيَقُولُ لِعِيسَى: «يَا بَنَ الْبَتُولِ! صَلِّ بِالنَّاسِ».

فَيَقُولُ: «لَكَ أَقِيمْتُ الصَّلَاةَ».

فَيَتَقَدَّمُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام فَيَصَلِّيُ بِالنَّاسِ وَ يَصَلِّيُ عِيسَى خَلْفَهُ وَ يَبَايِعُهُ...^۳﴾.

۱. معجم احاديث المهدي، ص ۵۲۷.

۲. فوائد المسطين، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳. عقد الدرر، ص ۲۷۴.

یعنی: مهدی وارد بیت المقدس می گردد و به عنوان امام با مردم نماز می گزارد. آن گاه روز جمعه فرا می رسد و نماز برپا می شود و عیسی علیه السلام در حالی که دو پیراهن درخشان بر تن دارد با چهره‌ای گندمگون و آراسته، با موهای شانه کرده و منظم و قیافه‌ای درخشان که شبیه‌ترین انسان‌ها به پدرتان ابراهیم خلیل است، از آسمان‌ها فرود می آید.

حضرت مهدی علیه السلام او را می نگرد و به او می گوید: «هان ای فرزند بتول! بیا و به امامت، بر ما نماز بگزار».

عیسی پاسخ می دهد: «نماز به امامت تو برپا می گردد».

و آن گاه مهدی علیه السلام پیش می آید و با مردم نماز می گزارد و حضرت عیسی به امامت او نماز می خواند و با او بیعت می نماید.

چند سال حکومت خواهد کرد؟

روشن است که ما دوران حکومت و سال‌های زمامداری امام مهدی علیه السلام را تنها می توانیم از طریق روایاتی که حدود آن را بیان می کند بشناسیم. و روایات رسیده در این مورد مختلف است:

- ۱- دسته‌ای از روایات، مدت حکومت او را، پس از قیام جهانی‌اش ۷ سال عنوان می سازد.
- ۲- برخی از روایات، این دوران درخشان را به حدود ۲۰ سال تعبیر می کند.
- ۳- دسته‌ی سوم از ۷۰ سال سخن می گوید.
- ۴- و روایاتی هم هست که عدد دیگری را نشان می دهد.

اما به نظر نگارنده، روایات دسته‌ی دوم که سال‌های حکومت آن حضرت، پس از قیام برای اصلاح جهان را، حدود ۲۰ سال عنوان می کند بیشتر است و بدان دسته بهتر می توان اعتماد کرد. چرا که این گروه از روایات از امامان اهل بیت علیهم السلام که خداوند آنان را از هر لغزش و اشتباه و پلیدی، پاک و پاکیزه ساخته، رسیده است.

اینک برخی از آن روایات:

۱- امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود:

﴿ملك القائم علیه السلام منا تسع عشر سنة و أشهراً﴾^۱.

یعنی: حکومت درخشان و شکوهمبار قائم ما، نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

۲- و در بیان دیگری می‌فرماید:

«ملک القائم علیه السلام تسع عشره سنة و أشهراً»^۱.

یعنی: قائم علیه السلام حدود نوزده سال و چند ماهی پس از قیام جهانی‌اش حکومت خواهد کرد.

۳- جابر بن یزید جعفی از حضرت باقر علیه السلام پرسید که: «سرورم! قائم علیه السلام در روزگار

خویش چه مدت به تدبیر امور و تنظیم شئون امت و حکومت عادلانه‌ی جهانی می‌پردازد؟».

حضرت فرمودند: «از روز قیام او تا رحلتش، حدود نوزده سال، فاصله است».

روشن است که این روایت با دو روایت رسیده از امام صادق علیه السلام تناقض و تضادی ندارند.

چرا که طبق روایاتی که در بخش ظهور آمد، قیام جهانی آن حضرت اندکی پس از ظهورش

خواهد بود و قیام و ظهورش بر خلاف پندار بسیاری در دو مرحله خواهد بود، نه یک مرحله.

زندگی در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام

عصر امام علیه السلام پس از ظهور و قیام جهانی‌اش، به راستی از درخشان‌ترین و دوست

داشتنی‌ترین و زیباترین عصر برای کره‌ی زمین، از آغاز آفرینش جهان و انسان است.

و کاملاً به جا و درست است که نام عصر ظهور او را «عصر حاکمیت نور و دانشش و بینش»

به مفهوم واقعی آن نام گذاریم، نه روزگاری را که ما در آن زندگی می‌کنیم که به راستی عصر

تاریکی‌های جهل، انحراف، فجایع، بیداد و گمراهی و عصر نگونسازی و اسارت انسان است.

جهان معاصر

در عصری قرار داریم که انسان تنها به نام انسان زندگی می‌کند و در ظلمت و تاریکی به سر

می‌برد که حتی راه هدایت‌شان را گم کرده است.

دین روی به پایمال است. فساد، فقر، گرفتاری‌های دیگر اجتماعی، فرهنگی، دینی طغیان

کرده است تا آن جایی که انسان خود را به دست خود به هلاکت می‌رساند.

و هر روز به روز تا لحظه به لحظه رو به نابودی است. فقط دل‌ها افسرده چشم انتظار منجی

است که برای فتح عالم و اصلاح جهانیان ظهور کند و به اذن الله برای سرکوبی نامردمان قدم عزت و عظمت و شجاعت و پایداری را در تمام عالم بگذارد و با ندای «انما المهدی» با نوید فرجش انسان‌ها را به سوی صراط مستقیم و بندگی پاک هدایت کند.

حیات فرهنگی در عصر امام مهدی علیه السلام

با توجه به این که روایات فراوانی در این زمینه داریم من در این جا فقط به روایتی از حضرت باقر علیه السلام اکتفا می‌نمایم که فرمود:

﴿...تؤتون الحكمة في زمانه حتى أن المرأة لتقصي في بيتها، بكتاب الله و سنة رسوله﴾.

یعنی: به مردم عصر حکومت درخشان او، دانش و بینش ارزانی می‌گردد که زن در کانون خانگی خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه دآوری می‌کند و نیازی به دیگری ندارد.

بلکه تمام امور زندگی مردم از قبیل تربیت، وسائل و عوامل تربیت با بهترین وجه مسیر است و زندگی اقتصادی، کشاورزی، حل مشکل مسکن، حل بحران بیکاری و امنیت و آرامش و اصلاحات عمومی در آن عصر بی‌نظیر است و آن حضرت وجود گرانمایه‌اش تمام نعم و برکات را برای فرزندان آدم و هدایت‌شدگان به مکتب اسلام را فراهم می‌سازد.

حسن ختام

خواننده گرامی؛

تمام این مباحث مقدمه‌ای بود بر اینکه بتوانیم آن حضرت را کما هو حقه بشناسیم و با او ارتباط برقرار کنیم یعنی مطالبی که در این مجموعه بیان شد چنانچه مورد توجه قرار گیرد انسان با تمام وجودش از حضرت حق تقاضا می کند «اللهم ارنی الطعته الرشیده و الغرة الحمیده...»

در این صورت انسان درک می کند طلعت رشیده بودن آن حضرت به چه معناست و چرا منشا طلوع تمام اسماء الهی بر روی زمین است. و موجب رشد تکامل همه انسانهای حق جو است و می فهمد که آن حضرت جلوه گاه همه کمالات و زیباییهاست.

به امید آنکه خود را همراه در عهد آن وجود نازنین قرار دهیم و بفهمیم به چه مقامی عهد بسته ایم!

و با ظهور او چه زیباییهایی در کل عالم هستی ظاهر خواهد شد.

«اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المومنین و المومنات فی مشارق الارض و معاذبها و برها و بحرها و سلها و جبلها حیهم و میتهم و عن و الدی و ولدی و عنی من اصلوات و التحیات و زینته عرش و مداد کلماته و منتتهی رضاء و عدد ما احصاه کتابه و احاط به علمه.»

و از محضر آن کریم درخواست می کنیم که مولای یا مولای به نجوایی که درش تو را می خوانیم و با ذکری که از خدا تقاضای فرج تو را می کنیم یا قدمی که در راه تو بر می داریم ... از بحر کرامتت به عنوان رعیت درخواست می کنیم:

و اقبل تقرینا الیک، و انظر الینا نظره رحمه، نستکمل بها الکرامه عندک، ثم لا تصرفها عنا. بجودک، واسقنا من حوض جده صلی الله علیه و آله به سکاسه و بیده ریاً زویا هیئنا سائغاً لا ظلماً بعده یا ارحم الراحمین.

سید علی هاشمی ۸ ربیع الاول ۱۴۲۹ هـ.ق.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم
۲. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۳. عیون الاخبار، ج ۲، ترجمه شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی
۴. کافی، ج ۸ ف شیخ کلینی ناشر اسلامیه تهران
۵. تاریخ سامرا، ج ۳.
۶. بحار الانوار، ج ۱۳، ۱۵، ۵۱، علامه مجلسی، چاپ بیروت.
۷. ارشاد مفید، ج ۲.
۸. کشف الغمه، ج ۳، علی ابن عیسی اربلی.
۹. جنات الخلود.
۱۰. اعلام الوری، فضل بن الحسن طبرسی، دار المعرفه، بیروت.
۱۱. تذکره الخواص، سبط ابن الجوزی مؤسسه آل ابیت علیهم السلام، بیروت.
۱۲. معجم الاحادیث المهدی، ج ۳.
۱۳. عقد الدرر، ج ۳، شیخ جمال الدین یوسف دمشقی.
۱۴. اکمال الدین، ج ۱-۲.
۱۵. میکال المکارم، ج ۱ ف ترجمه سید مهدی حائری قزوینی.
۱۶. النجم الثاقب.
۱۷. مصباح المتعجد، شیخ طوسی، چاپ بیروت.
۱۸. بلد الامین، کفعمی.
۱۹. آخرین امید - داودی الهامی
۲۰. ینابیع الموده، ج ۳، القندوزی.
۲۱. نور الابصار، شبلنجی.
۲۲. اسعاف الراغبین، صبان.
۲۳. فتح الباری، حافظ.
۲۴. صواعق المحرقه، ج ۲، ابن حجر، مکتبه القاہره، مصر.
۲۵. الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، دحلان مفتی شافعی.

۲۶. کشف الاستار، احمد الحسینی، الصفاى الخوانسارى، الناشر، موسسه آل البيت عليهم اسلام.
۲۷. اليواقيت و الجواهر، ج ۲، شيخ عبدالوهاب شعرانى.
۲۸. مطالب السؤل، محمد ابن طلحه شافعى.
۲۹. غيبت نعمانى، محمد ابن ابراهيم نعمانى، ج ۱، ترجمه عفارى محمد جواد، چاپ تهران.
۳۰. التاج، ج ۵، عالم متعزلى، عمرو بن بحر.
۳۱. صحيح مسلم.
۳۲. كمال الدين صدوق
۳۳. سنن ابى داود
۳۴. فرائد السمطين، حموينى شافعى، ج ۲۰.
۳۵. غيبت طوسى، محمد بن حسن طوسى، مترجم على اكبر مهدى پور.
۳۶. مقتل الحسين خوارزمى
۳۷. اپانشاد، ترجمه محمد اوراشكوى از متن سانسكريت، ج ۲.
۳۸. ظهور حضرت مهدى از دیدگاه ملل جهان سيد اسدالله هاشمى شهيدى.
۳۹. دلائل العامه
۴۰. الزامه الناصب
۴۱. علائم ظهور كرمانى
۴۲. بشارات عهدين
۴۳. حق اليقين، علامه محمد باقر مجلسى، ناشر اسلاميه.
۴۴. منتخب الاثر، فى الامام الثانى عشر، آيت ا... صافى گلپايگانى، نشر موسسه سيده المعصومه.
۴۵. المحجة، محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى، ناشر حسين.
۴۶. عهد عتيق كتاب مزايرمزبور ۷۲.
۴۷. تورات كتاب مقدس كتاب اشيعاى نبى
۴۸. بشارة الاسلام
۴۹. مستدرک حاكم
۵۰. الملاحم و الفتن - سيد ابن طاووس ناشر شريف رضى.
۵۱. نويد امن امان، آيت الله العظمى صافى گلپايگانى.

۵۲. امامت ومهدویت، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی
۵۳. الحاوی للتفاوی، ج ۲.
۵۴. الفتن، نعیم بن حماد
۵۵. کتاب ذکریای نبی
۵۶. البدایه و النهایه - ج ۱، ابن کثیر
۵۷. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی.
۵۸. عقائد امامیه، ج ۱، محمد رضا مظفر، ترجمه علیرضا مسجد جامعی.
۵۹. کتاب مقدس حزقیال نبی
۶۰. الامام المهدی
۶۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق.
۶۲. کتاب مقدس انجیل متی، مرقس، لوقا، یوحنا
۶۳. سنن ابن ماجه
۶۴. البرهان متقی
۶۵. لمعات النور، ج ۱، شیخ عبدالحق.
۶۶. الامام الهمدی من المهد الی الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، نشر حاذق.
۶۷. اثبأه الهداء، شیخ حر عاملی.
۶۸. من قریة تعرف بالیهوده
۶۹. کشف الغمه، محدث اربلی، چاپ تبریز
۷۰. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی.
۷۱. اصول کافی، ج ۱، ترجمه سید جواد مصطفوی، چاپ تهران.